



غیرت حسینی ملت ایران هرگز از بین نخواهد رفت

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۱۳ | دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴ | ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ | ۱۷ نوامبر ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

سال بی‌باران
نگاهی به خشکسالی کم‌سابقه ایران و راه‌های عبور از آن

مصطفی قربانی
روایت نامعتبر آمریکایی!

۱۱
خرد

علی حیدری
دشمن در کمین ذهن‌ها!

۲
سرمقاله

۲۵۰ سال خشونت سازمان یافته شیطان بزرگ

معاون حقوقی سپاه در مراسم رونمایی از دادنامه
خانواده شهدای امنیت علیه دولت تروریست آمریکا

۱۵
پاسدار

اصلاح طلبان و تعامل با رهبری!

مروری بر کتاب خاطرات اسحاق جهانگیری
با عنوان «در اندیشه ایران»

۱۰
تاریخ

صبح صادق انتخابات پارلمانی عراق و آینده مقاومت را بررسی می‌کند

رأی به مقاومت

۲
نگاه



توصیه به قوه قضائیه



سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

روز ۲۹ آبان ماه سال ۱۳۶۲ مسئولان قوه قضائیه وقت با حضرت امام خمینی(ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی ملاقات کردند. امام راحل در بخشی از رهنمودهای خود بر حسب ضرورت بر تقویت دستگاه قضا تأکید کردند، به همین مناسبت در این مختصر چند مورد آن با توضیحی کوتاه ارائه می شود:

۱- امام راحل با اشاره به حضور متفقین در جنگ جهانی و حمله به ایران فرمودند: «با آن هیاهویی که رضاخان درآورده بود که ما دیگر چه هستیم و چه هستیم-سه ساعت گفته بودند که اینها مقاومت کردند در مقابل آنها، بعد که رضاخان از یکی از اینها سرگردان آن وقت-رسیده بود که چرا سه ساعت؟ گفته بود که قربان سه ساعت حرف است، آنها آمدند و مارفتیم؛ مسئله این بود، ارتش آتطور بود، دولت آن بود و...»

۲- پس از پیروزی انقلاب، حضرت امام(ره) از عملکرد نهادهای مرتبط با دستگاه قضا ابراز رضایت می کنند و می فرمایند: «دادگستری و قوه قضائیه بحمدالله کار زیاد کردند و موجب سرفرازی یک ملت است که در مدت بسیار کم با همه مشکلات و با اینکه مهیا نبودند علمای ما برای قضاوت و امر قضاوت ارتباط با آنها نداشته است، مع ذالک موفق شده اند و تاکنون خدمت فراوانی کرده اند.»

۳- امام راحل از علما و روحانیون حوزه های علمیه و سایرین تقاضا می کنند تا در جهت تقویت قوه قضائیه و در رفع نواقص و بر طرف کردن نقاط ضعفها با قوه قضائیه همکاری داشته باشند و از آنها دعوت به مشارکت می کنند و می فرمایند: «قوه قضائیه امروز قوه قضائیه اسلامی است و رو به اسلام دارد می رود و باید خود علمای اسلام این را تقویت کنند.»

۴- حضرت امام خمینی (ره) در ادامه سخنان شان ورود به قوه قضائیه و تقویت آن را یک وظیفه شرعی و اسلامی دانستند و فرمودند: «علری نیست از برای ما امروز که بگویم ما توانستیم، یا ما داخل کار نبودیم، تخیر، همه شما هر یک از آقایان در هر جا هستند اینها پیشنهاد کنند و وارد بشوند و قوه قضائیه را تقویت بکنند کسانی که در حوزه ها هستند و آنهایی که درس خوانده هستند و در حوزه های دیگر سمت مدرسی و اینطور چیزها را ندارند، آنها هم تشریف بیاورند و این قوه را تقویت بکنند تا ان شاءالله درست بشود این قوه...»

۵- امام راحل در ادامه همین بحث خطاب به قضات در انجام کار و قضاوت توصیه و تأکید کردند: «اگر این قوه قضائیه درست بشود، بسیاری از مشکلات کشور درست می شود مردم سروکار دارند با این قوه، با دادگستری سروکار دارند و به شما آقایان قضات عرض می کنم که خدا را در نظر داشته باشید در باب قضا، قوه قضائیه سروکارش با جان مردم است، با مال مردم است، با نواامیس مردم است و باید همیشه خدا را ناظر و حاضر ببینید که خدای نخواستہ نباید یک اشتباهی در کار بشود، یک وقت یک خطایی بشود خطای شما بزرگ است و ممکن است یک خطا موجب قتل یک کسی بشود، یک خطا موجب به باد رفتن آبروی کسی بشود و...»

بـا وجود اینکه از این سخنان و رهنمودها بیش از چهل سال می گذرد، هنوز تازه و آموزنده است.



علی حیدری
سردبیر

پس از شکست دشمنان ملت ایران در جنگ ۱۲روزه تحمیلی، که با اقتدار نیروهای مسلح و حمایت مردمی و هدایت های حکیمانه رهبر معظم انقلاب سپری شد، جبهه جدیدی از تقابل آغاز شده است؛ جبهه ای که نه با تانک و موшок، بلکه با روایت، تصویر و القای ذهنی پیش می رود. این همان جنگ شناختی و روانی است که دشمنان، با تمام توان رسانه ای و تکنولوژیک خود، آن را به راه انداخته اند تا شکست نظامی را با پیروزی در میدان افکار عمومی جبران کنند. جنگ شناختی، برخلاف جنگ های کلاسیک مرز نمی شناسد و هدف آن نه تسخیر خاک و سرزمین، بلکه تسخیر ذهن ها و عقل هاست. دشمنان با بهره گیری از شبکه های اجتماعی، شبکه های ماهواره ای، رسانه های وابسته و تولیدات فرهنگی هدفمند، تلاش دارند باورهای مردم را تغییر دهند، اعتماد ملی را تضعیف کرده و انسجام اجتماعی را از درون متلاشی کنند. در این میان، عملیات روانی و شناختی دشمن علیه ملت ایران که روز به روز شدیدتر می شود، بر پایه چند محور استوار است:

۱- تطهیر رژیم پهلوی و تحریف تاریخ؛ برای نیل به این هدف، تولید مستندها، پادکست ها و روایت های رژیم منحوس پهلوی و القای ایسن تصور که دوران طاغوت دوران ثبات و شکوفایی بوده، در دستور کار قرار گرفته است و دستگاه رسانه ای و عملیات روانی دشمن می کوشد با استفاده از چهره های رسانه ای و شعارهای فریبنده، حس نوستالژی کاذب و بی ریشه در نسل جوان امروز ایجاد کند؛ در حالی که واقعیت های تاریخی از وابستگی، فساد، جنایت و سرکوب گسترده در دوران رژیم پهلوی حکایت دارند.

۲- تضعیف روحیه نیروهای نظامی و امنیتی؛ در روزهای اخیر شاهد هستیم که عُمال رسانه ای دشمن با انتشار کلیپ های ساختگی، شایعات هدفمند و روایت های غلط از عملکرد نیروهای



محمد رضا فرهادی
کارشناس مسائل منطقه

انتخابات پارلمانی در عراق با مشارکت حدود ۵۵درصدی برگزار شد و در آن جریان های شیعه و همچنین جریان های وابسته به مقاومت بیشترین آرا را کسب کردند. باتوجه به تحریم انتخابات از سوی «مقتدی صدر»، یکی از گزاهای مطرح شده، کاهش مشارکت در انتخابات بود که این مسئله رخ نداد و مشارکت در مقایسه با دور قبلی با افزایش ۱۳ درصدی همراه بود. فارغ از نتایج انتخابات، دو تحول مهم در انتخابات فعلی بیش از همه مهم و تأثیر گذار بود:

الفـد جریان تشرینی ها یا همان جریان اعتراضی سال ۲۰۱۹ در این انتخابات آرای خاصی کسب نکرد و کرسی های پارلمانی خود را که ۹ تا ۱۱ کرسی بود، در دور جدید از دست داد.

بـد افزایش آرای جریان های مقاومت که جریان الصادقون وابسته به شیخ قیس خزعلی ۲۸ کرسی کسب کرد، در مقایسه با دور قبل ۱۰ کرسی بیشتر است.

با توجه به نتایج کسب شده و همچنین برتری جریان های وابسته به مقاومت در انتخابات، این

دشمن در کمین ذهن ها!

نظامی و امنیتی در فضای مجازی و وارونه نمایی حقایق، به ویژه در بخش عملکرد این نیروها درصددند این تصور را القا کنند که نیروهای مسلح ناکارآمد، بی انگیزه، یا فاقد حمایت مردمی هستند!

۳- یاس آفرینی و ناامیدسازی نسبت به آینده؛ در دوران پسا جنگ، بیماران اطلاعاتی با تمرکز بر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بدون اشاره به ریشه ها یا دستاوردها، القای حس بی فایده بودن تلاش ها، بی اثر بودن مقاومت و بی نتیجه بودن مشارکت اجتماعی را دارد. در این رهگذر تلاش می کنند با بهره گیری از زبان طنز تلخ، شوخی های سیاسی و روایت های شهروشنفکری امید و انگیزه را در بین مردم و جوانان از بین ببرند.

۴- نفوذ در فرهنگ عمومی و تغییر ذائقه مردم؛ از مدت ها قبل ترویج سبک زندگی غرب زده، فردگرایانه و بی هویت از طریق تولیدات هنری، موسیقی و مد، تلاش برای فاصله انداختن میان نسل ها، تضعیف ارزش های دینی و ملی و ایجاد گسست فرهنگی با استفاده از چهره های محبوب و اینفلوئنسرها به صورت خزنده و تدریجی در جریان بود که این موضوع پس از شکست دشمن در جنگ ۱۲ روزه تشدید شده است.

در برابر این هجمه پیچیده، چندان لایه و خزنده، تنها راه مقابله، هوشیاری عمومی و هوشیاری و دقت نظر و ارتقای سواد رسانه ای و مجازی است. مردم باید بدانند که هر تصویر، هر روایت و هر کلیپ، ممکن است بخشی از یک عملیات روانی باشد. تشخیص روایت های جعلی، تحلیل محتواهای رسانه ای و تقویت اعتماد به نفس ملی، امروز به اندازه تجهیزات نظامی اهمیت دارد.

جنگ شناختی، جنگی است که در آن هر شهروند در حکم یک رزمنده است. هر گوشی موبایل، یک سنسگر است و هر لحظه غفلت، می تواند به نفوذ دشمن در ذهن ها منجر شود. پیروزی در این میدان، نیازمند بصیرت، آگاهی و همدلی ملی است. ملت ایران، با سابقه ای درخشان در مقاومت و ایستادگی، بار دیگر نشان خواهد داد که نه تنها در میدان نظامی، بلکه در میدان ذهن ها نیز شکست ناپذیر است و اسیر بزک ها و خیمه شب بازی دشمن نخواهد شد.

رضا صارمی راد
کارشناس مسائل بین الملل

صد و هشتاد روز پس از دیدار غیررسمی جولانی و ترامپ در عربستان، جولانی برای یک سفر رسمی عازم آمریکا شد، اما تنها اسم این سفر رسمی بوده است، زیرا ترامپ برای استقبال از او به جلوی درب ورودی کاخ سفید نیامد و جولانی از درب پشتی وارد کاخ سفید شد و در پایان هم نشست مطبوعاتی با حضور خبرنگاران برگزار نشد.

به نظر می رسد کاخ سفید در این سفر نگران عکس العمل رسانه ها بوده است؛ زیرا گروهی از رسانه ها می پرسند چطور کسی که تا مدتی قبل جزء رهبران داعش بوده و برای سر او جایزه ده میلیون دلاری تعیین شده است، در حال حاضر در خاک آمریکاست و با نظامیان آمریکایی بستکبال بازی می کند؟!

البته جولانی در همین حد از استقبال هم بسیار راضی بود البته آمریکا قبل از سفر نام او را از فهرست تحریم های آمریکا خارج کرد همچنین با فشار این کشور تحریم های سازمان ملل هم بر علیه سوریه لغو شد جولانی در این سفر تلاش زیادی کرد که تحریم های سزار را که از سوی آمریکا بر علیه کشورش وضع شده بود لغو کند ولی ظاهرادر این عفو موفق نبوده است و آمریکا تنها تحریم های ثانویه را لغو کرده است

جولانی در این سفر تلاش زیادی کرد تا تحریم های سزار را که آمریکا علیه کشورش وضع کرده بود، لغو کند؛ ولی ظاهراً در این عفو موفق نبوده و آمریکا تنها تحریم های ثانویه را لغو کرده است و تحریم های اولیه که در چارچوب قانون سزار است، کماکان باقی مانده است. واقعیت این است که تحریم های اولیه را باید کنگره لغو کند و ترامپ تنها می تواند در بازه های زمانی چهار تا شش ماه از طریق فرمان اجرایی آنها را تعلیق کند.

سزار پابرجاست!

پرواضح است که این فرمان ها هم برای سرمایه گذاران خارجی هیچ ارزشی ندارد؛ زیرا سرمایه گذاران حاضر نیستند در بازه های زمانی کوتاه در یک کشور سرمایه گذاری کنند

جولانی همچنین از طرح آمریکا برای پیوستن به توافق ابراهیم استقبال نکرد؛ زیرا رژیم صهیونیستی اعلام کرده به شرطی با وی وارد مذاکره می شود که در مناطق حضور دروزی ها نیروهای جولانی مستقر نباشند، یعنی در عمل جنوب غربی سوریه به یک منطقه خود مختار تبدیل شود. این در حالی است که پذیرش این موضوع موقعیت جولانی را در داخل کشور به شدت تضعیف می کند. از موارد دیگری که در جریان سفر جولانی به آمریکا از او خواسته شد قطع جریان انتقال سلاح از سوریه به داخل لبنان است. آمریکا و رژیم صهیونیستی مدعی هستند که حزب الله بخش زیادی از ترمیم آسیب های وارده و تجهیز نیروهایش را از طریق سلاح هایی انجام داده است که از سوریه به لبنان منتقل شده است؛ البته جولانی این موضوع را رد کرده است. یکی دیگر از درخواست های رئیس دولت سوریه از طرف آمریکایی تعیین تکلیف کردهای سوریه بوده است. وی پیشنهاد داده است برای این موضوع نشست سه جانبه ای با حضور وزرای خارجه سوریه، آمریکا و ترکیه برگزار کرده که آمریکایی ها به این درخواست پاسخی ندادند. در واقع می توان گفت بزرگ ترین دستاورد سفر برای جولانی کسب مشروعیت و عادی سازی روابط با آمریکا بوده و اگر این مورد حذف شود، در واقع این سفر هیچ دستاوردی نداشته است.

نوع نگاه آمریکایی ها به سوریه کاملاً مشروط و ابزاری است و حتی ممکن است برای رسیدن به اهداف بلندمدت خود جولانی را هم قربانی کنند و در واقع دولت او برای دوران گذر سوریه باشد تا آمریکا بتواند جا پای خود را در سوریه محکم کند.

امنیت ملی تصویب شد، اما با فشارهای آمریکا این قانون به صحن مجلس نیامد. حضور جریان های مقاومت و همسوس با مقاومت می تواند به روند تصویب این قوانین کمک کند.

۴- باز یگری فعال در عرصه های گوناگون:

ایده آمریکا برای گروه های مقاومت و حشدالشعبی در عراق، ابتدا انحلال، در صورت عدم موفقیت تضعیف آنها و در صورت عدم تضعیف آنها بر مرحله تلفیق در ارتش عراق متمرکز خواهد شد. با معلوم شدن نتایج انتخابات پارلمانی در عراق، آمریکایی ها سیاست انحلال و تضعیف را در دستورکار قرار نخواهند داد و وارد مقابله با جریان های مقاومت با هدف باز یگری نکردن آنها در عرصه عراق خواهد شد. آمریکایی ها همواره بر روی این گزاره تأکید دارند که گروه های مقاومت در عراق نباید وارد عرصه های دیگر، همچون عرصه سیاسی شوند. حضور این گروه ها در عرصه سیاسی علاوه بر عرصه نظامی برای آمریکایی ها قابل هضم نیست. پیروزی جریان های مقاومت در عراق می تواند افزون بر از بین بردن این طرح آمریکایی ها، به حضور گسترده تر این جریان ها در عرصه سیاسی عراق منجر شود. علاوه بر این موارد، همسویی این جریان ها می تواند به تقابل گسترده تر آنها با آمریکا منجر شود.

صبح صادق انتخابات پارلمانی عراق و آینده مقاومت را بررسی می کند

رأی به مقاومت

در هر کشوری انتخابات روندی برای کسب مشروعیت و افزایش مقبولیت یک جریان است. در عراق به ویژه بعد از اعتراض های سال ۲۰۱۹ میلادی این بحث مطرح بوده که گروه های مقاومت همچون سال های گذشته از مقبولیت برخوردار نیستند و اصولاً تهدیدی با عنوان داعش نیز وجود ندارد. نتایج انتخابات و افزایش کرسی های جریان های مقاومت نشان داد، این مسئله کاملاً اشتباه است و این جریان ها در مقایسه با ادوار گذشته کرسی های بیشتری نیز کسب کرده اند و این مسئله نشان دهنده افزایش مشروعیت آنها در جامعه عراق است.

۳- افزایش وزن سیاسی گروه های مقاومت:

افزایش وزن سیاسی گروه های مقاومت به افزایش حضور آنها در حوزه های سیاسی و اجتماعی عراق منجر خواهد شد. برای نمونه طرح قانونی شدن حشدالشعبی در پارلمان فعلی عراق در کمیسیون

مسئله تأثیرات خاصی بر گروه های مقاومت و آینده آنها در عراق خواهد داشت که مهم ترین آنها موارد ذیل است:

۱- شکست طرح های ضدمقاومتی در عراق:

آمریکایی ها قبل از انتخابات تحركات گسترده ای در زمینه اعمال فشار بر دولت عراق برای انحلال گروه های مقاومت قرار داده بودند و حتی بر اساس اعلام روزنامه نیویورک تایمز، «مارک ساواوا» نماینده تازه منصوب شده ترامپ در عراق اعلام کرده بود که دولت آمریکا ممکن است دیگر حضور نیروهای مقاومت را تحمل نکند. به نظر می رسد، آمریکایی ها به دنبال پیادسازی مدل مطلوب خود برای حزب الله لبنان، در عراق هم هستند که در آن خلع سلاح گروه های مقاومت را به منزله مهم ترین ابزار در دستورکار بعد از انتخابات پارلمانی قرار داده اند.

۲- افزایش مشروعیت گروه های مقاومت:

احیای جاده ابریشم



حسین اسلامی
مدرس دانشگاه

از جمله ارکان انسجام و اتحاد ملی در کلام معظم له تقویت اقتصاد ملی و اتکا به توان داخلی در حمایت از تولید و توسعه صادرات کالاها ی ایرانی است که در اجرای اصل ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی و سند برنامه هفتم پیشرفت و در سال مزین به نام «سرمایه گذاری برای تولید» هم بر آن تأکید شده است. همچنین از آنجایی که کشور ایران در قلب کره زمین (heartland) نقشه جهان و موقعیت جغرافیایی استثنایی قرار گرفته است، بنابراین، به کارگیری حداکثری از ظرفیت عظیم ترانزیت کشور به ویژه در موضوع ترانزیت کالا از طریق حمل و نقل ترکیبی (هوایی، زمینی، دریایی، ریلی) می تواند به بهتری سن حالت بهره برداری و برنامه ریزی شود.

احیای مسیر جاده ابریشم در قالب طرح

تمدن پارسیو هم پیمانی با کشورهای پارسی زبان (ایران، افغانستان و تاجیکستان) کشورهای میراثدار نوروز، با بهره گیری از ظرفیت اتاق بازرگانی، شرکت پست دولتی و شرکت هایپست خصوصی با راه اندازی زیرساخت های چند منظوره برای تأمین ملزومات و نیازمندی های مردم آن کشورها و ایجاد مراوده بازرگانی و پاسخ به مایحتاج مردمان پارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) که به دریا و آب های آزاد راه ندارند، حائز اهمیت است.

از مزیت های طرح تمدن پارسی دسترسی زمینی از طریق امارت اسلامی افغانستان به کشور بزرگ چین و احیای مسیر جاده ابریشم و انتفاع همه طرف ها و کاهش فشار تحریم های استیکار جهانی (با انیفای نقش مؤثر در اتحادیه های

در زمینه حمل و نقل ترکیبی، قادر است نقش مهمی در بهبود وضعیت ترانزیت کالاها ایفا کند و از آن برای افزایش درآمدهای غیرنفتی استفاده کند. همچنین، تقویت همکاری های منطقه ای و استفاده بهینه از مسیرهای ترانزیتی می تواند به کاهش وابستگی به منابع نفتی و افزایش تاب آوری اقتصاد مقاومتی کمک کند.

در این راستا، هم پیمانی میان کشورهای فارسی زبان می تواند به ویژه در توسعه حمل و نقل ترکیبی با شرکت های پستی (دولتی و خصوصی) تأثیر گذار باشد.

این مهم به منظور حمایت از تولید و توسعه صادرات غیرنفتی در چارچوب اهداف بلندمدت سند چشم انداز و برنامه هفتم پیشرفت کشور ارائه خواهد شد. در نهایت، اثرات مثبت این تحولات بر اشتغال، تولید و توسعه مناطق مرزی و بندری کشور مورد توسعه و رونق قرار می گیرد و ترانزیت می تواند به منزله یک منبع درآمد پایدار و مکمل برای اقتصاد ملی ایران عمل کند.

روزنه

جامعه نمونه از نظر نهج البلاغه - ۶

دلیل شکست دشمن!

علی معبودی

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه سید الشهدا استان تهران



در جامعه علوی تمام عناصر آن به اندازه‌ای صاحب بصیرت هستند و هیچ وقت به تعبیر حضرت علی(ع) سیبیل دشمنان قرار نمی‌گیرند.

حضرت قبل از آغاز جنگ جمل در نقش عوامل محیطی و انسانی خطاب به مردم آن دیار می‌گویند: «شما نشانه‌ای برای تیرانداز ولقمه‌ای برای خوردن صیدنی برای صیاد می‌باشید.»

در خطبه ۳۴ وقتی مردم را برای مقابله با شامیان بسیج می‌کنند، در علل عقب‌ماندگی مردم کوفه می‌فرمایند: «به خدا سوگند شما به وسیله‌ای برای افروختن آتش جنگ هستید، شما را فریب می‌دهند؛ اما فریب دادن نمی‌دانید، سرزمین را پیاپی می‌گیرند و شما پروا ندارید، چشم دشمن برای حمله شما خواب ندارد؛ ولی شما در غفلت به سر می‌برید.»

ایشان در خطبه ۱۵۱ می‌گویند: «پس سعی کنید که شما پرچم تنهاها و نشانه‌های بدعت نباشید و از گرفتار شدن در دام‌های شیطان، و قرار گرفتن در وادی دشمنی‌ها بپرهیزید.»

در بسیاری از بخش‌های نهج البلاغه در مناسبت‌های گوناگون ودر قالب‌های مختلف حضرت، به همه عناصر جامعه‌علوی، اعم از مسئولان و مردم هشدار می‌دهند که در دایره تمرکز دشمنان قرار گیرند و دشمن به‌وسیله آنها اهداف خویش را پیاده کنند و حضرت تجربه مردمان عصر خویش را بیان می‌کنند که اگر در برابر شیطان شکست خورده و گرفتار جنگ‌هاشند، دلایل مغلوب فریب و نیرنگ دشمن و وسیله دست دغل‌بازان بودن می‌شمارند و اعلان می‌کنند دام‌های شیطاین در انتظار جامعه‌ای دست در غفلت فرو رفته و از اهداف پلید و پنهانی دشمنی‌ها خویش را به خوش‌خیالی بزنند.

در تاریخ ملت‌هایی بودند که هر وقت هدف دشمن قرار نگرفتند، توانستند به قله عزت و پیشرفت برسند؛ مانند دوران رسول خدا(ص) که ثرب می‌شود مدینه النبی(ص)، یعنی از جهالت به سعادت و وحشی‌گری به تمدن می‌رسد، اما همین جامعه پس از ارتحال رسول خدا(ص) در تمرکز دشن به‌طور هدفمند گرفتار ارتجاع و عقبگرد شده‌اند و جامعه‌نبوی را با یک غفلت از طراحی دقیق دشمن گرفتار مصیبت‌ها شد و کار به جایی رسید که تنها دختر رسول خدا(ص) را به شهادت رساندند و انسان کامل امیرمؤمنان(ع) را خانه‌نشین کردند. گمراهی آشکار سراسر جامعه را فرا گرفت. حضرت امام(ره) در وصیت‌نامه سیاسی والهی خود می‌گویند: «من با جرئت مدعی هستم که ملت ایران به گریان و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عصر رسول خدا(ص) و کوفه و عراق در عصر امیرمؤمنان و حسین بن علی(ع) می‌باشند.» همین عبارت به تعبایر دیگری از زبان رهبر معظم انقلاب تکرار شده است. در نتیجه ملت ایران بارهبری امام انقلابی را به پیروزی می‌رساند که تا امروز اهداف و ایده‌های دشمنان را شناختند و هیچ‌وقت سیبل وهدف بدخواهان قرار نگرفتند؛ هرچند دشمنان کینه توز نقطه تمرکزشان را مستمرأ ملت ایران قرار دادند و برنامه‌های گوناگونی اجرایی کرده و می‌کنند؛ اما ملت ایران برای تشکیل جامعه‌علوی حاضر نیستند در میدان آنها بازی کنند و ابزار دست دشمنان قرار بگیرند و ایران اسلامی را از مسیر ترقی و پیشرفت به سمت عقبگرد سوق دهند. ملت بزرگ ایران همت کرده است تا تحقق جامعه‌علوی به جامعه مهدوی برساند. ان‌شاء‌الله



دیدار نماینده ولی فقیه در سپاه با خانواده شهدای اقتدار استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و شهر کاشان

غیرت حسینی ملت ایران هرگز از بین نخواهد رفت

قاتلان عزیزان شما، تسلیم نخواهند شد.» در ادامه نیز حجت‌الاسلام حاجی صادقی در مدت ۲ ساعت به صورت جداگانه با ۲۹ خانواده شهدای اقتدار مردمی و نیروهای مسلح آذربایجان غربی دیدار کرد و با اهدای لوح و هدایا از طرف رهبر معظم انقلاب از مجاهدت این عزیزان تجلیل به عمل آورد.

همسنگ جهاد شهیدان

نماینده ولی فقیه در سپاه سپس به استان آذربایجان شرقی سفر کرد تا خانواده معظم شهدای اقتدار این استان را در شهر تبریز ملاقات کند. او در جمع خانواده شهدای اقتدار این استان طی سخنانی با

تسلیت ایام شهادت حضرت فاطمه زهر(س) اظهار کرد: «روحیه ایثار و شهادت مردم این دیار در دوران دفاع مقدس با لشکر خط‌شکن عاشورا و امروز نیز در جنگ ۱۲ روزه به مقاومت و ایستادگی فرزندان شما جلوه‌گر شد و این روحیه در برابر تهاجم فرهنگی دشمن همچنان پایدار است. این غیرت حسینی با هیچ هجومی از بین نخواهد رفت.» حجت‌الاسلام حاجی صادقی با اشاره به جایگاه تاریخی و دینی مردم آذربایجان، گفت: «ملت ایران و رهبر معظم انقلاب به سابقه درخشان مقاومت، دینداری و غیرت دینی مردم این خطه افتخار می‌کنند. آذربایجان همواره در

شهدای استان آذربایجان شرقی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

علیرضا ناصری‌النجفی، عباس حلمی، خلیل علیپور، قربانعلی ناموری قربابا، جعفر برنا، محمد امیدوار، امیر محمد رامهر، هادی میرانی شیروانده، سالار اصغری، حسن عزیزی، علی جواد، سجاد ثریا، امیرعلی مقدم شیروانده، جواد نجفیان، مجید حسنی‌علوی، فرزاد بهمن‌نیا، محمدحسین عابدی‌آذر، هادی رزقی، روح‌الله اکبری، محمدرضا امیرخانی، ابوالفضل اسکندری، علی‌رضا حیدریان، حامد خیراللهی، علیمان جباری، طاهابهروزی، علیرضا خدادای، علی مصلحی، محمدباقر مصطفایی، مهدی رضازاده، رضا خبازی، محیا نیکزاد، یاسین احمدپور، رضا جباری.

شهدای استان آذربایجان غربی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

میش کبیری گرده‌رش، علیرضا ولی‌زاده، اسماعیل پاشایی، جواد نجفیان، مهدی فیضیان، سیدمحمد موسوی، امیرحسین مردم‌خواه، محسن‌آین، محسن حسین‌زاده، آرکان آخش، علیرضا خدادادی، زبیر امینی‌فر، علیرضا ظفی، امیرحسین باقرلو.

شهدای شهر کاشان در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

میش فتح قریب، یاسر غلامعلی‌زاده، علی کباری، حسین معصومی، روح‌الله بهرامی، بهجت سعیدیان، مرسانا بهرامی، محمدرضا بهاری‌نژاد، محسن بابایی، سیدمرتضی ابن‌رسول، روح‌الله گیاهدوست، محمد جعفری، فاطمه اکبری.

احمد صفرزاده، مجتبی کریمی‌نانشا، محسن احمدی‌آذر، موسی آقاپور، رضا جان‌نثار حسینی، رضا پورعلی، جواد افشاری، مهدی بزرگی، مرتضی آقاپان، رحیم خدایی‌راد، قادر جدی، حمید عبداللهی، علی آقبلاغی، ابوالفضل بیابانی، امین ولسی خانلو، اصغر پوراکبری، محمدجواد ناصری، جابر پورتقی، عباسعلی معصومی، علی ملک‌پور، قربانعلی فلاحی‌نیا، ناصر اسدی‌دوست، رسول نورمحمدزاده، یوسف محسنی، مهدی زرتاجی، جعفر شهبازی، کبر خسروی‌گرگری، میثم محمدی، جواد شادی، رضا محرمی‌آقامیرلو، حجت بابایی، مهدی معرفتی، حسین پورعبداله مینق،

سجادبختیاری‌نظام‌آباد، محمدعادل، یاسرقلیزاده، میش خلیلی تپه، رضا خلف‌خانی، اکبر فطین، بهنام صالحی، رضا علیزاده حصار، هادی سیاوش، بهرام محمدیان، سعید رضایی، رامین ولیزاده، مصطفی خدایی، بهنام اکبر‌نژاد، حبیب فیضی،

سیدابوالفضل اجتهد، عباس آلویی کاشانی، محمدجواد سیفای‌فینی، مجید لطفی، حمزه زائری‌امیرانی، سیدامید مظلوم، محسن قمی، محسن زائری‌امیرانی، نصرت بهاروند، محمد خشاپور، حمد انصاری، علی‌علی‌رضایی، محمد ذوالفقارپور، حمیدرضا جلالی،

علیرضا خوب بخت

خبرنگار



«حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حاجی صادقی» همراه با «سرتیب دوم پاسدار کیامرث منصور» مسئول ایثارگران سپاه پاسداران با سفر به استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و شهر کاشان، با ۱۲۶ خانواده شهید جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دیدار کردند. اولین استان در سلسله دیدارهای نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران استان آذربایجان غربی و شهر ارومیه بود. دکترحاجی صادقی در این مراسم طی سخنانی با تأکید بر عظمت اقدام شهدا، اظهار کرد: «شهدا کار بسیار بزرگی انجام دادند. آنها تنها زنده نیستند، بلکه زنده‌کننده‌اند؛ زنده‌کننده دین خدا و جبهه حق.»

مشتاق دیدار خانواده شهدا

نماینده ولی فقیه در سپاه اضافه کرد: «این جنگ ۱۲ روزه و مقاومت وبرکت خون شهدا، ضربه‌ای به پیکر استکبار وارد کرد که در طول انقلاب بی‌سابقه بود، حتی در دوران دفاع مقدس.» وی افزود: «بدانید شهدای شما از دست نرفته‌اند؛ آنها کار بزرگی کرده و خطر عظیمی را دفع کردند. دشمن قصد داشت با حمله ۲۳ خرداد و بهره‌گیری از چهار دهه مقابله و درگیری با انقلاب اسلامی به نتیجه برسد. آنان گمان می‌کردند با تحریم و اعمال فشار، می‌تواند مقاومت مردم را سست کند و با شبکه‌های رسانه‌ای خود، ذائقه فرهنگی جامعه را تغییر دهند و روحیه بسیجی، انقلابی و ولایت‌مداری را بشکنند.» حجت‌الاسلام حاجی صادقی با اشاره به محبت رهبر معظم انقلاب نسبت به خانواده شهدا گفت: «ما وظیفه داشتیم به دیدار شما بیاییم و سلام ایشان را به شما ابلاغ کنیم؛ همان‌قدر که شما مشتاق دیدار رهبری هستید، ایشان نیز برای دیدار شما اشتیاق دارند و از برنامه‌های روزانه خود، دیدار با خانواده شهدا تعطیلی‌ناپذیر است.» او افزود: «خانواده شهدا در پاداش فرزندان‌شان شریکند و این ایستادگی و مقاومت بسیار ارزشمند است.» نماینده ولی فقیه در سپاه در خاتمه سخنانش تصریح کرد: «همسنگران فرزندان شما در پیمانی که با امام زمان(عج)، رهبر عزیز و شهدا بسته‌اند، کوچک‌ترین کوتاهی نکرده و با قدرت، ایمان و آگاهی ایستاده‌اند و تا نابودی

رامین نصیری

کارشناس مسائل بین‌الملل



«احمد الشرع» که تا دیروز با نام «ابومحمد الجولانی» سرکرده گروهک تروریستی تحریر الشام شناخته می‌شد و سرش ۱۰ میلیون دلار قیمت داشت، حالا در اتاق بیضی شکل کاخ سفید کنار دونالد ترامپ ایستاده و لبخند می‌زند. تصویری که چند سال پیش شاید چندان قابل تصور نبود، اما امروز به واقعیت پیوسته است. تروریستی که گروه جبهه النصره را هم برای مدتی رهبری کرده بود و شاخه‌ای از القاعده در سوریه با فرماندهی او به ترور و جنایت دست می‌زد، امروز به عنوان رئیس دولت موقت دمشق، کلیدهای امنیت غرب آسیا را از دست رئیس‌جمهور آمریکا تحویل می‌گیرد و قرار است مجری سیاست‌های آمریکا در منطقه باشد.

ورود الشرع به پایگاه اندروز در ۹ نوامبر، با استقبالی فراتر از عرف دیپلماتیک همراه بود. به گزارش «ان‌بی‌سی نیوز»، مقام‌های پنتاگون و شورای امنیت ملی شخصاً در مراسم حضور داشتند و این نشانه‌ای واضح از این است که پرونده سوریه دیگر از راه‌روهای وزارت خارجه پیکری نمی‌شود، بلکه مستقیماً از کاخ سفید مدیریت می‌شود. چند ساعت بعد، الشرع در فورت مایر کنار ژنرال مایکل کوریل، فرمانده سنکتام، در یک بازی نمایشی بسکتبال شرکت کرد. «واشنگتن‌پست» این صحنه را این‌طور توصیف

بازنگاه صبح صادق به سفر جولانی به آمریکا

نمایش در واشنگتن!

کرد: «شرع با کت ورزشی و لبخندی محتاط در کنار افسران آمریکایی ایستاده بود؛ تصویری که بیش از هر سخنرانی، پیام سیاسی سفر را منتقل می‌کرد: آمریکا دیگر از او نمی‌ترسد، بلکه می‌خواهد با او کار کند.»

دیدار دو ساعته با ترامپ در فردای آن روز هم نکات جالبی داشت. پیوستن رسمی سوریه به ائتلاف ضد داعش، ادغام نیروهای کرد در ارتش ملی، آغاز گفت‌وگوهای امنیتی با رژیم صهیونیستی، و تعلیق تحریم‌های قانون سزار چهار محور اصلی این دیدار بود. «رویترز» گزارش داد، ترامپ شخصاً وعده نظارت نیروهای آمریکایی بر ادغام نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) را داده و نمایندگان رژیم صهیونی از طریق ویدئوکنفرانس در بخش امنیتی مذاکرات حضور داشتند. بیانیه کاخ سفید هم همان شب منتشر شد و تصریح کرد ایالات متحده از تلاش‌های دولت موقت سوریه برای ایجاد ساختار واحد نظامی و پایان دادن به جنگ داخلی حمایت می‌کند. «فاکس نیوز» هم نقل کرد، ترامپ به خبرنگاران گفت: «برای نخستین بار در بیست سال گذشته، سوریه به‌جای مشکل، بخشی از راه حل شده است.» اما پشت این لبخندا، معامله‌ای بزرگ‌تر در جریان است. «آکسیوس» فاش کرد، بخش

در کمپین انتخاباتی سال ۲۰۱۶ خود بارها رقبای دموکرات خود را به ساخت داعش متهم می‌کرد، اما امروز خود او در حال بازآفرینی نسخه‌ای تازه از همان داعش است، اما این بار با برچسب دولت موقت سوریه و در خدمت پروژه صلح از طریق قدرت آمریکایی.

گفتنی است، تقارن زمانی دیدار جولانی با ترامپ و بروز تحركات ضدشیعی در اطراف دمشق هم احتمالاً اتفاقی نیست. تحریک علیه زینبیه و اماکن مقدس شیعیان، بخشی از همان نقشه‌ای است که الشرع به مثابه هدیه‌ای برای کاخ سفید آورده بود. بسیاری معتقدند، دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی مقاومت، از تحقق پیشگویی رهبر معظم انقلاب همچنان به شدت بینمکاند؛ همان جمله تاریخی ایشان که فرمودند: «موضوع این‌جوری نمی‌ماند؛ قطعاً جوانان غیور سوری به پا خواهند خاست، ایستادگی خواهند کرد، فداکاری خواهند کرد، تلفات هم خواهند داد، اما بر این وضع فائق خواهند آمد.»

به هر حال پس از گذشت یک سال از روی کار آمدن دولت موقت احمد الشرع در سوریه و از دست رفتن حاکمیت مرکزی بر بسیاری از بخش‌های سوریه و از بین رفتن زیرساخت‌های سوریه‌سؤال بزرگ این است که این تغییر دولت توانسته است مطالبات مردم سوریه را پاسخ دهد یا اینکه سوریه‌ای که در معادلات قدرت منطقه‌ای نقش متوازن‌کننده و اصلی را داشت امروز به محل منازعات و ایالات متحده و غرب در صدد به دست گرفتن و اسیر کردن او در بازی‌های امنیتی غرب آسیاهستند؟

پیشخوان

به سوی جنگ



نشریه «پالیتیکو» نوشت: «جنگ‌های دوران‌ساز تقریباً هر ۸۵ سال یکبار تکرار می‌شوند، چون نسل‌ها تجربه‌سخت‌کسب‌شده‌اجدادشان را از یاد می‌برند؛ یعنی ما باید هم‌اکنون منتظر جنگی دیگر باشیم. غرب صنعتی‌شده به سرعت سرمایه‌گذاری در قدرت نرم را کاهش می‌دهد، کمک‌های خارجی را قطع می‌کند و در عوض، بودجه بیشتری به صنایع دفاعی اختصاص می‌دهد.» این نشریه افزود: «هزینه‌های نظامی در جهان به بیشترین حد پس از پایان جنگ سرد رسیده است. در مقابل، گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نشان داد کمک‌های رسمی توسعه در میان ثروتمندترین کشورها ۹درصد کاهش یافته است. بسیاری از رهبران تصمیم گرفته‌اند صلح را بفر و بشند و جنگ بخرند. یکی از دلایل اولویت هزینه‌های دفاعی بر کمک یا دیپلماسی این است که عضله نظامی، بازدارنده قدرتمندی در برابر مهاجمان احتمالی است. برخی کشورهای ثروتمند غربی، کادر دیپلماتیک را کاهش داده‌اند و سفارتخانه و دفاترشان را بسته‌اند.» «اندرو میچل» وزیر سابق کابینه در دولت بریتانیا در گفت‌وگو با پالیتیکو گفت: «حرکت شتابان به سوی تسلیحات، خطر فاجعه‌باری دارد. وقتی بیشتر از همیشه به سیستم بین‌المللی نیاز دارید، شاهد احیای ملی‌گرایی هستید؛ شبیه آستانه جنگ جهانی اول. کاهش کمک برای افزایش بودجه دفاعی، اشتباهی وحشتناک است؛ زیرا قدرت نرم ارزان‌تر و اغلب مؤثرتر از قدرت سخت است.»

قیام علیه ترامپ



«شیکاگو تریبون» در گزارشی با اشاره به شکاف‌های عمیق آمریکا درباره سیاست‌های ضدمهاجرتی ترامپ نوشت: «یک قاضی فدرال اعلام کرد که قصد دارد برای صدها مهاجر بازداشت‌شده، وثیقه صادر کند. این حکم توافقی، به اصطلاح بازداشت‌های بدون حکم را که بدون حکم قبلی یا علت موجه صورت می‌گیرند، محدود می‌کند.» به نوشته این روزنامه، قاضی مذکور به وکلای دولت دستور داد تا مشخص کنند از بین صدها نفر بازداشتی چه تعداد هنوز در بازداشت به سر می‌برند و آیا به دلیل سابقه کفیری قبلی یا حکم اخراج، واجد شرایط بازداشت اجباری هستند یا خیر. تاکنون، دولت بیش از ۳۳۰۰۰ مورد از بازداشت‌هایی را شناسایی کرده است که وکلا باور دارند بازداشت‌شان غیرقانونی بوده است. این روزنامه افزود: «قاضی مذکور در توضیح تصمیم خود، خلاصه‌ای را که خود و دستیاران حقوقی‌اش از بیش از ۱۵۰ درخواست مهاجرت در جریان در دادگاه فدرال گردآوری کرده بودند، قرائت کرد که در آن بازداشت‌شدگان در حال اعتراض به اخراج بودند. او گفت شرایط بازداشت‌ها به او نشان داد که عموماً، عملیات میدوی بلیتز هدفش مجرمان سابقه‌دار نبوده است. به گفته وی، سازمان گمرک و مهاجرت شهروندان آمریکایی را در نیمه‌شب از آپارتمان‌های‌شان بیرون کشید و آنان را با دستبند برای مدتی بسیار طولانی‌تر از دوره مجاز بر اساس مقررات مربوطه، بازداشت کرد.»

سرگردان در کاخ سفید

زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

بازدید «احمد الشریع» رئیس‌جمهور موقت سوریه از کاخ سفید یکی دیگر از لحظات کاملاً تلویزیونی ترامپ بود. این مبارز سابق القاعده از در جانی وارد کاخ سفید شد و با وعده‌ای برای تلاش بیشتر به منظور لغو لایه‌های متعدد تحریم‌های آمریکا علیه سوریه، آنجا را ترک کرد. در داخل دفتر بیضی شکل، ترامپ از او پرسید چند همسر دارد و عطر برند شخصی خود را به رئیس‌جمهور موقت سوریه هدیه داد. پس از این دیدار، اعلامیه‌ای درباره پیوستن سوریه به ائتلاف تحت رهبری آمریکا علیه داعش منتشر شد و گزارش‌های تأیید نشده‌ای درباره برنامه‌های حضور نظامی آمریکا در دمشق به گوش رسید.

اندیشکده بروکینگز در تحلیل این دیدار نوشت: «ایده ترامپ برای صلح منطقه‌ای از طریق پروژه‌های بزرگ بازسازی، شاید برای نخبگان و حکومت‌های خودکامه غرب آسیا، که برخی از آنان ممکن است برای کمک به سوریه پیشقدم شوند، جذابیت خاصی داشته باشد. اما بازسازی کشوری که از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به این شدت شکاف دارد، تنها از طریق نمایش‌های رسانه‌ای محقق نمی‌شود.» این

اندیشکده افزود: «حقیقت این است که گذار سوریه در دوره پس از اسد همچنان شکننده باقی مانده است: حکومت‌داری ضعیف است، نهادها پوچ و توخالی هستند و میلیون‌ها آواره هنوز بازنگشته‌اند. روابط بین دمشق و اقلیت‌های کرد و دروزی سوریه هنوز تعریف نشده و هیچ چارچوب قانونی برای اداره خودمختاری منطقه‌ای، تقسیم منابع یا نمایندگی سیاسی وجود ندارد.»

به گفته این اندیشکده، الشریع در داخل برای ساختن یک سیستم سیاسی فراگیر با مشکل مواجه است. هیچ توافق چارچوبی برای نمایندگی یا مشارکت سیاسی وجود نداشته و اگرچه شاید هنوز برای انتظار یک قانون اساسی جدید زود باشد، اما مسئله نمایندگی اقلیت‌ها فوری است. برای کشوری متنوع مانند سوریه، شکلی از عدم تمرکز برای تضمین نمایندگی کردها، دروزی‌ها، مسیحیان و علویان، در عین حفظ وحدت ملی، ضروری خواهد بود.

در تحلیل این اندیشکده آمده است: «چالش‌های حکومت‌داری سوریه مستقیماً با وضعیت امنیتی آن گره خورده است. ایالات متحده مشتاق است که سوریه به ائتلاف جهانی ضد داعش بپیوندد و گزارش‌ها حاکی از برنامه‌ریزی برای حضور دائمی نظامی در دمشق به منظور هماهنگی روابط سوریه

افراسو

بازدارندگی هسته‌ای

غرب آسیا به صلح می‌رسد؟

نویسنده با یادآوری آنکه «از سال ۱۹۴۵، هیچ دو کشور مسلح به سلاح هسته‌ای هرگز وارد یک جنگ تمام‌عیار نشده‌اند»، افزود: «همین وحشت از سلاح‌های هسته‌ای است که آن صلح را تقویت می‌کند.»

عربستان سعودی و ترکیه قدرت‌های انقلابی نیستند و هر دو در پی امنیت و بقا هستند. سیاست خارجی ریاض معامله‌گر ایانه بوده و در حفظ حکومت ریشه دارد. جاه‌طلبی‌های آنکارا نیز یکسان است. هسته‌ای شدن این دو برای ایجاد تعادل در غرب آسیا خواهد بود، نه تسلط بر آن. بنابراین، ایران این تعادل را برقرار می‌کند. تاریخ شکی باقی نمی‌گذارد که تنها راه حل بلندمدت برای غرب آسیا، غرب آسیای هسته‌ای است. آری، گسترش سلاح‌های هسته‌ای خطر را افزایش می‌دهد؛ اما تاریخ نشان می‌دهد، کشورهای هسته‌ای با احتیاط شدید عمل می‌کنند؛ چرا که هزینه کوچک‌ترین خطا به نابودی آنها منجر می‌شود. البته تنش و لفاظی‌های کینه‌توزانه وجود خواهند داشت، اما صلح نیز برقرار خواهد بود. دادن توانایی هسته‌ای به کشورهای رقیب در غرب آسیا می‌تواند دقیقاً همان چیزی باشد که ثبات منطقه، غرب و جهان را تضمین می‌کند.



بتواند چنین کند.»

این تحلیل می‌افزاید: «بحران انسان‌دوستانه در سوریه همچنان عظیم است. شهرهایی مانند حلب، حمص و رقه هنوز در ویرانه قرار دارند و اقتصادهای روستایی سقوط کرده‌اند. کاهش گسترده کمک‌های خارجی از سوی ترامپ، توانایی ایالات متحده برای تأثیرگذاری بر رویدادهای میدانی را تضعیف کرده است.»

در خاتمه این تحلیل آمده است، دعوت از الشریع به کاخ سفید، که روزی تروریست خوانده می‌شد، قمار است؛ اما تبدیل این لحظه به پیشرفت واقعی، به چیزی بیش از عکس‌های تبلیغاتی نیاز دارد. این امر مستلزم دیپلماسی مستمر، توانمندسازی، کاهش تحریم‌ها و حمایت بلندمدت از حکومت‌داری فراگیر است، همه اینها کارهای «خسته‌کننده‌ای» هستند که نهادهای آمریکایی که ترامپ تعطیل کرده در آنها تخصص داشتند. اگر ترامپ واقعاً می‌خواهد سوریه را به یک داستان واقعی تبدیل کند، باید فراتر از شعارها حرکت کند و دولت آمریکا را به یک برنامه تحول‌آفرین در داخل سوریه متعهد کند، با تمامی کارهای کم‌جاذبه اما فوق‌العاده مهمی که چنین برنامه‌ای در بر می‌گیرد. تا آن زمان، مأموریت در سوریه بسیار دور از دستیابی به اهداف خود است.»

پنجره

میزبان ساکنان غزه!

سودان قربانی جدید پروژه «اسرائیل بزرگ»

خود را در لبی ساماندهی کرده و خاک این کشور را نقطه آغاز فعالیت‌های مختلف خود، از جمله برنامه‌ریزی برای حملات خارجی، ایجاد شبکه‌های پشتیبانی و اجرای عملیات‌های پیچیده قاچاق اسلحه قرار دادند. عجیب نیست که به سودان جنوبی تازه استقلال یافته، میزبانی از ساکنان غزه پیشنهاد داده شود و بعید نیست که چنین پیشنهادی به دافور در صورت جدایی یا به سودان به طور کلی در صورتی که این نیروها موفق به کنترل بر کل این کشور شوند، داده شود.

به هر حال آنچه در «الفاشر» و به طور کلی در سودان اتفاق افتاد، از تحولات به وجود آمده در لبی، نيجريه و مشرق عربي در سوریه و لبنان تا تلاش‌هایی که در عراق برای استقرار دولت‌های همسو و نظامی کردن شبه‌نظامیان در راستای منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی از جمله اجرای طرح ادعایی «اسرائیل بزرگ» رخ می‌دهد، موضوعی نیست که بتوان به صورت جزئی و محدود آن را تحلیل کرد؛ بلکه نیازمند رصد راهبردی کل وضعیت به منظور تعیین استراتژی مناسب برای خطرناک‌ترین پروژه علیه امت اسلامی با هدف بلعیدن آن است.

وبگاه «العهد» نوشت: «شرایط سودان را باید از منظر وضعیت منطقه‌ای و بین‌المللی و در مقطع زمانی بررسی کرد که آمریکا و دشمن صهیونیستی به دنبال تحقق پروژه «اسرائیل بزرگ» هستند، پروژه‌ای که مستلزم تجزیه کشورهای عربی و نیز ایجاد جبهه‌هایی ژئواستراتژیک است که در راستای منافع اسرائیل و محاصره مقاومت فعالیت می‌کنند. تردیدی نیست که کنترل شبه‌نظامیان وابسته به رژیم صهیونیستی و آمریکا بر کل سودان یا موفقیت در رسیدن به شرایط تقسیم سودان، علاوه بر جدایی جنوب سودان به معنای جدایی اقلیم دارفور و غرب سودان خواهد بود و این یک هدف آمریکایی و اسرائیلی برای تجزیه منطقه از یک سو و نیز ایجاد جبهه‌ای همسو با منافع اسرائیل در منطقه راهبردی ساحل و صحراست که از اهمیت بالایی برخوردار است، این یک پیشرفت راهبردی برای جداسازی شمال آفریقا از جنوب آن و پایان دادن به همبستگی تاریخی و نیز درگیری بر سر منابع بزرگ طلا، اورانیوم و نفت است.»

شبکه ۱۴ تلویزیون رژیم صهیونیستی در گزارشی مدعی شد، نیروهای حماس صفوف

کارزار شایعه‌پراگنی

«نیکولاس مادورو» رئیس‌جمهور ونزوئلا گفت: «امپراتوری آمریکا کارزاری را برای بی‌اعتبار کردن ونزوئلا و انقلاب بولیواری به راه انداخته است تا هرگونه اقدامی علیه کشور ما را توجیه کند.» وی تأکید کرد، آمریکا برای رسیدن به هدف خود از انتشار اطلاعات نادرست استفاده می‌کند و افزود: «واشنگتن که نمی‌تواند بگوید مادورو سلاح‌های کشتار جمعی، بیولوژیکی و شیمیایی دارد، یا ونزوئلا در حال توسعه سلاح‌های هسته‌ای است، اطلاعات نادرستی را منتشر می‌کند که هیچ‌کس، اول از همه مردم آمریکا، به آنها اعتقاد ندارند.» مادورو تأکید کرد، کشورش با وحدت ملی واحد و مستحکم از صلح خود دفاع خواهد کرد.



علف می‌خوریم

«رادوسلاو سیکورسکی» وزیر خارجه لهستان ادعا کرد، در صورت شکست اوکراین در جنگ با روسیه، لهستان هدف بعدی خواهد بود. او گفت، مردم لهستان «ترجیح می‌دهند علف بخورند تا اینکه دوباره مستعمره روسیه شوند.» او با اشاره به تاریخ لهستان که تحت سلطه تر‌های روسیه و سپس اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت، افزود، این وضعیت «قبلاً هم رخ داده است». سیکورسکی گفت، اتحادیه اروپا به دلیل تمرکز حاکمیت در سطح ملی، با «مشکل هماهنگی» مواجه است و افزود: «من طرفدار آن هستم که اتحادیه توان دفاعی مستقل خود را توسعه دهد تا در هر بحران مجبور نباشیم از آمریکا کمک‌بخواییم.»



آویزان ترامپ!

«ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین با اشاره به آمادگی کشورش برای مذاکره با روسیه، تأکید کرد، ترامپ می‌تواند همتای روسی خود را به میز مذاکره بیاورد. وی افزود: «اگر روس‌ها واقعاً می‌خواهند جنگ را پایان دهند با آمادہ پایان دادن به جنگ هستند، باید به مسیر دیپلماتیک روی بیاورند. من هم به رئیس‌جمهور آمریکا گفته‌ام که درهای مذاکرات از طریق دیپلماسی برای کی‌یف باز است.» زلنسکی در ادامه اعلام کرد، روسیه در تلاش است تا کل منطقه «دونتسک» را تحت سیطره خود درآورد تا ترامپ را متقاعد کند که اوکراین باید نیروهای خود را از تمام شرق دونباس، یعنی از مناطق دونتسک و لوهانسک خارج کند.





نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

از اهرام ثلاثه مصر و تخت جمشید و پاسارگاد گرفته تا فتح فضا و ابرپروژه‌های مدرن، طرح‌ها و پروژه‌های کلان همواره نماد عزم ملی، اقتدار فناوریانه و افق‌گشایی برای آینده محسوب شده و می‌شوند. با این حال، یک واقعیت تلخ و جهان‌شمول، این دستاوردهای بزرگ را به چالش می‌کشد و آن هم چیزی نیست جز تأخیرهای فلج‌کننده و افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها که ادامه پروژه‌ها را با چالش مواجه می‌کند! این مشکلات، فراتر از یک معضل فنی، آزمونی بزرگ برای صداقت و کارآمدی نظام مدیریتی و حتی حکمرانی است. شکست در تحقق وعده‌ها، مدیران و مسئولان را در هر کشوری در معرض سرزنش عمومی قرار می‌دهد و در چنین شرایطی، برخی برای گریز از فشارها و حفظ صندلی مسئولیت به راهبردی متوسل می‌شوند که «مارکوس هینترلینتر»، پژوهشگر سوئیسی آن را در مقال معروف خود «تاکتیک سالامی» می‌نامد. این تاکتیک بسر اعلام تدریجی و قطعه‌قطعه اخبار ناگوار استوار است تا با تقسیم یک فاجعه یا ناکامی بزرگ به «برش‌های نازک» و قابل‌هضم، از شوک اجتماعی و هزینه سیاسی آن کاسته شود. این رویکرد، اگرچه ممکن است بقای سیاسی یک مدیر یا سیاست‌مدار را در کوتاه‌مدت تضمین کند، اما در بلندمدت، هزینه‌هایی ویرانگر و جبران‌ناپذیر بر پیکره اعتماد عمومی، منابع ملی و آرمان‌های یک ملت تحمیل می‌کند. نگارنده در این نوشتار با الهام از این مفهوم، به این پرسش محوری می‌پردازد که استراتژی گریز از مسئولیت، چگونه به یک آسیب ساختاری در نظام مدیریتی ملی و محلی تبدیل شده و آینده و منافع ملی را قربانی منافع کوتاه‌مدت اشخاص می‌کند؟

♦ «تاکتیک سالامی» چیست؟

مفهوم «تاکتیک سالامی» که ریشه در علوم سیاسی دارد، در حوزه سیاست‌گذاری عمومی به استر اتژی «مدیریت سرزنش» یا «Blame Management» اشاره دارد. هینترلینتر در مقاله‌ای با عنوان «تاکتیک‌های سالامی و اجرای کلان پروژه‌های عمومی» که در سال ۲۰۱۸ منتشر شد معتقد است که سیاست‌مداران از این روش برای دو هدف اصلی استفاده می‌کنند. نخست، «کاهش دامنه خسارت ادراک‌شده» چرا که اعلام یک تأخیر شش‌ماهه در یک پروژه مهم، بسیار کم‌اثرتر از اعلام یک تأخیر پنج‌ساله است. با تقسیم کردن خبر بد به بخش‌های کوچک، حساسیت افکار عمومی کاهش یافته و پروژه همچنان در «منطقه موفقیت نسبی» باقی می‌ماند. این امر به سیاست‌گذار اجازه می‌دهد تا روایت خود از «پیشرفت با وجود برخی موانع جزئی» را حفظ کند. دوم، «انحراف و انتقال مسئولیت»؛ وقتی ابعاد مشکل کوچک جلوه داده می‌شود، مقصر دانستن دیگران مانند پیمانکاران، تحریم‌های خارجی، یا مشکلات فنی پیش‌بینی‌نشده، بسیار باورپذیرتر می‌شود! در مقابل، اگر ابعاد ناکامی بسیار بزرگ باشد، افکار عمومی به‌حق از سیاست‌گذار اصلی خواهد پرسید که چرا از ابتدا چنین برآورد غیرواقع‌بینانه‌ای داشته یا چرا زودتر مداخله نکرده است. این پدیده در یک مبارزه بر سر چارچوب‌بندی یا (Framing Contest) رخ می‌دهد که در آن، یک مسئول می‌کوشد روایت خود از

بررسی آفت جهانی آینده فروشی در عرصه مدیریت ملی و محلی



هماهنگی و هم‌افزایی ایجاد شده، اما در عمل به ابزاری برای «پخش مسئولیت» و گریز از پاسخگویی تبدیل شده است. وقتی تصمیمی محصول یک خرد جمعی مبهم در یک شورا است، هیچ فردی خود را ملزم به دفاع از آن یا پذیرش عواقبش نمی‌داند. این فرار از مسئولیت‌پذیری آسیب‌های زیادی از جمله آینده

فروشی را نیز به بار آورده و می‌آورد.

♦ نقطه‌ای نورانی در فرهنگ مسئولیت‌پذیری

با این حال، شکستن این چرخه معیوب و بازگشت به فرهنگ اصیل مسئولیت‌پذیری، امری ممکن است و خوشبختانه نشانه‌های امیدبخشی نیز در این مسیر مشاهده می‌شود. اظهارات اخیر ریاست محترم جمهور در «همایش در مسیر عدالت» نمونه‌ای کم‌نظیر و ستودنی از این رویکرد است. ایشان با شجاعت و صداقتی مثال‌زدنی اظهار داشتند: «اگر مردم از دولت ناراضی هستند، مقصر ما هستیم، نه مردم. راز ماندگاری جامعه تغییر در رفتار مسئولان است.» این بیان صریح، یک خط‌بطلان بر فرهنگ رایج فراقتنی و مقصر تراشی است و نشان از غلبه بر نفس و درک عمیق جایگاه خدمتگزاری دارد. این اقدام، احیای همان فرهنگ مسئولیتی است که در سیره بزرگان انقلاب اسلامی همواره موج می‌زد. تجلیل از این رفتار، نه فقط تکریم یک فرد، بلکه ترویج یک الگوی حکمرانی است که در آن، مسئول، خود را سرپر بلای مردم می‌داند و با پذیرش خطا، راه را برای اصلاح و بازسازی اعتماد عمومی هموار می‌کند. این رویکرد باید یک رویه ثابت در تمام سطوح مدیریتی کشورمان تبدیل شود.

♦ پیامدهای راهبردی

استفاده مکرر از تاکتیک سالامی و نهادینه‌شدن گریز از مسئولیت، پیامدهای سخت و ناگواری برای

♦ **تجربه افزایش قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸**، فارغ تحلیل چرایی و ضرورت اصل تصمیم، نمونه‌ای از شکست در مدیریت تبعات اجتماعی یک سیاست بود. پس از وقوع حوادث تلخ، هیچ‌گاه یک مقام یا نهاد مشخص، مسئولیت کامل «نحوه اجرا» و پیامدهای آن را بر عهده نگرفت و زنجیره‌ای از پاسکاری مسئولیت میان مسئولان مختلف شکل گرفت تا به امروز نیز در مجادلات سیاسی ادامه دارد.

♦ **وجود بیش از یکصد «شورای عالی» در ساختار حکمرانی کشورمان**، اگرچه با نیت هماهنگی و هم‌افزایی ایجاد شده، اما در عمل به ابزاری برای «پخش مسئولیت» و گریز از پاسخگویی تبدیل شده است. وقتی تصمیمی محصول یک خرد جمعی مبهم در یک شورا است، هیچ فردی خود را ملزم به دفاع از آن یا پذیرش عواقبش نمی‌داند.

♦ **استفاده مکرر از تاکتیک سالامی و نهادینه‌شدن گریز از مسئولیت**، پیامدهای سخت و ناگواری برای هر جامعه و کشوری دارد. نخستین و مهم‌ترین هزینه، فرسایش سرمایه اجتماعی است.

اندیشکده

پنهانکاری مدیریتی!

تضعیف «آمادگی راهبردی» کشور است. بدون شک ابرپروژه‌هایی در حوزه‌های دفاعی، زیرساخت‌های حیاتی (انرژی، آب، ارتباطات) و فناوری‌های نو ظهور، شاکله اصلی سخت‌افزار امنیت ملی را تشکیل می‌دهند. در واقع زمانی که اجرای یک سامانه پدافندی، پیاده‌سازی یک استاندارد امنیت سایبری یا بهسازی امنیتی یک زیرساخت حیاتی با سوءمدیریت مواجه می‌شود، یک پنجره آسیب‌پذیری خطرناک برای کشور ایجاد می‌گردد. در اینچنین شرایطی تداوم مدیریت‌های ضعیف در این دست عرصه‌ها، ناگزیر موجب تحمیل خسارت‌های جبران‌ناپذیر را فراهم می‌آورد چرا که این دست مدیران به دلیل ضعف خود‌گناه با ایجاد «توهم پیشرفت»، مانع از شناسایی ضعف‌های واقعی و تدوین طرح‌های اقتضایی می‌شوند و در نتیجه، ساختار تحت مدیریت‌شان در برابر شوک‌های بیرونی اعم از تهدیدات نظامی، حملات سایبری یا بلایای طبیعی شکننده می‌شود که نمونه بارز و اخیر آن، تکزب‌های مکرر آسیب‌پذیری سایبری یکی از بانک‌های مهم کشور بود که در نهایت، هک شدن در ایام جنگ ۱۲ روزه، چالش‌های متعددی را برای هزاران نفر از سپرده‌گذاران این بانک به وجود آورد.

دومین پیامد امنیتی که بایستی به آن توجه داشت، «فرسایش انسجام اجتماعی» است. دقت کنیم که امنیت ملی مفهومی چندوجهی است که در آن، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به اندازه توان نظامی اهمیت دارد لذا تداوم سیاست‌های غیر شفاف و مدیریتی ناکارآمد، افکار عمومی را به این نتیجه می‌رساند که با ساختار و مجموعه‌ای غیرصادق روبه‌رو هستند. این بی‌اعتمادی مزمن، پیوند میان مردم و مسئولان را تضعیف می‌کند. این پدیده در شرایط عادی به نارضایتی عمومی می‌انجامد، اما هنگام بروز یک بحران ملی، این شکاف به یک گسل راهبردی تبدیل می‌شود. چنین جامعه‌ای تاب‌آوری کمتری در برابر فشارها خواهد داشت و بسیج ظرفیت‌های ملی برای مقابله با تهدیدات مشترک، با دشواری مضاعف روبه‌رو می‌شود. به عبارت دیگر، این رویکردهای مدیریتی با تخریب اعتماد، «جبهه داخلی» جامعه و کشور را تضعیف می‌کند که خود یکی از اهداف اصلی در جنگ‌های ترکیبی دشمن است. سومین بعد تهدید، «اتلاف و انحراف منابع راهبردی» است. در عرصه امنیت ملی، تخصیص منابع یک بازی با حاصل جمع صفر است! هر ریالی که صرف یک پروژه شکست‌خورده و در حال

هر جامعه و کشوری دارد. نخستین و مهم‌ترین هزینه، فرسایش سرمایه اجتماعی است. وقتی شهروندان به‌طور مداوم با اطلاعات قطره‌چکانی، وعده‌های خوش‌بینانه اما غیر واقعی و توجیه‌های متناقض روبه‌رو می‌شوند، به‌تدریج اعتماد خود را به تریبون‌ها و تریبون‌داران رسمی از دست می‌دهند. این بی‌اعتمادی، یک تهدید علیه امنیت ملی است؛ زیرا اجرای هرگونه سیاست اصلاحی در آینده را، حتی اگر کاملاً درست و برای بقای کشور ضروری باشد، با مقاومت اجتماعی شدید مواجه خواهد کرد. دومین پیامد، «قفل‌شدگی پروژه» در مسیر خودتخریب‌گر) است. وقتی مشکلات اساسی یک پروژه یا سیاست به‌خاطر ملاحظات سیاسی پنهان‌نگاه داشته می‌شوند، فرصت طلایی برای اصلاحات ساختاری از دست می‌رود. در نتیجه، منابع عمومی به‌جای حل ریشه‌ای مسئله، صرف‌راه‌حل‌های موقتی و پرهزینه می‌شود. این پدیده که می‌توان آن را آینده‌فروشی نامید، در بخش‌های آب و انرژی کشورمان به‌شدت مشهود است. سال‌ها سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عظیمی مانند توسعه صنایع آب بر در مناطق کم آب و خشک، سدسازی‌های بی‌رویه یا طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای، با وجود هشدارهای مکرر کارشناسان درباره پیامدهای زیست‌محیطی و اقتصادی ویرانگرشان، ادامه یافته است چرا که برای مسئولان محلی خصوصاً نمایندگان مجلس توقف این پروژه‌ها در حوزه انتخابیه‌شان به معنای پذیرش یک شکست بزرگ سیاسی است؛ بنابراین، تصمیم‌گیران ترجیح می‌دهند با تزریق منابع بیشتر و ارائه گزارش‌های خوش‌بینانه، ظاهر پروژه را حفظ کنند، در حالی که در باطن، منابع تجدیدنپذیر کشور و آینده نسل‌های بعد را به کام پیمانکاران و به قیمت حفظ موقعیت سیاسی کوتاه‌مدت خود، به حراج می‌گذارند. این رویکرد، مصداق بارز بی‌توجهی به عدالت بین‌نسلی و امانتی است که برای حفظ میهن به ما سپرده شده است. به طور کلی، باید پذیرفت که تاکتیک سالامی، اگرچه ممکن است یک سیاست‌مدار را از بحرانی کوتاه‌مدت نجات دهد و او را چند سالی بیشتر بر کرسی مسئولیت نگه دارد، اما در مقیاس ملی، یک استراتژی عمیقاً غیرعقلانی و ضدتوسعه است. جسارت و شجاعت پذیرش مسئولیت سیاست‌ها، پیش‌نیاز یک مدیریت کارآمد، پایدار و انقلابی است. این مهم، بدون وجود ساختارهای نظام‌مند برای پاسخگو نگه داشتن مسئولان، محقق نخواهد شد. در نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته، احزاب سیاسی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی پاسخگویی عمل می‌کنند. یک حزب، بر خلاف یک فرد، دارای هویتی بلندمدت است و برای حفظ اعتبار خود نزد افکار عمومی، ناچار است از سیاست‌هایش دفاع کرده و مسئولیت شکست‌هایش را بپذیرد. در غیاب چنین ساختاری در کشورمان، مدیران پس از پایان دوره مسئولیت خود، به‌ندرت در قبال تصمیمات‌شان پاسخگو هستند و این چرخه معیوب «آینده‌فروشی» همچنان ادامه می‌یابد. گذار از فرهنگ «مدیریت سرزنش» به فرهنگ «پذیرش مسئولیت» نیازمند نوسازی نهادی جدی و البته یک تحول فرهنگی در میان نخبگان سیاسی است. نخستین گام در این مسیر، درک این واقعیت است که پنهان‌کاری تدریجی و گریز از شفافیت، نشانه هوشمندی سیاسی نیست، بلکه علامت یک بیماری مزمن در نظام مدیریتی است که اگر در مان نشود، پایه‌های اعتماد عمومی و ظرفیت‌های ملی را به‌طور جبران‌ناپذیری تخریب خواهد کرد و کشور را از رسیدن به اهداف والای خود باز خواهد داشت. حفظ و حراست از انقلاب اسلامی و منافع ملی، در گرو بازگشت به اصل بنیادین مسئولیت‌پذیری و صداقت با ملتی است که همواره بزرگ‌ترین سرمایه این نظام بوده‌اند.

احتضار می‌شود، منابعی است که می‌توانست صرف تقویت توان اطلاعاتی، نوسازی تجهیزات نظامی، سرمایه‌گذاری بر دیپلماسی فعال یا افزایش تاب‌آوری اقتصادی گردد! در نتیجه این پدیده یک هزینه فرصت راهبردی بر کشور تحمیل می‌کند و دشمنان را در رقابت منطقه‌ای و جهانی در موقعیت برتری قرار می‌دهد. بنابراین، پیشگیری از این روند نه یک انتخاب، بلکه یک الزام امنیت ملی است. مقابله با پنهان‌کاری و انکار ضعف‌ها نیازمند ایجاد سازوکارهای نهادی برای «شفافیت راهبردی» و «نظارت مستقل و فراقوه‌ای» است. نهادهای نظارتی باید از استقلال عمل و اقتدار کافی برای راستی‌آزمایی گزارش‌های پیشرفت پروژه‌ها برخوردار باشند و نتایج ارزیابی‌های خود را به‌صورت شفاف به اطلاع نهادهای عالی تصمیم‌گیری و افکار عمومی برسانند. باید این درک راهبردی در تمام سطوح مدیریتی و حاکمیتی نهادینه شود که شفافیت و مسئولیت‌پذیری، نه اقدامی تجملی، بلکه سنگ بنای تاب‌آوری ملی و جزء لاینفک دکترین امنیت پایدار کشور است. پنهان‌کاری، حتی اگر با نیت خیر صورت گیرد، در بلندمدت آسیب‌پذیری‌هایی ایجاد می‌کند که هزینه آن بسیار بیشتر از پذیرش کوتاه‌مدت یک شکست یا ناکامی است.

۵

راهبرد

شماره ۱۲۱۳ | دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴

صداقت

دیگران

عوارض فرار از سرزنش!

مارکوس هینترلینتر

مجله اروپایی سیاست‌گذاری عمومی

در مقاله خود با عنوان «تاکتیک‌های سالامی و اجرای کلان پروژه‌های عمومی» به بررسی یک پدیده رایج اما کمتر مطالعه شده در اجرای پروژه‌های بزرگ دولتی پرداخته‌ام؛ پروژه‌هایی که اغلب بسا افزایش هزینه‌ها و تأخیرهای طولانی مواجه می‌شوند و به یک معضل سیاسی برای مدیران و سیاستمداران مسئول تبدیل می‌گردند. تمرکز اصلی من بر روی یک استراتژی مدیریت سرزنش است که سیاستمداران برای کاهش و انحراف تقصیرها به کار می‌گیرند؛ اعلام تدریجی و مرحله‌بمر حله تأخیرها و افزایش هزینه‌ها، که اغلب از آن با عنوان «تاکتیک سالامی» یاد می‌شود. به جای آنکه سیاستمداران مقیاس کامل مشکلات یک پروژه را به صورت یک‌جا و شفاف اعلام کنند، ترجیح می‌دهند اخبار بد را در قطعات کوچک‌تر و قابل‌هضم‌تر به اطلاع عموم برسانند. این کار به آنها اجازه می‌دهد تا از یک‌سو، شدت ضربه ناشی از شکست پروژه را کاهش دهند و از سوی دیگر، هر بخش از مشکل را به عوامل بیرونی و غیرمنتظره، مانند پیمانکاران یا مشکلات فنی پیش‌بینی نشده، نسبت دهند و خود را از زیربار مسئولیت اصلی شانه خالی کنند. من این استدلال را از طریق بررسی تجربی دو پروژه بزرگ که با شکست‌های چشمگیری روبه‌رو شدند، آزمودم که اولین آن فرودگاه برلین براندنبورگ در آلمان و دومین مورد آن نمایشگاه ملی سوئیس با نام اکسپو ۲ است. هر دو مورد تأیید می‌کنند که چگونه سیاستمداران با استفاده از تاکتیک سالامی تلاش کردند تا روایت عمومی از پروژه را مدیریت کنند و از تبدیل شدن آن به یک «فاجعه سیاسی» جلوگیری نمایند. در مورد فرودگاه برلین، شهردار وقت به جای پذیرش مقیاس واقعی مشکلات فنی، بارها و بارها تأخیرهای چند ماهه را اعلام کرد و هر بار دلیلی جدید برای آن ارائه می‌داد. این کار باعث می‌شد که امید به افتتاح قریب‌الوقوع فرودگاه زنده بماند و مخالفان نتوانند پروژه را به طور کامل یک شکست‌خورده معرفی کنند. در نمایشگاه سوئیس نیز، دولت فدرال به جای درخواست یک‌جای کل بودجه مورد نیاز، به طور مداوم درخواست‌های افزایش ارائه داد و هر بار آن را آخرین درخواست ضروری معرفی می‌کرد. این امر باعث شد پارلمان به تدریج در چرخه‌ای از تعهدات مالی گرفتار شود که خروج از آن دشوار بود. پیامدهای این تاکتیک‌ها بسیار جدی و اغلب مخرب است. این استراتژی مانع از مواجهه صادقانه و به‌موقع با مشکلات ریشه‌ای پروژه می‌شود و با ایجاد یک خوش‌بینی کاذب، اجازه نمی‌دهد تا اصلاحات اساسی صورت گیرد. در پرونده فرودگاه برلین، این تأخیرهای مداوم و تلاش برای رسیدن به تاریخ‌های افتتاح غیرواقعی، منجر به شتاب‌زدگی در کار، اشتباهات بیشتر و در نهایت افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها شد. در واقع، تاکتیک سالامی می‌تواند یک پروژه را واقع، تاکتیک سالامی می‌تواند یک پروژه را در یک مسیر خودتخریب‌گر قفل کند. البته، این تاکتیک همیشه به فاجعه ختم نمی‌شود؛ همان‌طور که در پرونده نمایشگاه سوئیس بررسی کرده‌ام، این استراتژی توانست پروژه‌ای را که با مشکلات موقتی روبه‌رو بود، از خطر لغو شدن توسط منتقدان عجول نجات دهد و در نهایت به یک موفقیت ملی تبدیل شود. در این مقاله من نشان داده‌ام که اجرای پروژه‌های بزرگ صرفاً یک فرآیند فنی نیست، بلکه یک میدان نبرد بر سر روایت‌ها است که در آن، استراتژی‌های مدیریت سرزنش نقشی حیاتی در تعیین سرنوشت نهایی پروژه ایفا می‌کنند!

یادداشت

نیازهای غیر ضرور!

علی اکبر لبافی

معاون اسبق وزارت کار



یکی از موضوعاتی که به جرئت می‌توان گفت از جمله اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مطالبات امروز مردم و عموم جامعه است کاهش نرخ تورم یا به عبارت روشن‌تر پایین آمدن نرخ کالاها و خدمات یا حتی ثبات قیمت‌هاست چرا این موضوع منجر به افزایش قدرت خرید آحاد مردم خواهد شد. با آنکه دولت‌ها اصولاً وعده‌هایی مبنی بر کاهش نرخ تورم به مردم می‌دهند اما بنا به دلایل بسیاری از جمله سوءمدیریت‌ها و تصمیمات دفعی و غیرکارشناسی یا تأثیرات تحریم بر تجارت به ویژه کاهش درآمدهای نفتی و کاهش صادرات غیر نفتی که موجب کاهش ارزآوری می‌شود موضوع مهار تورم تاکنون محقق نشده است. در واقع عموماً وعده‌های مرتبط با کاهش نرخ تورم و ثبات قیمت‌ها محقق نشده است.

دولت و بانک مرکزی برای تحقق تأمین ارزان کالا‌های اساسی مردم با ارز ترجیحی یا ارز دولتی تلاش می‌کنند برخی از نیازهای مردم را تأمین کنند اما مسئله حائز اهمیت این است که ارزهای دولتی باید در مسیری مشخص تحت نظارت‌های شدید تخصیص داده شوند زیرا در شرایط تحریم اقتصادی و تداوم تنش‌های نظامی و اقتصادی با دنیای غرب و اسرائیل نباید با دست خود منابع ارزی کشور را به دست کسانی داد که نفعی از آن را به سبب خرید و سفره مردم نمی‌رسانند.

مسئله تخصیص ارز ارزان یا ترجیحی دولتی برای تأمین کالا‌های اساسی و ثبات قیمتی و جلوگیری از هدر رفت ارزی برای مردم کشور به قدری حائز اهمیت است که اگر از مردم پرسیده شود آیا اگر دولت هزینه‌های جانبی ارزی مثل ارز مسافرتین خارجی را حذف کند، قطعاً از این موضوع رضایت خاطر خواهند داشت زیرا در شرایط تحریم اقتصادی نباید ارز به مقاصدی مثل تأمین ارز مسافران خارجی داده شود. تأیید مردم نسبت به حذف ارزهایی که به دارندگان درآمدهای بالا یا ثروتمندان تعلق می‌گیرد با توجه به اینکه حفاظت از منابع ارزی کشور در شرایط تحریم اقتصادی بسیار حائز اهمیت است لذا ارز ارزان دولتی نباید صرف مصارفی شود که عموم مردم جامعه از آن بر خوردار نمی‌شوند.

هنگامی که آحاد مردم جامعه چنین موضوعی را تأیید می‌کنند که کسانی که راهی سفر خارجی می‌شوند نباید از ارز دولتی برخوردار شوند و ارز مورد نیاز خود را باید از بازار آزاد تأمین کنند بیانگر و مؤید این واقعیت است که مردم خواستار نظارت شدید دولت و نهادهای مربوطه بر توزیع ارز دولتی با هر عنوانی هستند.

از این موضوع می‌توان متوجه شد که عموم مردم کشور که امروز تحت فشارهای مالی و معیشتی هستند چنین مطالبه‌ای از دولت و حاکمیت دارند که منابع مالی کشور را صرف اقدامات یا هزینه سازمان‌هایی نکنند که کارایی و نتایج مثبت اقتصادی ندارند.

دولت باید بدین موضوع واقف باشد که در تعیین مسائل جامعه، مردم رکن اصلی به شمار می‌روند لذا دولت باید تابع خواسته‌های درست و به حق مردم باشد. در این صورت است که دولت می‌تواند با تخصیص ارز به واردات نهاده‌ها، مواد اولیه مورد نیاز تولید کالا‌های اساسی و دارو و... بخش قابل توجهی از نیازهای مردم را با نرخ‌های پایین‌تر تأمین کند و به صورت تمام قد از نیازهای مردم آن هم به شکل آبرومندانه حمایت به عمل آورد.



ساحل عباسی

خبرنگار

کارشناس و تحلیلگر بازار خودرو گفت: «کاهش قیمت خودرو در بازار پیش‌نیازهایی دارد، از جمله رفع تحریم‌های بین‌المللی، تأمین انرژی، توسعه زیرساخت‌ها، جلوگیری از افزایش زیان انباشته خودروسازان و... اگر این پیش‌نیازهای برطرف نشود، نمی‌توان انتظار داشت بازار خودرو به ثبات برسد.»

«بابک صدرایی» کارشناس و تحلیلگر بازار خودرو در گفت‌وگو با صبح صادق درباره موضوع تعرفه‌های جدید خودروهای داخلی و کاهش نرخ تعرفه‌ها به ویژه برای خودروهای اقتصادی و ارزان قیمت گفت: «تعرفه‌های جدید حتی اگر صد درصد محقق شود، بازهم نمی‌تواند منافع مصرف‌کننده نهایی، آن هم مصرف‌کننده با قدرت خرید پایین که به دنبال خودروی ارزان قیمت است را تأمین کند.»

این کارشناس حوزه خودرو تأکید کرد: «یکی از الزامات تنظیم بازار خودرو، ایجاد رقابت در بازار است، وقتی در صنعت خودرو انحصار وجود داشته باشد شرایط رو به بهبود نمی‌رود! البته ناگفته نماند که عوامل اقتصادی و البته سیاسی دیگر نیز بر این بازار مؤثر هستند. مسائل اقتصادی مانند تحریم‌های بانکی و تأمین منابع تأمین ارزی در کنار مسائل و چالش‌های بین‌المللی بازار و صنعت خودرو را تحت الشعاع قرار می‌دهد.»

بابک صدرایی در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرد

حمایت از معیشت مردم یعنی کنترل تورم

وجود ندارد.»

این کارشناس بازار خودرو همچنین یادآور می‌شود: «اگر دولتمردان قصد حمایت از مصرف‌کننده نهایی یعنی مردم را دارند باید در سیاست‌های مرتبط با نرخ تورم تغییرات اساسی ایجاد کنند؛ زیرا با وجود تورم‌های دو رقمی و افزایش مداوم نرخ ارز که تأثیر بسزایی در نرخ همه کالاها و خدمات اعم از تولید داخلی یا تولیدی نمی‌تواند امیدوار باشد و یا ارزان شدن کالاها از جمله خودروهای مختلف باشد.»

وی در این منابع یادآور می‌شود: «تا زمانی که ارزآوری کشور تقویت نشود و این فرایند به یک وضع قابل اطمینانی نرسد، دورنمای روشنی از کاهش قیمت خودروها وجود ندارد. چرا که افزایش نرخ ارز با هر تکانه سیاسی و مسائلی که در عرصه منطقه و بین‌الملل ایجاد می‌شود بر قیمت مواد اولیه، و کالاها تأثیر مستقیم می‌گذارد. این چرخه افزایش قیمت در همه کالاها و خدمات و در نهایت افزایش حقوق و دستمزد

♦ تعریف خودروی ارزان قیمت ایران به آنچه در دنیا می‌شناسیم یکسان نیست و عملاً خودروی ارزان قیمت مطابق با حداقل میزان درآمد در جامعه وجود ندارد.

♦ اگر دولتمردان قصد حمایت از مصرف‌کننده نهایی یعنی مردم را دارند باید در سیاست‌های مرتبط با نرخ تورم تغییرات اساسی ایجاد کنند

♦ برای اقتصادی و ارزان شدن نرخ همه کالاها از جمله خودرو، باید به سمت تغییر مولفه‌های تأثیرگذار در اقتصاد مثل کاهش نرخ تورم و تک نرخی شدن نرخ تورم رفت.

قابل مشاهده است.»

این کارشناس بازار خودرو ادامه داد: «برای اقتصادی و ارزان شدن نرخ همه کالاها از جمله خودرو و مصرف آن باید به تغییر مولفه‌های تأثیرگذار در اقتصاد مثل کاهش نرخ تورم و تک نرخی شدن نرخ تورم رفت.»

صدرایی معتقد است ناترازی انرژی را می‌توان یک عامل مؤثر دیگر بر بازار خودرو قلمداد کرد، زیرا موتور محرکه صنعت و رشد تولید در تأمین انرژی است. طبیعتاً محدود و قطع انرژی انرژی صنعت و به تبع آن کالاها و خدماتی مرتبط را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این کارشناس و تحلیلگر بازار خودرو بیان کرد: «برای کاهش نرخ‌ها در بازار خودرو باید مسائل در کشور حل و فصل شود. این مسائل در زمینه رفع تحریم‌های بین‌المللی تا تأمین انرژی و جلوگیری از افزایش زیان انباشته‌سازان و خودروسازان خودنمایی می‌کند در غیر این صورت نمی‌تواند بدون ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز بازار خودرو انتظار داشت این بازار به خودی خود دچار تحولاتی شود که این تحولات به مصرف‌کننده واقعی باشد.»

وی در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: «اگر دولت بتواند نرخ تورم را کاهش کند و شاید حرکت به سمت حرکت تورم تک رقمی باشد، این روند در بازار و در نرخ خودرو نیز خود را نشان خواهد داد.»



افزوده

کالای سرمایه‌ای

برخی کالاها، خودشان مصرف نمی‌شوند. بلکه در طول زمان، خدمات آنها مورد مصرف قرار می‌گیرد؛ مانند اتومبیل و یخچال. در اقتصاد به این کالاها، «کالای بادوام» گفته می‌شود. در غیر این صورت، کالا‌هایی دوام‌اند، مانند نان و مواد غذایی. بنابراین کالا‌های بادوام با یک بار مصرف، تمام نمی‌شوند. به کالا‌های بادوامی که در فرایند تولید از سوی نیروی انسانی به‌کار گرفته می‌شود، کالای سرمایه‌ای (Capital good) گفته می‌شود. یخچال در منزل، یک کالای بادوام مصرفی و یخچال در مغازه بستنی فروشی، یک کالای سرمایه‌ای است. تراکتور، ماشین‌آلات کارخانه‌ها و سایر ابزار و تجهیزات تولیدی، مثال‌های دیگری برای کالای سرمایه‌ای است.



شاخص

آمریکا در هوا

همزمان با ادامه تعطیلی آمریکا شرکت‌های هواپیمایی آمریکا در روزهای گذشته ۱۲۰۰ پرواز را لغو کردند چرا که کمبود نیروی انسانی در مراکز کنترل ترافیک هوایی به‌طور قابل توجهی هنوز مشهود است. شرکت‌های هواپیمایی در آمریکا پیش از این ۲۴۰۰ پرواز را لغو و ۹۶۰۰ پرواز را با تأخیر انجام دادند. شرکت‌های هواپیمایی و اداره هوانوردی فدرال در حال مذاکره هستند تا مشخص شود کاهش پروازها در چه زمانی و به چه شکلی کاهش یافته یا به‌طور کامل لغو خواهد شد چرا که تعطیلی ۴۲ روزه دولت در آستانه پایان است؛ از طرفی هم ترامپ دستور داده تا کنترل‌های هوایی سریعاً خود را به محل کار برسانند.



منهای نفت

سیبزمینی!

ایران یکی از تولیدکنندگان بزرگ سیبزمینی در جهان است و از طریق صادرات آن به بازارهای جهانی، درآمد زیادی را به دست می‌آورد. این محصول با ویژگی‌های منحصربه‌فردی همچون قابلیت نگهداری طولانی‌تر و آسان برای حمل‌ونقل، جزء محصولات مورد نیاز بسیاری از کشورهاست. از این‌رو افزایش صادرات سیبزمینی به بازارهای جهانی می‌تواند منجر به افزایش درآمد و رشد اقتصادی کشور گردد. بر اساس آخرین آمار گمرک، صادرات سیبزمینی در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۳ با رشد ۲۴ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۶۶ میلیون و ۴۷۶ هزار دلار رسیده است. این رشد چشمگیر نشان‌دهنده افزایش تقاضا برای سیبزمینی ایرانی در بازارهای جهانی است.



جایگاه خانواده در فرهنگ دینی کجاست؟

گفتاری از **حجت الاسلام والمسلمین مسعود عالی**



وسائل الشیعه است.

روایت دیگر در جامع الاخبار مرحوم صدوق آورده است. پیغمبر اکرم فرمود: یاعلی! ساعه فی خدمه اهل البیت اگر کسی یک ساعت در خدمت خانواده باشد، کارها را انجام دهد، همکاری داشته باشد خیر من عبادۀ الف سنه از عبادت هزار سال برایش بهتر است! ما اصلا کی هزار سال عمر می‌کنیم که بتوانیم عبادت کنیم ولی با یک ساعت در خدمت خانواده بودن این ثواب را می‌یریم. روایت از پیغمبر اکرم هست که «خِدْمَةُ الْعِبَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ» خدمت خانواده كفاره گناهان کبیره است

خانه و خانواده در فرهنگ دینی محل عبادت، محل ریاضت و محل تربیت است. محل عبادت است یعنی عباداتی در خانه می تواند انجام دهد با کارهایی بسیار ساده که به هیچ وجه شمانمی توانید انجام دهید. خانواده محل عبادت است. من چند روایت خدمت شما عرض می‌کنم ببینید این فقط از باب مشئت نمونه خروار است. پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: جلوس المرء عند عیاله احب الی الله من اعتکاف فی مسجدی هذا اگر مردی با همسرش بنشینند نفرمود بنشینند با هم ذکر بگویند و قرآن بخوانند بلکه بنشینند و با هم بگویند داشته باشند، درد و دل داشته باشند، حضرت فرمود: جلوس المرء عند عیاله احب الله من اعتکاف فی مسجدی هذا این از اعتکاف در مسجد من پیغمبر نزد خدا محبوب‌تر است. این در مجموعه ورام بن ابی فراس آمده است. روایت دیگری است از امام صادق(علیه‌السلام) فرمود: «ما من امرأة تسقی زوجها شربة ماء إلا کان خیرا لها من سنة صیام نهارها و قیام لیلها» زنی نیست که یک ظرف آب دست شوهرش بدهد به عنوان اینکه من حواسم به تو هست، «إلا کان خیرا لها من عبادَة سنة» برایش بهتر است از عبادت یک سال که «صیام نهارها و قیام لیلها» که روزها روزه باشد و شبها شب زنده‌دار! این روایت در جلد ۱۴

شرط نزول نصرت الهی

همه چیز تمام به نظر می‌رسید، وعده الهی فرا رسید: «ثُمَّ أُنْزِلَ اللَّهُ تَكْوِينَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأُنْزِلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا». آرامش الهی بر قلب پیامبر و مؤمنان نازل شد و سپاهی از غیب به یاری آنان آمد.

این ماجرا تنها روایتی تاریخی نیست، بلکه قاعده‌ای جاری است. نصرت خدا، قانون دارد و بی حساب نازل نمی‌شود. راه آن، استقامت است؛ ایستادن پای وعده الهی حتی وقتی زمین زیر پا می‌لرزد. خدای متعال در قرآن فرموده است: اگر می‌خواستم خودم پیروز می‌شدم، اما آن وقت شما لایق شهادت نمی‌شدید.

نمونه دیگر از این قاعده، در ماجرای طالوت و جالوت است؛ جایی که سربازان مؤمن در برابر امتحانی سخت قرار گرفتند. قرآن می‌فرماید: «فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا بِالْيَوْمِ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ». برخی گفتند: امروز توان مقابله با جالوت را نداریم. اما آنان که به لقاء الهی باور داشتند، چنین گفتند: «كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةَ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ چه گروه‌های اندکی که به اذن خدا را سپاه‌های بزرگ پیروز شدند. و سپس از خدا خواستند:

حسن نوروزی

کارشناس علوم اسلامی

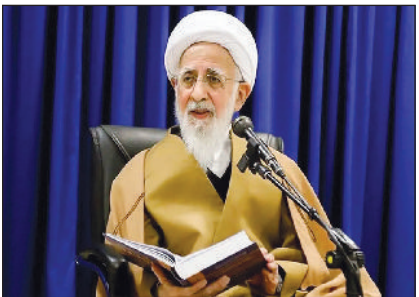
قاعده نصرت الهی ساده است، اما تحقیق همراه با سختی است «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا». در سنت الهی، گشایش از دل سختی می‌جوشد؛ نه به این معنا که رنج مقدس است، بلکه چون بی‌زحمت، فتحی رخ نمی‌دهد. فتوحات حقیقی درون انسان است، نه در بیرون. در دل استقامت و پایداری است که بستر فتوحات باطنی آماده می‌شود و در همان نقطه، خدای متعال درهای نصرت را می‌گشاید.

قرآن نمونه‌ای روشن از این سنت را درباره جنگ حنین بیان می‌کند: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ»؛ در جنگ حنین خدا شما را یاری کرد. اما این نصرت چگونه نازل شد؟ آیه ادامه می‌دهد: «إِذْ أَغْرَبْنَاكَمُ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شِئْنَا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمُ مُدْبِرِينَ». نخست، مسلمانان به کثرت و نیروی خود مغرور شدند؛ زمین با تمام وسعتش بر آنان تنگ شد و از میدان گریختند. نصرت خدا با دل‌های مغرور و خودبنیاد واقع نمی‌شود. اما همان‌جا که

سلوک

غبار رویی دل

آیت الله جوادی آملی: مهمترین و بزرگترین مانعی که بر سر راه انسان مسالک قرار دارد، تعلّق به دنیاست. تا دل غبار رویی نشود و مانع بر طرف نگردد، خورشید کمال نمی‌تابد و گوهر وصل نمی‌درخشد. راه قطع علایق از غیر خدا، راهی است که پیمودن آن مایه تزکیه نفس و نزاهت روح است و انصراف از آن مایه تیرگی روح، هر علاقه‌ای که به غیر خدا باشد غباری بر روح است و جان غبارآلود، راهی به حریم خدا ندارد. کسی که حقیقت و ارزش خود را بشناسد، می‌داند که ارزش جان آدمی به معارف الهی است. دلی که معرفت خدا و اولیای او در آن نیست «گیل» است نه «دل».



احکام

تکلیف خمس

پرسش: وظیفه فرزند در برابر پدر و مادر و یا زن در برابر شوهرش، اگر خمس اموال را نپردازند، چیست؟ آیا برای آنان تصرف در مالی که خمس آن پرداخت نشده و مخلوط به حرام است با توجه به تأکیدات وارد در روایات مبنی بر عدم استفاده از آن، به سبب آلوده کردن روح انسان جایز است؟

پاسخ: بر آنان واجب است که هنگام مشاهده ترک معروف یا انجام حرام توسط پدر و مادر یا شوهر، به امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط آن مبادرت کنند، ولی تصرف در اموال آنان اشکال ندارد.

آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتانات



امام رضا(علیه‌السلام) فرمود: اگر مردی هدیه‌ای برای یکی از زن‌های محرمش مثل مادر، خواهر، همسر، دختر بگیرد خداوند متعال تضمین کرده که «فَرَحَهُ اللَّهُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» خدا این را روز قیامت خوش‌حالش می‌کند این در جلد ۶ فروع کافی آمده است. این تعداد اندکی است از انبوه روایاتی که ثواب‌های عجیب و غریب و عباداتی برای کسی که در خانه صمیمیت داشته باشد نسبت به همسر و فرزندان. ممکن است در ابتدا کسی نعوذ بالله کسی بگوید این روایات درست است؟ یعنی این ثواب‌های عجیب و غریب داده می‌شود؟ اینها درست است اگر بدانیم فلسفه‌ای که پشت این روایات هست چیست آن وقت می‌بینید کاملاً درست است و اهل بیت دقیقاً می‌دانستند چه باید بگویند. آن بزرگواران تا آخر تاریخ را می‌دیدند و می‌دانستند که زمانی خواهد شد که خانواده‌ها مورد هجوم قرار خواهند گرفت برای فروپاشی و سست شدن پیوندها؛ لذا این روایات انبوه که فلسفه‌اش تحکیم بنای خانواده و پیوندها است و اگر خانواده محکم باشد تربیت در آن جامعه صورت می‌گیرد، دین خدا باقی می‌ماند، سرباز برای دین خدا تربیت می‌شود. اهل بیت(ع) می‌فهمیدند چه دارند می‌گویند و این ثواب‌هایی که فرموده‌اند از خدا که کم نمی‌آید.

شوند. اما سنت الهی تغییر نمی‌کند: «إِنْ تَتَّبِعُوا اللَّهَ يَتَّبِعْكُمْ». اگر اهل ایمان در مسیر الهی بایستند، یاری خدا نزدیک است.

مقاومت، تنها یک راهبرد سیاسی نیست، بلکه راه تحقق وعده الهی است. از این‌رو است که رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند ما نزدیک قله‌ایم، و اینجا جای پا پس کشیدن نیست. هرچه فشار دشمن بیشتر می‌شود، یعنی زمان نصرت نزدیک‌تر است. چون سنت خدا این است که گشایش از دل عسرت می‌جوشد.

قرآن به صراحت می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْزِئِينَ الْيَأْسَاءُ وَ الضَّرَاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ». آتقدر فشار و سختی آمد که حتی پیامبر و یارانش گفتند: پروردگار، نصرت کی می‌رسد؟ پاسخ آمد: «إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ».

وقتی زمین با همه وسعتش بر انسان تنگ می‌شود، درست همانجاست که باید چشم به آسمان داشت. آنجا که همه راه‌ها بسته می‌نماید، راه خدا باز می‌شود؛ همان راهی که با استقامت، با ایثار و با ایمان به وعده «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» آغاز می‌شود.

تاریخ نگار

رئیس آل بنی‌هاشم(ع)

عبدالمطلب، پدر بزرگ‌پیامبر اسلام(ص)، از برجسته‌ترین شخصیت‌های قریش در تاریخ صدر اسلام بود. او نه‌تنها رئیس خاندان بنی‌هاشم محسوب می‌شد، بلکه مسئولیت‌های مهمی چون نگهداری از کعبه و تأمین آب برای حاجیان را بر عهده‌داشت، نقشی که جایگاه اجتماعی، سیاسی و دینی‌اش را بیانگر است. نقش عبدالمطلب در ماجرای حمله ابره به مکه و حفاظت از کعبه و ونیز سرپرستی پیامبر اسلام از کودکی، بر اهمیت وی در تاریخ اسلام می‌افزاید. از دیگر اقدامات او، احیای مجدد چاه زمزم بود، منبعی که بعدها در مناسک حج جایگاهی ویژه یافت. عبدالمطلب به‌خاطر حکمت، بزرگواری، مهمان‌نوازی و مدیریت خود در رویدادهای حساس مورد احترام همگان بود.



دین

شماره ۱۲۱۳ | دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴

صداقت

آیه

دفاع از وطن

گروه معارف

صبح صادق

خداوند متعال، مشرکین را در صدر اسلام به دو گروه تقسیم می‌کند، گروهی که در عین کفر و شرک، با مسلمین کاری نداشتند، شمشیری بلند نمودند و از خانه‌هایشان بیرون‌شان نکردند همانند قبیله «خُزاعه» که با مسلمین پیمان صلح امضا کرده بودند؛ گروه دوم معاندانی بودند که به جنگ با مسلمین پرداختند و آنها را از مکه بیرون راندند، مسلمانان موظف بودند در مقابل این گروه بایستند و برای حفظ دین و موطن خود با آنها جهاد نمایند. آیه شریفه ذیل، جهاد را تنها با این گروه جایز می‌شمارد: «أَمَّا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ الْخُرْجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ اخْرَاجِكُمْ أَنْ تَتْلُوهُمْ، وَ مَنْ يَتْلُوهُمْ قَاُولِيْكَ هُمْ الظَّالِمُونَ؛ خداوند تنها شما را از دوستی کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون کردند، و یا به بیرون راندن شما کمک کردند، خداوند شما را از دوستی آنها نهی می‌کند و هر که آنها را دوست دارد، ظالم و ستمگر است.»

رسول خدا(ص) در همین باره فرموده است خداوند دشمن می‌دارد کسی را که به خانه‌اش حمله کنند و او با آنها کار زار نکند. حضرت امیر(علیه‌السلام) هنگام حمله سربازان به شهر «انبار» خطاب به مردم کوفه فرمودند: «آگاه باشید، من شب و روز، پنهان و آشکار شما را به مبارزه این قوم(معاویه و لشکر یانش) دعوت کردم و گفتم پیش از اینکه با شما بجنگد با آنها نبرد کنید، بخدا سوگند هر ملتی در خانه‌اش مورد هجوم دشمنش قرار گیرد ذلیل خواهد شد و برای نبرد با دشمن باید به سرحدات شتافت ولی شما سستی کردید، و دست از یاری برداشتید، تا آنجا که دشمن پیوسته به شما حمله کرد و سرزمین شما را مالک شد.»

آن حضرت بعد از حمله «ضحاک بن قیس» از فرماندهان معاویه به مکه، خطاب به کوفیان فرمود: «شما که از خانه خود دفاع نمی‌کنید، چگونه می‌توانید از خانه دیگران دفاع کنید.» بعد از حضرت موسی(ع) قوم او به دست فلسطینیان شکست خوردند و سالیان دراز آواره بودند. خداوند پیامبری بنام «اشمونیل» برای آنها برانگیخت، آنها گرد وی جمع شدند و از او خواستند کسی را به فرماندهی سپاه معین کند تا آنچه از دست داده‌اند باز پس گیرند. پیامبر که پیمان‌شکنی آنها را می‌دانست از آن بیم داشت که مبادا از فرمان جهاد سر بتابند، آیه شریفه ذیل، ایمان و صلابت یهود را برای بازپس‌گیری اراضی خود از زبان خودشان بیان نموده است. «قَالُوا وَ مَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا؛ گفتند چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از سرزمینمان رانده شده‌ایم.» آنان خطاب به پیامبرشان گفتند: دشمن، ما را از وطن دفاع می‌کنیم. اما بعد از آنکه اشمونیل طالوت را به امیری برانگیخت، نارضایتی‌ها آغاز شد، و جز عده‌ای اندک بسا او نماندند. غرض از بیان این داستان، اهمیتی است که قرآن کریم به دفاع از سرزمین داده، بدان حد که یکی از مهم‌ترین کارهای پیامبر خدا را اعاده این حق از دست رفته می‌داند و آن را در قرآن کریم مطرح ساخته است.

تقویم انقلاب

پیامی جهانی
از عدالت ایرانی

گروه تاریخ

صبح صادق

۲۸ آبان ۱۳۵۸، روزنامه اخبار ایران گزارشی منتشر کرد که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی و خارجی یافت. این گزارش درباره آزادی شماری از گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران بود؛ اقدامی که در روزهای آغازین ماجرای تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام انجام گرفت و به یکی از جلوه‌های نمادین سیاست اخلاقی و انسانی انقلاب اسلامی تبدیل شد.

در جریان اشغال سفارت در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، بیش از ۶۰ نفر از کارکنان سفارت، از جمله دیپلمات‌ها و مأموران اطلاعاتی آمریکا، به گروگان گرفته شدند. این اقدام اعتراضی، در واکنش به سال‌ها دخالت ایالات متحده در امور داخلی ایران و حمایت از محمدرضا پهلوی صورت گرفت. با این حال، از همان آغاز، امام خمینی (ره) بر ضرورت رعایت اصول انسانی در رفتار با گروگان‌ها تأکید کرد. به دستور ایشان، زنان، سیاه‌پوستان و کارکنان غیرآمریکایی سفارت به نقشی در سیاست‌های استعماری نداشتند، آزاد شدند.

آزادی سیاه‌پوستان، تصمیمی بود که فراتر از یک اقدام انسانی، پیامی سیاسی نیز در خود داشت. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰، تبعیض نژادی در آمریکا هنوز زخمی باز بر پیکر جامعه سیاه‌پوست بود. با وجود دستوردهای جنبش حقوق مدنی، بسیاری از سیاه‌پوستان همچنان از فقر، نابرابری و خشونت رنج می‌بردند. در چنین شرایطی، برخورد انسانی انقلاب اسلامی با آنان، نوعی همبستگی با مظلومان جهان تلقی شد.

روزنامه اخبار ایران در شماره ۱۴۱ خود گزارش داد که سه تن از گروگان‌های آزادشده «کتی گروس»، منشی ۲۲ ساله، و دو گروهبان سیاه‌پوست نیروی دریایی آمریکا، «لیندل میل» و «ویلیام کوارلز» در برابر بیش از دویست خبرنگار داخلی و خارجی حاضر شدند و از تجربه خود سخن گفتند.

در این نشست خبری، کوارلز، گروهبان سیاه‌پوست، در پاسخ به پرسشی درباره تسخیر لانه جاسوسی گفت: «ایرانیان می‌گویند اینجا سفارت نیست، جاسوسخانه است. مردم ایران در جهت عقیده‌شان عمل می‌کنند و می‌دانند چه می‌کنند.» وی افزود که در مدت گروگان‌بودنش، با دانشجویان درباره سیاست آمریکا گفت‌وگو کرده و دریافته است که «هر جریان دو وجه دارد و تبلیغات آمریکا تنها یک سوی ماجرا را نشان می‌داد». کوارلز تأکید کرد: «وقتی به وطن بازگردم، از حقایقی که دیده‌ام برای هم‌وطنانم خواهم گفت.»

کتی گروس نیز گفت که هیچ‌گاه سلامت گروگان‌ها در خطر نبوده و «با ما بسیار خوشرفتاری شده است». او ضمن تأکید بر حق هر کشوری در جلوگیری از دخالت بیگانگان، وعده داد که «وقتی به آمریکا بازگردم، حقایق را بازگو خواهم کرد.»

آزادشدگان در پاسخ به خبرنگاران خارجی تصریح کردند که هیچ‌گونه اجباری در مصاحبه یا امضای طومار علیه دولت آمریکا وجود نداشته است. کوارلسز در پایان سخنانش گفت: «پیام من برای سیاه‌پوستان جهان این است که انقلاب ایران نمونه‌ای برای همه مظلومان دنیاست. سیاه‌پوستان باید علیه ظالمین قیام کنند، همان‌طور که ملت ایران کرد.»

اصلاح‌طلبان
و تعامل با رهبری!مروری بر کتاب خاطرات اسحاق جهانگیری
با عنوان «در اندیشه ایران»

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

ماجرای رابطه رهبر معظم انقلاب و جریان‌های سیاسی یکی از سؤالات و ابهاماتی بوده است که کمتر در مورد آن سخن رانده شده است. در این میان جریان اصلاح‌طلب با توجه به فراز و فرودهای بسیاری که داشته است، ابهامات بیشتری را ایجاد کرده است. به تازگی کتاب خاطرات اسحاق جهانگیری با عنوان «در اندیشه ایران» انتشار یافته که فارق از بررسی صحت و سقم این خاطرات، می‌تواند بخشی از این سؤال را پاسخگو باشد. جهانگیری در این باره آورده است:

«موضوع رابطه اصلاح‌طلبان با رهبری موضوع مهمی بود که پس از وقایع سال ۱۳۸۸ تیره شده بود. وظیفه خود می‌دانستم که تا حد مقدور بتوانم با اعتمادسازی برای بهبود این رابطه و حل مشکل تلاش کنم. اصلاح‌طلبان به عنوان یک جریان سیاسی صاحب اندیشه و دیدگاه که من هم آن را برای کشور مفید و سازنده می‌دانستم برای پیشبرد اهداف‌شان باید در قدرت می‌بودند، اما وقایع سال ۱۳۸۸ کار را به گونه‌ای پیش برده بود که رهبر این جریان آقای خاتمی و خیلی از شخصیت‌های مؤثر آن در رابطه با حاکمیت و ارتباط با جامعه دچار محدودیت شده بودند تا جایی که اجازه نمی‌دادند خبر و عکسی از ایشان منتشر شود و هیچ کنش سیاسی مؤثری داشته باشد. تلاش زیادی کردم تا این موضوع به نحوی بر ترقع شود.

ششی بعد از فوت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در اواخر سال ۱۳۹۵، جلسه‌ای در جماران برگزار شد. آقایان سیدحسن خمینی، خاتمی، موسوی خوینی‌هاو عبدالله‌نوری و من حضور داشتیم؛ یکی از موضوعاتی که در آن جلسه مطرح شد، به رابطه میان اصلاح‌طلبان و رهبری اختصاص داشت. دوستان در جلسه گفتند که تا زمان حیات مرحوم هاشمی اگر درباره اصلاح‌طلبان یا اداره کشور نقطه نظری داشتیم، از طریق مرحوم هاشمی به رهبری منتقل می‌کردیم و این مسیر پس از فوت آقای هاشمی باید به نحوی احیا شود. در آن جلسه از من خواستند که این موضوع به رهبری منتقل شود که چه کسی این نقش را بر عهده گیرد.

من همان هفته درخواست ملاقات کردم، رهبری وقت دادند و خدمت ایشان رفتم و توضیحات مفصلی دادم گفتم دوستان ما بالاخره انتظارشان این است که بتوانند با شما ارتباط داشته باشند و نظرات‌شان را بگویند. آنجا از آقای خاتمی گفتم و از علاقه خودم به ایشان و نکات دیگری را منتقل کردم. درباره عبدالله‌نوری و موسوی خوینی‌ها هم صحبت کردم و تلاش کردم مسائل پیرامون این سه روحانی مطرح اصلاح‌طلب با رهبری حل و فصل شود. نظراتم درباره کلیت اصلاح‌طلبان را به رهبری گفتم و اینکه اصلاحات را با چه شرایطی در چارچوب نظام و وفادار به نظام و رهبری می‌دانم، البته خیلی درباره موضوعات مربوط به سال ۱۳۸۸ صحبت نکردم.

رهبری در صحبت‌هایشان کاملاً مشخص بود که از وقایع سال ۱۳۸۸ ناراحت بودند. گفتند هیچ دوستی با کشور خودش کاری را که این افراد کردند نمی‌کند و با اشاره به وقایع سال ۱۳۸۸ معتقد بودند که اردوکنشی خیابانی علیه نظام بوده است و نه انتخابات و باید فاصله‌گذاری شفاف‌ی توسط اصلاح‌طلبان با این موضوع انجام می‌شده که نشده است. البته گفتند امروز اصلاً نمی‌خواهم در این مورد صحبت کنم اما داستان مفصلی است و باید جداگانه و در وقتی دیگر درباره آن صحبت کنیم. راجع به دوستان و آقای خاتمی بخشی

از صحبت‌های من را قبول داشتند، حتی این تعبیر را به کار بردند که آقای خاتمی از نظر ایشان مثل آقای هاشمی «آخوند تمیزی» است، نه مسئله اخلاقی و نه مالی دنبال ایشان نیست، ولی خوب نقطه نظرات دیگری درباره ایشان و به خصوص درباره برخی اطرافیان ایشان که اثرگذار هستند، مطرح کردند. درباره اصلاحات هم ایشان دوسه اصل داشتند. یکی اینکه گفتند من قبول ندارم با کسی به خاطر اصلاح‌طلب بودنش برخورد شده است، به خود من اشاره کردند و گفتند که شما سال ۱۳۹۲ آمدید گفتید می‌خواهید کاندیدا شوید و من هم استقبال کردم، آقای عارف هم آمدند و من استقبال کردم. با اصلاح‌طلبان به خاطر اصلاح‌طلبی مشکلی ندارم و اگر با کسی برخورد شده است به خاطر کارهای دیگری است که کرده است.

تازمان حیات مرحوم هاشمی اگر درباره اصلاح‌طلبان یا اداره کشور نقطه‌نظری داشتیم، از طریق مرحوم هاشمی به رهبری منتقل می‌کردیم و این مسیر پس از فوت آقای هاشمی باید به نحوی احیا شود. در آن جلسه از من خواستند که این موضوع به رهبری منتقل شود که چه کسی این نقش را بر عهده گیرد.

رهبری در صحبت‌هایشان کاملاً مشخص بود که از وقایع سال ۱۳۸۸ ناراحت بودند. گفتند هیچ دوستی با کشور خودش کاری را که این افراد کردند نمی‌کند و با اشاره به وقایع سال ۱۳۸۸ معتقد بودند که اردوکنشی خیابانی علیه نظام بوده است و نه انتخابات و باید فاصله‌گذاری شفاف‌ی توسط اصلاح‌طلبان با این موضوع انجام می‌شده که نشده است.

رهبری گفتند من قبول ندارم با کسی به خاطر اصلاح‌طلب بودنش برخورد شده است، به خود من اشاره کردند و گفتند که شما سال ۱۳۹۲ آمدید گفتید می‌خواهید کاندیدا شوید و من هم استقبال کردم، آقای عارف هم آمدند و من استقبال کردم. با اصلاح‌طلبان به خاطر اصلاح‌طلبی مشکلی ندارم و اگر با کسی برخورد شده است به خاطر کارهای دیگری است که کرده است.



در ادامه جلسه من گفتم این دوستان می‌خواهند بعد از آقای هاشمی یک کانال ارتباطی با شما داشته باشند رهبری گفتند من عزا دار آقای هاشمی هستم ولی ایشان هیچ وقت کانال ارتباط اصلاح‌طلب‌ها با من نبود و در این باره در دیدارهایی که داشتیم صحبت نمی‌کرد، ولی مشکلی نیست که ارتباطی باشد و بهتر از همه خود شما هستید که هم آقایان قبولتان دارند و از خودشان هستید و من هم به شما اعتماد دارم. هر وقت خواستید با خود من مطرح کنید اگر هم نخواستید بنویسید یا به آقای حجازی بگویید به من منتقل کند. من درخواست کردم که آقایان خاتمی، نوری و موسوی خوینی‌ها هر کدام جداگانه با ایشان ملاقات کنند. نسبت به آقای خوینی‌ها هم واکنش ایشان مثبت بود و گفتند ایشان هر زمان وقت بخواهند من مانعی ندارم. درباره دیدار با آقای خاتمی، اما گفتند حالا عجله نکنید. برداشت کلی من از واکنش‌های ایشان این بود که با حضور آقای موسوی خوینی‌ها احتمال گشایش‌های بیشتری برای مجموعه اصلاح‌طلبان ممکن است ایجاد شود.

گزارش جلسه را با دوستان جداگانه مطرح کردم. موضوع ملاقات‌ها هم با آقای خوینی‌ها مطرح کردم، ایشان مقداری تأمل کرد و در نهایت هم تصمیمش بر این شد فعلاً در خواست دیدار نکند؛ نگران این بود که نقد و نظرهایی مطرح شود و فضای جلسه تلخ شود. من مطمئن بودم که این دیدار و گفت‌وگوی ایشان با رهبری می‌تواند نقطه آغاز خوبی باشد که متأسفانه امکان‌پذیر نشد.

حافظه

در ساحل ال سالوادور

استعمارگران اروپایی در مسیر آمریکا!

کرده بود و به همین خاطر تمام نقشه‌هایی که کشیده بود، اشتباه از آب درآمد. آنها آذوقه به اندازه کافی در اختیار نداشتند و در این مدت تعداد زیادی از خدمه به اثر بیماری، گرسنگی و تشنگی جان خود را از دست دادند.

چند هفته بعد خشکی دیده شد. در ۱۲ اکتبر، کلمب و مردانش در جزیره‌ای که بعدها مشخص شد باهامای آمریکا است، قدم گذاشتند. از راه رسیده‌ها بومی‌های



کرده، به آسیا رسیده است. او جزیره‌ای را که تا به حال ندیده بود «سن سالوادور» نامید. آنها هر چه جست‌وجو کردند، موفق نشدند تا فرد متمولی در این جزیره پیدا کرده و با او تجارت کنند؛ به همین خاطر تصمیم گرفتند مسیر خود را تارسیلند به چین و هند ادامه دهند. با آنکه اسپانیایی‌ها هیچ‌گاه باهاما را مستعمره خود نساختند؛ اما وارد جزیره شده و تمامی مردم بومی آن را برای بردگی به «هیسپانیولا» بردند.

«کریستف کلمب»، با حمایت دربار اسپانیا و پشتیبانی مالی که به احتمال قوی توسط یهودیان از وی می‌شد، توانست سودای رسیدن به چین و هند را با طرح‌ریزی چهار سفر دریایی به سمت غرب، دنبال کند. کلمب، سفر خود را به‌سه کشتی به نام‌های پینتا، نینا و سانتاماریا و ۱۰۴ خدمه، در سوم آگوست ۱۴۹۲، آغاز کرد. تمام این خدمه از رفتن به این سفر هراس داشتند؛ اما از سوی دولت مجبور به همراهی کریستف شده بودند. آنها معتقد بودند که اقیانوس اطلس، محل زندگی هیولا‌های ناشناخته است و هیچ کشتی‌ای از آنجا سالم باز نمی‌گردد. ماه‌ها گذشت و آنها به سواحل «قناری» رسیدند، پس

از استراحتی کوتاه در سواحل قناری و تعمیر کشتی‌ها، سفر در اقیانوس اطلس ادامه پیدا کرد.

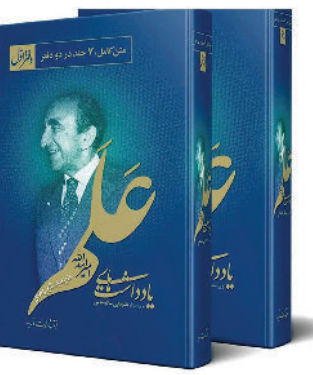
این کشتی‌ها پنج هفته به‌طور کامل و بدون توقف در راه بودند. تا آن زمان هرگز هیچ‌کدام از کشتی‌ها اینقدر به اقیانوس نرفته بودند و همیشه سواحل اروپا یا آفریقا را در دید خود داشتند. این زمان خیلی بیشتر از زمانی بود که کریستف انتظار داشت. او زمین را بسیار کوچک‌تر از آنچه هست تصور

دهلیز

ترس از دیکتاتور

نگاهی به رونق چاپلوسی در دربار دیکتاتور پهلوی

خود چنین می‌نویسد: «به اعلیحضرت گفتم: با وجود اینکه موقعیت مناسب حرف‌های خنده‌دار نیست ولی ناچارم واقعه مضحکی را که دیشب در دفتر نمایندگی اسرائیل در تهران رخ داد، گزارش کنم و آن این بود که من مشغول گفت‌وگو با رئیس ستاد ارتش اسرائیل بودم و درباره پیشرفت‌های ایران حرف می‌زدیم که ناگهان ارتشبد از هزاری مثل خروس بی‌محل پرید میان حرفم و گفت: «در اینجا هر پیشرفتی که انجام گرفته یک علت داشته و آن اینکه همه مثل سگ از اعلی حضرت می‌ترسند. اگر کسی دستوری را که او داده انجام ندهد حسابش با کرام‌الکاتبین است.» در اینجا شاهنشاه گفت: «اشکال این حرف چیست؟» و من ناچار شدم بگویم ترس و وحشت جانشین درستی برای میهن‌پرستی و انجام وظیفه نیست. شاهنشاه گفت: «باز هم نمی‌دانم کجای حرف او اشکال داشته» که به روشنی منظورش این بود که در آینده بهتر است نظراتم را برای خودم نگه دارم...!



صبح صادق اهمیت مانیفست روایت‌گری عزت و اقتدار را بررسی می‌کند

روایت نامعتبر آمریکایی!



وضعیت راهبردی خود اطمینان دارد». جالب‌تر آنکه وی در ادامه افزوده است: «تحلیل ایران از جنگ اخیر، برخلاف روایت‌های متداول آمریکایی است. در حالی که واشنگتن شکست‌های ایران را برجسته می‌کند، (آیت‌الله) خامنه‌ای از پیروزی و بازدارندگی سخن می‌گوید.»

آنگونه که از تحلیل محتوای سخنان کلاوسون برمی‌آید، به نظر می‌رسد امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) به خوبی توانسته است در برابر روایت آمریکایی از ضعف ایران، پادروایتی مبتنی بر اقتدار و عظمت ایران به جهانیان ارائه کند و در این میان، موفق شده تا نشانه‌های لازم به خوبی به معنای‌های مورد نظر خود نزدیک سازد؛ یعنی در مناسسازی برای واقعیت قدرت ایران موفق عمل کرده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت ایشان در برابر کلان روایت آمریکایی از تصویرسازی غلط از ایران، تنها با یک سخنرانی هم روایت آمریکایی‌ها از واقعیت‌های ایران را واژگونه کردند و هم توانستند

- باید اعتراف کرد که در جنگ ترکیبی رسانه و شناخت پایه امروزی، کیفیت مواضع مسئولان باید به گونه‌ای باشد که ضمن حمله به محاسبات طرف مقابل، یعنی جبهه دشمنان ایران اسلامی، پیام اقتدار و عزت را به آنها مخابره کند.**
- «پاتریک کلاوسون» پژوهشگر ارشد در «انستیتوی واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» می‌نویسد: تحلیل ایران از جنگ اخیر، برخلاف روایت‌های متداول آمریکایی است. در حالی که واشنگتن شکست‌های ایران را برجسته می‌کند، (آیت‌الله) خامنه‌ای از پیروزی و بازدارندگی سخن می‌گوید.**
- امام خامنه‌ای در برابر کلان روایت آمریکایی از تصویرسازی غلط از ایران، تنها با یک سخنرانی هم روایت آمریکایی‌ها از واقعیت‌های ایران را واژگونه کردند و هم توانستند روایت متقن خود از فتح و اقتدار را به خوبی به جهانیان ارائه کنند.**



درست در حالی که در برهه پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با تداوم تهدیدهای سران رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران مواجه هستیم و طرف مقابل هنوز تصور می‌کند که می‌تواند به ایران ضربه بزند و در این میان، برخی مسئولان در داخل کشور نیز با اتخاذ برخی مواضع، آگاهانه یا غیرآگاهانه، پیام‌های ضعیفی به طرف مقابل ارسال می‌کنند. رهبر معظم انقلاب با اتخاذ مواضع حکیمانه و عزتمندانه، بر تصورات دشمن در قبال ایران خط بطلان کشیده و پیام قدرت و صلابت به طرف مقابل ارسال می‌کنند. در این زمینه، می‌توان به سخنان ایشان به مناسبت ۱۳ آبان اشاره کرد که در آن، برخلاف تصورات طرف مقابل، از موضع رهبریک کشور قدرتمند و با صلابت ظاهر شده و حتی شروطی را برای مذاکره با آمریکا تعیین کردند. در تجزیه و تحلیل متن و فرامتن مواضع معظم‌له در این مناسبت باید گفت،ایشان به موازات تلاش برای مدیریت عرصه‌ها و صحنه‌های عملیاتی، در تلاش هستند در حوزه روایتگری از قدرت و موقعیت نظام نیز کنشگری فعال داشته باشند. به عبارت دقیق‌تر، ایشان با دقت در ارائه روایت متقن از قدرت کشور و ایستادگی بر مواضع مستحکم نظام در تلاش هستند تا ضمن ارسال پیام قدرت به دنیای خارج، محاسبات غلط شکل گرفته در اذهان دشمنان در قبال دولت و ملت ایران را اصلاح کنند.

- کلان روایت پیروزی در کلام رهبر معظم انقلاب**
- جالب آنکه هنر و مهارت معظم‌له در این زمینه از نگاه تحلیل‌گران نکته‌سنج خارجی دور نمانده است که برای نمونه می‌توان به مقاله تحلیلی «پاتریک کلاوسون» پژوهشگر ارشد در «انستیتوی واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» اشاره کرد که به نشانه‌های جدید در سخنان رهبر معظم انقلاب پر داخته است. نکته محوری که کلاوسن در تحلیل بیانات معظم‌له بر آن تأکید کرده است، آن است که تصریح دارد: «ایران مانند کشوری که نیازمند دفاع فوری است، رفتار نمی‌کند، بلکه به

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین -۱۵۳

وحشی ادکلن‌زده!

امیر قلی‌زاده

کارشناس سیاسی

آمریکا با انداختن بمب اتم روی هیروشیما و ناکازاکی، بیش از ۲۰۰ هزار انسان را کشت؛ نه برای پیروزی نظامی، بلکه برای نمایش قدرت به جهان. این عمل ترجمانی است از جمله «انسان گرگ انسان است!» «توماس هابز» در فلسفه سیاسی غرب معتقد است باید چنان قدرتی نشان داد که دیگران از ترس، تسلیم شوند. در واقع، بمب اتم «قرارداد اجتماعی» امنیت غربی است. امروز هم ترامپ می‌گوید: «صلح از طریق قدرت! یعنی مردم جهان باید از ترس نابودی، زیر نظم آمریکا زندگی کنند.» بعد از جنگ جهانی دوم، استعمار مستقیم منسوخ شد، اما همان منطق باقی ماند؛ قدرت باید در دست ما بماند تا آرامش برقرار باشد. جنگ سرد و کودتاهای آمریکایی در آسیا و آمریکای لاتین هم بر پایه همین «مقابله با بی‌نظمی» توجیه شد. کشور ما هم بی‌نصب نبود؛ کودتای ۱۳۳۲ علیه دولت ملی مصدق با بهانه و پوشش «جلوگیری از سقوط ایران به دامن کمونیسم». غرب امروز هم شکل جدیدی از همان گزاره‌های پیش از قرون وسطای غربی را اجرا می‌کند. «صلح از طریق قدرت»، یعنی هرکس از نظم مطلوب ما خارج شود، تهدید است. فقط ابزارها متنوع‌تر شده است: رسانه، تحریم، جنگ، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی. غربی‌ها هنوز معتقدند ملتی که کنترل نشود، خطرناک است؛ پس باید با فناوری و اطلاعات مهار شود و اگر نشد، با جنگ. آخرین

نمونه روشن منطق بی منطق غرب، جنگ ۱۲روزه بود. ننگی بالاتر از این است که رئیس‌جمهور کشوری علناً می‌گوید: «من به ملت ایران کلک زدم؛ در حین مذاکره با آنها جنگ کردم» و اعتراف می‌کند که «من در رأس حمله ۲۳ خرداد اسرانیل به ایران بودم؛ کنترل کامل داشتم.» آمار بانک جهانی نشان می‌دهد، در نیم‌قرن گذشته، بیش از ۷۰ درصد جنگ‌های بین‌المللی با مداخله مستقیم یا غیرمستقیم قدرت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا آغاز شده است. در دهه اخیر نیز نیمی از مخارج نظامی جهان تنها به آمریکا و متحدانش تعلق داشته است. توصیف صلح غربی در یک جمله صلحی است که کسی که در رأس این هرم قدرت است، با غروری ابلهانه می‌گوید آنگدر سلاح هسته‌ای در اختیار دارد که می‌تواند «جهان را ۱۵۰ بار نابود کند». جهان غرب در چه مسیری گام بر می‌دارد؟ توحشی جدید در لباس تمدن؟! رهبری معظم انقلاب در سال ۱۳۹۹ فرمودند: «یکی از سناتورهای غربی همین چند روز پیش گفته بود که غرب‌وحشی زنده شده؛ این حرف آنهاست. ما وقتی که می‌گوییم در غرب یک روح وحشی‌گری وجود دارد که با ظاهر آراسته و ادکلن‌زده و کراوات‌پسته‌اش منافاتی ندارد، بعضی‌ها تعجب می‌کنند و انکار می‌کنند، این را حالا خودشان می‌گویند؛ می‌گویند این نماد زنده شدن غرب وحشی است».

اما در برابر این تمدن وحشی، ایرانی ایستاده که در طول تاریخ، هرگز استیلاپذیر نبوده است و از قضا، انقلاب اسلامی این تجربه تاریخی را به‌روزتر و کارآمدتر کرده است.

می‌گذارد. می‌توان گفت ایشان با این موضع تلاش کرد به طرف مقابل بفهماند که ایران بازیگری نیست که در میز مذاکره از موضع ضعف ظاهر شود؛ بلکه به منزله یک بازیگر قدرتمند، این ایران است که برای آغاز مذاکرات با شما شرط می‌گذارد.

با توجه به آنچه گفته شد، باید اعتراف کرد که در جنگ ترکیبی رسانه و شناخت پایه امروزی، کیفیت مواضع مسئولان باید به گونه‌ای باشد که ضمن حمله به محاسبات طرف مقابل، یعنی جبهه دشمنان ایران اسلامی، پیام اقتدار و عزت را به آنها مخابره کند. از این رو، الگوی مواجهه و مواضع ایشان در برابر دشمنان باید سرمشق و الگویی تام برای همه مسئولان باشد.

سختن پایانی

در یک تعبیر، سیاست را به درستی به کنترل طرف مقابل از طریق ارسال پیام‌های لازم تعبیر کرده‌اند؛ به این ترتیب که گاه در سیاست برای پیشبرد امری الزاماً به اتخاذ اقدام عملی خاصی نیازی نیست، بلکه تنها با کنش‌های کلامی می‌توان پیام لازم را به طرف مقابل ارسال کرد تا او را به انجام کاری واداشت یا از انجام کاری منع کرد. بنابراین، صرف کنش‌های کلامی و پیامی که در خلال آنها به طرف مقابل منتقل می‌شود، گاه می‌تواند سبب جنگ شود و گاه می‌تواند مانع از آن شود. بنابراین، در برهه کنونی که جبهه دشمنان ملت ایران به سرکردگی آمریکا و رژیم صهیونیستی درصدد هستند تا به هر شیوه ممکن به ارکان اقتدار و حیات ایران ضربه بزنند، دقت در مواضع و پیام‌هایی که مسئولان به طرف‌های متعدد ارسال می‌کنند، نیازمند دقت و مراقبت جدی است. در این زمینه، همانا مواضع حکیمانه و مقتدرانه رهبر معظم انقلاب می‌تواند به مثابه مانیفستی جامع و همه‌جانبه‌نگر، چراغ راهی باشد برای افراد گوناگون تا بسا محور قرار دادن خطوط اصلی این مواضع، ضمن حمله به محاسبات دشمنان ملت ایران، واقعیت قدرت و اقتدار ایران به درستی به جهانیان منتقل شود و به جای تصویر برساخته دشمنان از ایران و ایرانیان، تصویری واقعی از آنها که توأم با امید، عزت، اقتدار و صلابت است، به جهانیان منعکس شود. به راستی که توازن روانی و رسانه‌ای در برابر دشمنان، دست کمی از توازن نظامی و امنیتی ندارد و در این زمینه باید دقت و مراقبت لازم صورت گیرد.

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۱۸

علت بقا

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خوش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست؛ انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند.» این بیان پاسخ روشنی است به کسانی که میان «انقلاب» و «نظام» مرز می‌کشند. در منطق اسلامی، نظام برآمده از انقلاب، هر لحظه نیازمند خ خون تازه همان روحیه انقلابی است تا از فروبستگی و بوروکراسی محافظه‌کارانه نجات یابد. در دوره برخی دولت‌ها گرایش در سیاست، اقتصاد و فرهنگ پدید آمد که از شاخص‌های انقلابی فاصله گرفت و حتی اصل استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که از بنیادی‌ترین شاخص‌های تفکر انقلابی است، زیر سؤال رفت و پافشاری بر آن، عامل مشکلات معرفی شد. طبیعی بود که در برابر چنین فضای فکری، رهبر فرزانه انقلاب بیش از پیش بر تفکر و روحیه انقلابی تأکید کنند و آن را موتور محرکه جمهوری اسلامی بنامند. تا آنجا که در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کردند: «مجمع باید انقلابی فکر و عمل کند و انقلابی بماند.» بدین‌سان، انقلابی‌گری در جمهوری اسلامی نه دوران گذار، بلکه شرط تداوم است؛ نه مر حله‌ای از تاریخ، بلکه روح حیات نظام است. هرگاه این روح تضعیف شود، نظام در ظاهر باقی می‌ماند؛ اما در باطن فرسوده می‌شود. انقلاب اسلامی هنوز همان پاسخ زنده به نیاز امت برای استقلال، عدالت و عزت است؛ پاسخی که بدون آن، جمهوری اسلامی از معنا تهی خواهد شد.



آیا انقلاب اسلامی با تشکیل جمهوری اسلامی پایان یافت؟ یا جمهوری اسلامی خود تداوم زنده همان انقلاب است؟ از همان نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب، ذهنیتی شکل گرفت که میان «انقلاب» و «نظام» تعارض می‌دید. این نگاه می‌گفت دوران انقلاب سپری شده و باید کشور را بر اساس نظم و سازوکارهای اداری جدید اداره کرد؛ زیرا روحیه انقلابی، به‌زعم آنان، مساوی بود با تش، بی‌ثباتی و رفتارهای هیجانی. بر پایه همین تصور، برخی می‌گفتند: «ما دیگر نیازی نداریم کشور را به‌صورت انقلابی اداره کنیم.» این تفکر تا امروز نیز در لایه‌هایی از مدیریت وخبگان سیاسی ادامه دارد.

اما حقیقت آن است که انقلاب اسلامی نه تنها علت پیدایش جمهوری اسلامی بود، بلکه علت بقای آن نیز هست. جمهوری اسلامی از دل انقلاب زاده شد و در بستر همان تفکر انقلابی تداوم یافت. اگر این تفکر فروپاشد، موجودیت نظام نیز از درون تهی می‌شود. انقلاب اسلامی انفجار احساسات زودگذر نبود؛ حاصل ده‌ها سال مجاهده و برآمده از سنت اعتراضی فقه شیعه در برابر حاکمان جور بود. در این‌س معنا، انقلاب نه حادثه‌ای سیاسی، بلکه تداوم منطقی یک تاریخ و یک ایمان جمعی بود. رهبر فرزانه انقلاب در بیانیه گام دوم همین حقیقت را چنین خلاصه کرده‌اند:

۱۱

خرد

شماره ۱۲۱۳ | دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴

صداقت

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۶۲

سلوک خانوادگی

محسن اسماعیلی

دکتری حقوق اسلامی

شهیدصدر به برکت مقام برجسته علمی و آثار منحصر به فرد، جهاد و شهادت حماسی اش نامی پسرآوازه دارد، اما از نظر اخلاق و سبک زندگی اش همچنان ناشناخته باقی مانده است. به‌درستی گفته‌اند که میزان صدق و موفقیت هر کس را باید در سلوک خانوادگی و در عرصه خصوصی او جست‌وجو کرد. «به رنگ صبر» نام کتاب خاطرات همسر این نابغه جهان اسلام است که به همت مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر منتشر شده است.

این کتاب روایتگر صادق نجابت و فداکاری یک بانوی فرهیخته ایرانی است که گوهر بلند طبع و استقامت را در سایه تعلیم و تربیت دینی پیدا کرده است. دختری نازپرورده و رشدیافته در دامن خاندانی برجسته و پرخوددار، که برادرش موسی صدر از او برای پسرعمویش محمدباقرصدر، با لطافت و شیرینی خواستگاری می‌کند. او توصیه برادر را پذیرفته و راهی خانه‌ای محقر، استیجاری و پر جمعیت در نجف اشرف می‌شود. انتخاب این زن آگاهانه و اراده‌اش پولادین است و همان روز اول به حرم سرور اولیا، امیرمؤمنان علی(ع) مشرف می‌شود و از او صبر و آرامش می‌طلبد. او سیدمحمدباقر را نه به چشم همسر، که به منزله یکی از بزرگان و اولیاءالله می‌نگرد تا در خدمتش باشد. روایت می‌کند که در همان حرم، احساس کرد که دعایش مستجاب شده است و راست می‌گوید.

مطالعه این‌س کتاب از این‌س منظر، به ویژه برای دختران و زنان جوان آموزنده و سودمند است، اما در همان حال آینه‌ای شفاف برای نگریستن به چهره درونی یکی از بزرگ‌ترین مصلحان ودانشمندان عصر ماست. به ویژه آنکه همسر و همسنگرش به‌درستی از مبالغه گریزان است و به طرز وسوسه‌انگیزی تلاش می‌کند از بازگو کردن برخی واقعیات که ممکن است بوی بزرگنمایی دهد هم اجتناب کند. اینکه او معتقد است: «چیزی که به مبالغه نزدیک است بهتر است که آدم نگوید.» و تأکید می‌کند: «خدا شاهد و گواه است که سعی می‌کنم یک کلمه‌اش غلو نباشد.» اینها و موارد بسیار دیگر، ارزشی صدچندان به گفتار او بخشیده و آن را از غالب کتاب‌های مشابه ممتاز کرده است.

به گفته ایشان، شهید صدر که در ۲۸سالگی دو کتاب مهم و تحول‌آفرین «فلسفتنا» و «اقتصادنا» را منتشر کرده بود، «فقط یک قبا داشت که همیشه همان را می‌شست و می‌پوشید. (شهید صدر) می‌گفت من یک تن بیشتر ندارم، همین برایم بس است. چرا بیشتر از یک لباس داشته باشم... اگر چیزی برایش می‌پرند، مثلاً عبا ی خیلی خوب و پارچه قبایی، (آنها) را هدیه می‌داد به طلبه‌ها. می‌گفت اینهاغریبند، بگذار اینها بیوبشد».

قصه پشتکار او هم شنیدنی است. می‌نویسد: «خیلی می‌نوشت (طوری که) دست‌ها و انگشت‌هاورم می‌کرد. آن وقت کمی آرد و ذره‌ای روغن حیوانی را با یک خُرد آب گرم خمیر می‌کردم، می‌بستم به انگشتش، رویش هم کهنه می‌بستم.»

شهید صدر در انجام نماز و واجبات خیلی مقید بود، اما نوشتن را بر مستحبات ترجیح می‌داد و می‌گفت: «مستحبات زیاد که بجا بیاورم، از نوشتن وقتم کم می‌شود. مستحبات ثواب برای خود من است، اما نوشتن به خاطر مردم است».

نکته گرام

قایلیاف رئیس مجلس شورای اسلامی: ارزیابی میزان تحقق احکام برنامه هفتم، دولت و مجلس نشان دادند که برای حل مشکلات کشور جدیت دارند، همدل‌اند و برای بهبود عملکردها تلاش می‌کنند. نظارت موشکافانه و مشفقانه، بخشی از وظیفه مجلس و در جهت تکمیل اقدامات ارزشمند دولت است. برنامه هفتم، میثاق مشترک ما و مردم است و مسئولانه برای تحقق آن تلاش خواهیم کرد.

علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر معظم انقلاب: کشور انگلستان ظاهراً در واپسین نفس‌های قدرتی است که زمانی مدعی بود «آفتاب در قلمرو اش غروب نمی‌کند»؛ و امروز به ذلتی افتاده که با رؤیای مبتنی‌بر حسرت از دست رفتن قدرت گذشته‌اش روزگار می‌گذراند.

محسن معتمدکیا، مدیرکل سابق روابط عمومی وزارت ورزش و جوانان: در تماس امروز با پدر مرحوم «صابر کاظمی» متوجه شدم که معاون دفتر رهبر معظم انقلاب، با خانواده بازیکن تیم ملی والیبال تماس گرفته و سلام و ابراز همدردی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را ابلاغ کرده است. پدر صابر، در غم فراق پسر رشیدش، قدردان محبت و توجه پدرانۀ رهبر انقلاب بود

علی خضریان، نماینده مجلس: آنچه پس از انحلال بانک آینده دارای اهمیت است، وصول بدهی و زیان انباشته ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی بانک در فرآیند گزیر است. باید از بانک مرکزی و آقای فرزین پرسید حضور فردی از افراد نزدیک به علی انصاری، سهامدار متخلف بانک در هیئت اجرایی به این امر کمک می‌کند؟

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید شهبازی، مدیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی: مادر جهانی زندگی می‌کنیم که همه از صلح صحبت می‌کنند، اما آنچه در میدان می‌بینیم جنگ است. سازمان‌های بین‌المللی که برای حفظ صلح جهانی تاسیس شده‌اند، ناکارآمد شده‌اند. قدرت‌های امپریالیستی و متجاوزان منافع خود را دنبال می‌کنند و خون بی‌گناهان را برای منافع خود می‌ریزند.

مهدی محمدی، مشاور رئیس مجلس: لبنان صحنه‌ای است که آشکار خواهد کرد هر یک از بازیگران اصلی نبرد در منطقه، از تجربیات ۷ اکتبر به این سو، دقیقاً چه آموخته‌اند.

مصطفی پورمحمدی، دبیر جامعه روحانیت مبارز: به دلسوزان و عقلای سیاست توصیه می‌کنم از اختلاف و فعال‌کردن شکاف‌ها پرهیز کنیم و منافع ملی را در اولویت بگذاریم. دشمن مترصد فرصت است؛ همان‌طور که رهبری فرمودند، «اتحاد مقدس» را حفظ کنیم تا انسجام ملی خدشه‌دار نشود و به ایران عزیزمان آسیبی نرسد.

الهام عابدینی، فعال رسانه: «اسرائیلی‌ها ۹۳٪ از زمین‌های کشاورزی غزه را نابود کرده‌اند.» کشتار و جنایت رژیم فقط منحصر به انسان‌ها نیست؛ به طبیعت هم رحم نمی‌کنند. هدفشان غیرقابل زیست شدن غزه است.

مهدی قاسم‌زاده، فعال رسانه: تا چند وقت پیش برای دستگیری‌اش جایزه چند میلیون دلاری تعیین کرده بودند اما امروز به او عطر هدیه می‌دهند و برای خوشبو کردنش نیز تلاش می‌کنند؛ هر چند بوی خون با هیچ عطری از بین نخواهد رفت اما واقعیت اینست که اساساً حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و... شعارهایی بیش نیستند!

از تانک تا الگوریتم

ایران در معرکه جنگ سرد فناوری هوش مصنوعی



محدودیت دسترسی به سخت‌افزارهای پیشرفته، دشواری جذب نخبگان و زیرساخت‌های نیمه‌تمام، همگی موانع پیشرفت سریع هستند. پارک نوآوری کیش، به منزله مرکز اصلی اجرای این طرح، نه تنها محل آزمایش فناوری‌های پیشرفته است، بلکه به مثابه نمونه‌ای از تعامل بین دولت، بخش خصوصی و پژوهشگران دانشگاهی نیز عمل می‌کند. این پارک با

رقابت منطقه‌ای نیز شدت یافته است: کشور‌های حوزه خلیج فارس با سرمایه‌گذاری‌های کلان و همکاری‌های بین‌المللی وارد میدان شده‌اند؛ ایران با تمرکز بر خودکفایی، بومی‌سازی فناوری و توسعه ظرفیت داخلی راهبرد متفاوتی اتخاذ کرده است. با وجود فرصت‌های بزرگ، چالش‌ها نیز جدی‌اند؛ از جمله تحریم‌های فناوری،

گزارش

عدالت آموزشی؟

نگاهی به رفع فیلتر دانشگاه‌های منتخب

علمی می‌شود، بلکه خلاقیت و نوآوری را نیز محدود می‌کند. در هفته گذشته رفع فیلتر محدود یوتیوب برای دانشگاه‌های منتخب، نمونه‌ای بارز از این محدودیت طبقاتی است که باید با راهکارهای سیاستگذاری عادلانه‌تر جایگزین شود. در نهایت، دسترسی برابر به اینترنت و منابع دیجیتال، نه تنها یک مسئله تکنیکی، بلکه یک ضرورت عدالت آموزشی و توسعه علمی کشور است. اگر این فاصله طبقاتی ادامه یابد، شکاف دانش، فرصت و تجربه میان نسل‌ها عمیق‌تر خواهد شد و رشد علمی کشور با محدودیت مواجه می‌شود. در این بین نیز هیچ یک از نهادهای حاکمیتی از جمله وزارت ارتباطات، مرکز ملی فضای مجازی و... که متولی رفع فیلتر هستند پاسخگوی این ابهامات و رفع فیلتر سلبی‌ای نیستند و ظاهراً این روند رفع فیلتر طبقات به همین شکل ادامه خواهد داشت!

همچنین پیامدهای بلندمدتی دارد، نسلی که به منابع جهانی دسترسی ندارد، فرصت‌های شغلی و تحصیلی بین‌المللی کمتری خواهد داشت. نقد این تصمیم نه به معنای مخالفت با بهبود دسترسی است، بلکه هشدار به مسئولان و سیاستگذاران است که اینترنت باید ابزاری فراگیر و مساوی برای همه شهروندان باشد، نه امتیازی محدود به عده‌ای خاص. در عصر جهانی‌شدن و آموزش دیجیتال، محدود کردن دسترسی به منابع مهم آموزشی می‌تواند رشد علمی کشور را با چالش مواجه کند و فرصت‌های برابر برای نسل جوان را کاهش دهد.

تجربه جهانی نشان می‌دهد کشورهایی که دسترسی آزاد به منابع آموزشی آنلاین را فراهم کرده‌اند، موفق‌تر عمل کرده‌اند. از سوی دیگر، محدودیت‌ها نه تنها باعث کاهش بهره‌وری

برای گروه خاصی در دسترس هستند، فرصت برای رشد و توسعه علمی همگانی کاهش می‌یابد و فاصله میان دانشگاه‌ها و جامعه علمی گسترده‌تر می‌شود. دانشجویان دانشگاه‌هایی که به یوتیوب دسترسی دارند، می‌توانند از ویدئوهای آموزشی، سخنرانی‌های اساتید جهانی و دوره‌های آنلاین بهره‌مند شوند، در حالی که دیگر دانشجویان مجبورند با منابع محدود داخلی یا فیلترشکن کار کنند. این وضعیت باعث می‌شود تجربه علمی و پژوهشی دو گروه کاملاً متفاوت شود.

از طرف دیگر، رفع فیلتر محدود برای برخی مراکز، می‌تواند موجب نابرابری اجتماعی و فرهنگی شود. وقتی نسل جوان تنها در دانشگاه‌های خاص با دانش جهانی آشنا می‌شود و دیگران از آن محروم‌اند، این اختلاف می‌تواند به شکل مستقیم بر کیفیت پژوهش، خلاقیت و توانایی رقابت علمی کشور تأثیر بگذارد.

گروه مجازستان

صبح صادق

در حالی که دسترسی به اینترنت برای بسیاری از کاربران ایرانی همچنان محدود و فیلتر شده است، خبر رفع فیلتر یوتیوب برای برخی دانشگاه‌ها و مراکز علمی باعث ایجاد نوعی «اینترنت طبقاتی» شده است. دانشجویان دانشگاه‌های منتخب می‌توانند از منابع آموزشی و پژوهشی جهانی بهره ببرند، در حالی که بخش عمده مردم، دانشجویان و پژوهشگران دیگر همچنان با محدودیت‌های شدید مواجه‌اند. این شکاف دسترسی، فراتر از یک مسئله تکنیکی، به موضوع عدالت آموزشی و فرصت برابر در عرصه علم و پژوهش مربوط می‌شود.

این محدودیت طبقاتی باعث ایجاد سؤالاتی جدی درباره سیاستگذاری دیجیتال و شفافیت می‌شود. وقتی ابزارهای جهانی آموزشی تنها

پژواک

مکس

بازسازی چهره رژیم صهیونی



رژیم صهیونیستی در پی سقوط کم‌سابقه محبوبیت خود در افکار عمومی آمریکا، به‌ویژه میان مسیحیان محافظه‌کار، پروژه‌ای چند ده میلیون دلاری را برای بازسازی وجهه خود با بهره‌گیری از فناوری‌های هوش مصنوعی آغاز کرده است. طبق گزارش روزنامه «هارآیتس»، سازمانی وابسته به وزارت امور استراتژیک تل‌آویو با نام «صدای اسرائیل» اجرای این طرح را برعهده دارد. این پروژه که «مکس» نام دارد، از فناوری‌های تحلیل داده، ردیابی موقعیت مکانی و ابزارهای تبلیغاتی دیجیتال برای شناسایی و تأثیرگذاری بر میلیون‌ها مسیحی انجیلی در آمریکا استفاده می‌کند.

گیتا

پرونده سلامت هوشمند



در شرایطی که امنیت داده‌های پزشکی و پرونده‌های بیماران به یکی از دغدغه‌های اصلی حوزه سلامت تبدیل شده، یک گروه فناوری ایرانی موفق به طراحی سامانه‌ای نوآورانه به‌نام «گیتا» شده است؛ نرم‌افزاری که با ترکیه بر فناوری بلاک‌چین، سوابق سلامت بیماران را به‌صورت امن، غیرقابل دست‌کاری و در لحظه ذخیره و مدیریت می‌کند. این سامانه با هدف مدیریت یکپارچه اطلاعات درمانی در بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی طراحی شده و امکاناتی مانند ثبت نسخه الکترونیک، مدیریت داروخانه، آزمایشگاه، و دسترسی سریع پزشکان به پرونده بیماران را فراهم می‌کند.

ارائه تسهیلات ویژه، همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی و جذب سرمایه‌گذاری محدود خارجی، تلاش دارد زنجیره کامل تولید و تحقیق هوش مصنوعی را در کشور محقق کند. از منظر ژئوپلیتیکی، این تلاش به معنای ورود ایران به فصل جدیدی از رقابت فناوریانه در منطقه است؛ فصلی که تانک و موشک دیگر تنها عامل تعیین‌کننده نیستند و قدرت واقعی در کنترل داده‌ها، الگوریتم‌ها و توان تحلیل سریع نهفته است. کشور ما با این اقدام می‌خواهد نشان دهد که حتی در شرایط تحریم، قادر است جایگاه فناوریانه خود را تثبیت کند و توسعه دهد. این مسیر اگرچه ظرفیت ایران را در فناوری، امنیت و اقتصاد تقویت می‌کند، همزمان فشارهای بین‌المللی، چالش‌های زیرساختی و رقابت شدید منطقه‌ای می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های کلان را با ریسک همراه کند. موفقیت یا شکست این پروژه، می‌تواند مسیر دهه آینده ایران در رقابت فناوریانه و امنیتی منطقه‌ای را تعیین کند.

در نهایت اینکه پارک نوآوری کیش و توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی نشان‌دهنده آغاز یک جنگ سرد فناوریانه جدید در خاورمیانه است، جایی که برنده نهایی نه فقط توان نظامی، بلکه تسلط بر داده‌ها، الگوریتم‌ها و فناوری‌های پیشرفته خواهد بود. این پروژه اگر با موفقیت پیش رود، ایران را به یکی از قطب‌های فناوریانه منطقه‌ای تبدیل می‌کند و می‌تواند مسیر جدیدی برای حکمرانی هوشمند و امنیت دیجیتال در کشور رقم بزند.

خبر خوب

داروی SMA

ایران دومین تولیدکننده



ایران با تولید داروی اورلیون به دومین کشور جهان پس از سوئیس تبدیل شد که موفق به تولید کامل داروی درمان بیماری آتروفی عضلانی نخاعی (SMA) شده است. این بیماری به‌دلیل نقص ژنتیکی باعث ضعف حرکتی، مشکلات بلع و تنفس می‌شود و درمان زودهنگام در آن حیاتی است. داروی اورلیون با استفاده از فناوری‌های پیشرفته سنتز مولکولی و روش‌های کاتالیزوری، رسوب و تبلور تولید شده و ماده مؤثره آن به‌صورت کامل در داخل کشور ساخته می‌شود.

یادداشت

چراغی که کم سو شد!

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

یک سال از استقرار مدیریت جدید در سازمان سینمایی کشور می گذرد؛ یک دوره زمانی تعیین کننده که قرار بود با رویکردی متفاوت، سینمای ایران را از رکود و حواشی سال‌های قبل خارج سازد. اما آنچه در عمل شاهد آن بوده‌ایم، در بسیاری از جهات، تکرار مکررات و حتی عقبگرد است.

فارغ از شعارها و آمارهای ارائه شده درباره افزایش گیشه و ساخت سالن (که عمدتاً ریشه در تکمیل پروژه‌های پیشین یا اقبال مقطعی مخاطب به برخی فیلم‌ها دارد)، نقد جدی به عمق سیاست‌گذاری و رویکرد فرهنگی این مدیریت وارد است. به نظر می‌رسد سینمای ایران از فقدان یک نقشه راه بلندمدت و باثبات رنج می‌برد و مدیریت کنونی بیش از آنکه به فکر اصلاح ساختارها باشد، حتی درگیر امور روزمره و تصمیم‌گیری‌های مقطعی هم نیست؛ بلکه شاهد یک بی‌عملی و انفعال از سوی سازمان سینمایی هستیم.

یکی از مصادیق این عدم ثبات، تکرار اشتباهات گذشته در برگزاری رویدادهای ملی است. دوباره کردن جشنواره فیلم فجر که پیش‌تر نیز تجربه شده و نتایج مثبتی به همراه نداشته، تنها به سردرگمی و تنش‌های بیشتر در بدنه سینما دامن می‌زند. همچنین، انتقال جشنواره‌های مهمی چون فیلم کوتاه به اماکنی مانند ایران‌مال، علیرغم تمامی توجیهات، این نگرانی را تقویت می‌کند که مدیریت سینمایی دولت، هیچ برنامه و سیاستی غیر از تکرار تجربیات اشتباه و شکست خورده دولت دوازدهم ندارد!

نگرانی جدی‌تر، زمزمه‌ها و اقدامات اولیه برای حذف یا تسهیل افراطی پروانه ساخت است. پروانه ساخت اگر چه حائز اشکالاتی است، اما سازوکاری برای تضمین حداقل‌های کیفی و انطباق آثار با موازین قانونی و فرهنگی کشور است. تضعیف این نهاد نظارتی، عملاً به افزایش بی‌رویه تولیدات کم‌کیفیت و سرریز شدن بازار با آثاری که فاقد محتوای غنی یا متناسب با فرهنگ ایرانی- اسلامی هستند، منجر خواهد شد. این امر نه تنها سینما را به ورطه بی‌هویتی می‌کشانند، بلکه باعث کاهش آمار مخاطبان نیز می‌گردد؛ زیرا مخاطب فهیم، به‌سرعت متوجه افت کیفی آثار شده و ترجیح می‌دهد از سبد فرهنگی خود، سینما را حذف کند. همچنانکه به طول سه دهه اخیر، این اتفاق افتاده است؛ برخلاف دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ که سینمای یکی از تقریحات سالم خیلیی از خانواده‌ها بود، این تفریح فرهنگی رفته رفته از برنامه خانواده‌ها حذف شد و امروز مشتری ثابت سالن‌های سینما کمتر از دو، سه درصد مردم هستند. این بم وجود داردکه با نحوه مدیریت سینما در دولت چهاردهم، این آمار کمتر هم بشود. همان طور که تعداد مخاطبان سینما در هشت ماه اول امسال در مقایسه با زمان مشابه سال قبل، چهار ملیون نفر کاهش یافته است. ان را بگذارید کنار افت کفی و محتوایی فیلم‌ها در سال جاری نسبت به دوسه سال قبل. در مجموع، عملکرد یک ساله سازمان سینمایی دولت چهاردهم، بیشتر حاکی از مدیریت از روی احتیاط و محافظه‌کاری بوده تا تحول و جسارت. این رویکرد، در نهایت به ضرر پویایی و حیات سینمای ملی تمام می‌شود. سینمای ایران نیازمند یک جهش کیفی است، نه صرفاً رونق کمی و گذرا.

نگاهی به وضعیت آثار طنز در سینمای ایران

سقوط کمدی!



در سال جاری، فیلم‌هایی چون «آقای زالو» (هرچند با بازیگران پرآوازه)، «ناجورها»، «قسطنطنیه» و «قرمز یواش» و... با تکیه بر فرمول‌های تکراری و متأسفانه بهره‌گیری بیش از حد از دیالوگ‌ها و موقعیت‌های دوبهلو یا صریح جنسی، حتی نتوانسته‌اند فروش‌های قابل توجهی را به دست آورند. طوری که آمار تعداد مخاطبان سینماها در سال ۱۴۰۴ در مقایسه با سال قبل کمتر شده است. اینکه این بار به جای یک فیلم کمدی، فیلمی تراژیک و تلخ در صدر جدول فروش قرار دارد، گویای عمق فاجعه درباره

فیلم‌های کمدی است.

این آثار به جای ارائه قصه‌ای منسجم، به زنجیره‌ای از سکانس‌های متصل تبدیل شده‌اند که در آن، بار اصلی خنده‌سازی بر دوش اشارات جنسی، یا تحقیر و تمسخر شخصیت‌های خاص و کلیشه‌های سطحی است.

«آقای زالو» با وجود تلاش برای پوشاندن لایه‌های اجتماعی، در نهایت قربانی تب گیشه‌گرایی شد و نتوانست به عمق مورد انتظار دست یابد و بیشتر بر شهرت بازیگران و همان شوخی‌های کلامی متکی بود. فیلم‌هایی مانند

◆ آنچه امروز در قالب «کمدی» به خورد مخاطب داده می‌شود، غالباً آثاری هستند که از کمبود شدید خلاقیت در فیلمنامه و فقدان هرگونه دغدغه اجتماعی رنج می‌برند.

◆ برخی سازندگان فیلم‌های کمدی ساده‌ترین راه برای تضمین گیشه را در عبور از خطوط قرمز اخلاقی و عرفی دیده‌اند. این نوع از کمدی، به جای ارتقای سلیقه مخاطب و رشد سینمای ملی، موجب یک رقابت ناسالم در ابتدال می‌شود.

◆ تفکیک بین «کمدی» و «ابتذال» باید به صورت جدی و بدون رودربایستی، با خط‌کش فرهنگی و اخلاقی صورت گیرد. شوخی‌هایی که به دلیل محتوای جنسی، غیراخلاقی و ترویج بی‌بندوباری یا تمسخر اقشار مختلف جامعه، خانواده‌ها را از دیدن فیلم در کنار هم منع می‌کنند، نباید از فیلتر عبور کنند.

◆ مخاطب است که باید مسئولیت‌پذیر باشد؛ مخاطبان نیز با نادیده گرفتن این آثار سخیف و استقبال از کمدی‌های اندیشمند (مانند معدود آثار درام- کمدی موفق سال‌های اخیر)، می‌توانند به فلمسازان این پیام را برسانند که سطح سلیقه بالاتر از آن چیزی است که تصور می‌شود.

مهدی امیدی

خبرنگار

نزول کیفیت آثار کمدی در سینمای ایران، موضوع جدیدی نیست؛ اما مسئله، تداوم و تشدید روزافزون این نزول است. سال ۱۴۰۴ را می‌توان سال عریان‌تر شدن این بحران دانست؛ سالی که در آن، با وجود حجیم‌تر شدن آثاری با رنگ و لعاب ابتذال، گیشه لاغرتر شد و ژانر کمدی که می‌توانست آینه‌ای تمام‌نما برای نقد و اصلاح اجتماع باشد، به ابزاری برای گذران وقت با توسل به سطحی‌ترین و گاه سخیف‌ترین شوخی‌ها تقلیل یافت.

این یک گزاره تکراری و کلیشه‌ای، اما حقیقی است که کمدی، در تعریف اصیل خود، نه فقط خندانند، که در انداختن اندیشه با ظرافت و لطافت است. این ژانر ظرفیتی عظیم برای واکاوی ناهنجاری‌ها، انتقاد از کژی‌های سیاسی و اجتماعی و طرح مفاهیم عمیق انسانی در لفافه‌ای شیرین و دلنشین دارد. آنچه امروز در قالب «کمدی» به خورد مخاطب داده می‌شود، غالباً آثاری هستند که از کمبود شدید خلاقیت در فیلمنامه و فقدان هرگونه دغدغه اجتماعی رنج می‌برند.

به جای طنز موقعیت، طنز کلامی هوشمندانه، یا کمدی شخصیت‌پرداز، فیلم‌ها به تکرار مکررات و شوخی‌های نخ‌نمای فیزیکی و کلامی روی آورده‌اند. هدف صرفاً تیک‌زدن لحظاتی برای خنده گرفتن است، حال به هر قیمتی. این رویکرد، در نهایت به خلق آثاری می‌انجامد که پس از اتمام، هیچ نکته یا پرسشی در ذهن مخاطب باقی نمی‌گذارند، جز تأسف برای هدر رفتن وقت و پول.

نکته دردناک‌تر اینجاست که این تهی بودن از محتوا، اغلب با پر کردن خلاء به وسیله شوخی‌های جنسی و غیر اخلاقی همراه شده است. متأسفانه، برخی سازندگان فیلم‌های کمدی ساده‌ترین راه برای تضمین گیشه را در عبور از خطوط قرمز اخلاقی و عرفی دیده‌اند. این نوع از کمدی، به جای ارتقای سلیقه مخاطب و رشد سینمای ملی، موجب یک رقابت ناسالم در ابتدال می‌شود.

سعید رضایی

خبرنگار

هفته کتاب و کتابخوانی، بهانه‌ای برای بررسی نقاط ضعف و قوت و آسیب‌ها و مسائل مغفول در عرصه نشر و مطالعه است. خواندن و مطالعه کردن، بدون شک یکی از ارکان رشد فکری و فرهنگی هر جامعه‌ای است. در سال‌های اخیر، گرچه تلاش‌هایی برای ترویج فرهنگ کتابخوانی صورت گرفته، اما یک سؤال اساسی همواره مطرح بوده است: آیا صرف مطالعه، بدون توجه به محتوا و کارکرد آن، می‌تواند به ارتقای جامعه کمک کند؟ واقعیت این است که در غیاب یک سیاست‌گذاری متمرکز و هوشمندانه برای «مطالعه مفید»، جامعه در معرض نوعی آشفنگی محتوایی قرار می‌گیرد که می‌تواند خوراک معنوی آن را تهدید کند. این خلأ در سیاست‌گذاری، نه تنها اثرات مثبت مطالعه را کم‌رنگ می‌سازد، بلکه زمینه‌ساز ورود محتوای نامناسب و حتی مضر می‌شود. این گزارش سعی دارد به واکاوی این معضل و راهکارهای برون‌رفت از آن بپردازد.

آن چیزی که از نفس مطالعه برای جامعه ما مهم‌تر است، مطالعه مفید است. اگر بپذیریم که کتاب، همچون غذا، خوراک روح و ذهن است، پس محتوای آن به اندازه کیفیت غذای جسم اهمیت می‌یابد. نبود سیاست‌های هدایت‌گر، باعث می‌شود بخش قابل توجهی از انرژی فکری جامعه صرف مطالعه‌ای شود که با ارزش افزوده‌ای ندارد و یا حتی می‌تواند اثرات مخربی بر باورها و اندیشه‌ها بگذارد.

متأسفانه توجه به این مهم در نهادهای فرهنگی و خصوصاً وزارت ارشاد کم‌رنگ است. یک نگاه به بازار کتاب نشان می‌دهد که در کنار آثار ارزشمند، حجم انبوهی از محتوای سطحی، ترجمه‌های بی‌کیفیت و حتی کتاب‌هایی با مبانی

«قسطنطنیه» نیز که می‌کوشند از طریق اغراق‌های فانتزی مخاطب را جذب کنند، در پیچ و خم شوخی‌های جنسی، رسالت اصلی خود را فراموش می‌کنند.

ایسن روند نه تنها شأن سینمای کمدی را پایین می‌آورد، بلکه با نادیده گرفتن «طنز ملی» و فرهنگ شوخ‌طبعی فاخر ایرانی، به ترویج ابتذال در خانواده‌ها می‌انجامد و سینما را از یک مرکز فرهنگی به یک بنگاه صرفاً تجاری (با استانداردهای نازل) تبدیل می‌کند.

این سقوط ناگهانی و روزافزون، مسئولیت‌هایی را متوجه نهادهای ناظر، تهیه‌کنندگان و حتی مخاطبان می‌کند:

اول، نهادهای نظارتی که لازم است در اعطای مجوز نمایش، استانداردها به شدت بالا برده شوند. تفکیک بین «کمدی» و «ابتذال» باید به صورت جدی و بدون رودربایستی، با خط‌کش فرهنگی و اخلاقی صورت گیرد. شوخی‌هایی که به دلیل محتوای جنسی، غیر اخلاقی و ترویج بی‌بندوباری یا تمسخر اقشار مختلف جامعه، خانواده‌ها را از دیدن فیلم در کنار هم منع می‌کنند، نباید از فیلتر عبور کنند.

دوم، تهیه‌کنندگان و فیلمنامه‌نویسان هستند که باید درک کنند گیشه امروز، لزوماً موفقیت فردای سینمای آنها نیست. تکیه بر سوزه‌های عمیق‌تر، طنز موقعیت و پرداخت درست شخصیت، راهی است که کمدی‌های ماندگار سینمای جهان طی کرده‌اند.

سوم هم مخاطب است که باید مسئولیت‌پذیر باشد؛ مخاطبان نیز با نادیده گرفتن این آثار سخیف و استقبال از کمدی‌های اندیشمند (مانند معدود آثار درام- کمدی موفق سال‌های اخیر)، می‌توانند به فلمسازان این پیام را برسانند که سطح سلیقه بالاتر از آن چیزی است که تصور می‌شود. سینمای کمدی ما امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازگشت به ریشه‌های خود، یعنی طنز اندیشمند، اجتماعی و انتقادی است.

این زمینه حساسیت لازم را ندارند و نتیجه‌اش در رفتار و شخصیت فرد بروز می‌یابد.

آموزش و پرورش، دامن نهاد تربیتی و فرهنگی مهم بعد از خانواده است. نهادینه کردن علاقه و سواد مطالعه مفید در دوران کودکی و نوجوانی، مهم‌ترین موتور محرک این جریان در کشور است.

رسانه ملی (صداوسیما) هم برای تربیت و فرهنگ‌سازی، در رتبه بعدی قرار دارد. هنوز هم صداوسیما و ویژه‌شبکه‌ها تلویزیونی، نافذترین رسانه در منازل و خانواده‌های ایرانی است و تولید برنامه‌های پر محتوا و مرتبط با مطالعه مفید و معرفی هدفمند کتاب‌های سالم و تأثیرگذار، می‌تواند نقش قابل توجهی در ترویج داشته باشد. توسعه و تجهیز کتابخانه‌ها با هدف ترویج مطالعه مفید باید در دستور کار نهادهای متولی و مدارس و سازمان‌ها و ادارات مختلف قرار بگیرد. کتابخانه‌ها نباید فقط مرکز عرضه کتاب باشند بلکه باید به مراکز هدایت فکری هم تبدیل شوند.

حمایت هدفمند هم تأثیرگذار است. اختصاص یارانه‌های کافی و هدفمند به نشر و توزیع کتاب‌های مفید و تشویق ناشران خوب هم لازم و بایسته است.

به موازات کار ایجابی باید کار سلبی علیه مطالعه مضر هم صورت بگیرد. هر چند که امروز با گسترش و نفوذ فضای مجازی، تقریباً همه کتاب‌ها در اینترنت و کانال‌های مجازی هم قابل دسترسی هستند اما عرصه نشر نیازمند برنامه‌ریزی برای مقابله با ورود کتاب‌های مخرب و مسموم به بازار است.

مجموع این فعالیت‌ها باید به عنوان یک سیاست کلان ملی، نه یک برنامه کوتاه‌مدت، تعریف شوند تا بتوانند ظرف یک نسل، تحول بسیار خوبی در کیفیت و میزان مطالعه ملت ما ایجاد کنند.

جای خالی

سیاست گذاری!



کتابدار، به عنوان کتابخانه‌دار، به عنوان متصدی پخش، به هر عنوانی که با کتاب ارتباط دارد، حق نداریم این را در اختیار افرادی قرار بدیم که آگاه نیستند، ملثفت نیستند.» (بیانات در این کلام، یک راهبرد کلیدی را پیش روی نهادهای متولی می‌گذارد: مسامحه در برابر محتوای مضر، به مثابه مسامحه در برابر سلامت معنوی جامعه است. گاهی در بازار کتاب، جریان‌های فعال انتشاراتی در پوشش کار فرهنگی مشغول فعالیت سیاسی هستند و بخشی از تهاجم نرم دشمنان را پوشش می‌دهند؛ موضوعی که هوشیاری و سیاست‌گذاری صحیح را به سدی مهم در برابر جنگ نرم تبدیل می‌کند.

ترویج و توسعه کتابخوانی و هدایت آن به سمت محتوای مفید، کاری نیست که یک دستگاه یا وزارتخانه بتواند به‌تنهایی انجام دهد. در واقع این یک مقوله چندبخشی است و نیاز به هماهنگی چند ارگان با یکدیگر دارد:

شاید مهم‌ترین نهاد، خانواده باشد؛ پدر و مادر، نخستین آموزگاران انسان‌ها هستند و فرد در خانواده می‌آموزد که سراغ چه خوراک فرهنگی و رسانه‌ای برود، خیلی از خانواده‌ها در

قبیله عشق

تدریس بندگی!



شهید معلم و سرباز «علیرضا تنابنده» از شهدای حمله رژیم صهیونی به خاک مقدس ایرانی است؛ تنابنده از جمله معلم‌هایی بود که اولویتش تدریس بچه‌های کم برخوردار بود، مادر شهید درباره او می‌گوید: «هنوز هم باور ندارم که علیرضا شهید شده، زیرا آنقدر جایگاهش در خانواده چهار نفره ما بزرگ بود که اگر به این باور برسیم به نظرم ادامه زندگی برایم غیر ممکن خواهد شد و آن روز... پسر عزیزم دوران خدمت سربازی را می‌گذراند و پنج ماه بیشتر از پایان آن نمانده بود، علیرضا هر روز سه و نیم صبح از خواب بر می‌خاست، ساعت ۵ صبح به محل خدمتش ستاد حفاظت اطلاعات ناجادر ونک می‌رسید و قبل از رفتن به داخل به من پیامک می‌داد «امامان عزیزم من رسیدم... مواظب خودت باش... دوست‌تان دارم...» هر روز و هر روز و آن روز آخرین پیامش را داد. جواب پیامش را با عشق دادم، پیامی که هرگز خوانده نشد.

زمانی که جنگ شروع شد، من و پدر علیرضا تهران نبودیم به محض اینکه فهمیدیم به طرف تهران راه افتادیم. آن روز علیرضا خانه‌اش بود، خانه‌ای که با همسرش با عشق وسایلش را خریده و چیده بودند.

حدود پنج ماه می‌شد که از کنار ما رفته بود، آن هم بی‌هیچ مراسمی... دلم می‌خواست او را در لباس دامادی ببینم، آرزویی که هر مادری دارد، اما می‌گفت: «امامان، فعلاً وقت این کارها را ندارم» و من به او نگفتم که می‌خواستم بعد از اتمام خدمتش برایش جشن عروسی بگیریم و با همسر می‌گفتم تا آن زمان فرزند علیرضا هم به دنیا می‌آید و در عروسی شان حضور دارد و از این فکر ذوق می‌کردیم.

پسر عزیزم بعدازظهرها درگیر مدرسه و شاگردانش بود. شاگردانی که بعد از رفتن علیرضا خانواده‌های‌شان گفتند گویی فرزندشان یتیم شده‌اند. شب‌ها هم برنامه‌ریزی و پاسخ به تماس‌های کاری‌اش را داشت.

بعد از شهادتش فهمیدم کلاس‌های رایگان زیادی برای شاگردان بااستعداد، اما کم‌برخوردار برگزار می‌کرده است. همیشه می‌گفت: «آینده با آموزش درست می‌شود، تربیت و آموزش بچه‌های امروز برای ساختن فردایی بهتر.»

علیرضا سراسر عشق بود؛ وقتی به شهادت رسید، به یکباره یاد روزی افتادم که عکسش را به من نشان داد و پرسید: «امامان، به نظرت شبیه کی هستم؟» نگاهش کردم، شوخی کردیم و خندیدیم، بار دیگر سؤال کرد: «امامان، خوب نگاه کن...» باز هم نگاه کردم، سکوت کرده بودم. خودش گفت: «شبیه شهدا

شده‌ام، شهیدی که هنوز زنده است.»

جا خوردم که این حرف رازد، اما باز عکس را جلوریم گرفت و گفت: «به خدا، امامان، نگاه کن، عکسم شبیه شهداست.» حالا بعد از رفتنش هر وقت به عکسش نگاه می‌کنم یاد همان روز می‌افتم. به چشمانش خیره می‌شوم و حس می‌کنم چشمانش زنده‌تر از همیشه به من نگاه می‌کند.



عکس‌ها: حامد گودرزی

رئیس دفتر عقیدتی - سیاسی فرماندهی معظم کل قوا در سومین همایش هادیان سیاسی پیشکسوت نیروهای مسلح

رژیم صهیونی در همه جنگ‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکست خورده است

حق و باطل یک جریان همیشگی است. بنابراین نباید به حوادثی مانند دوازده روزه به صورت مقطعی و انقضاء‌دار نگاه کرد؛ بلکه این تقابل همیشگی است و در آینده مجدداً امکان دارد رخ بدهد؛ چرا که امام علی(ع) فرمودند که «حقّ و باطل و لکل اهل» حق و باطل همیشه اهل خودش را دارد. پس تا مادامی که جریان حق وجود دارد جریان باطل هم در مقابل اوست.»

رئیس دفتر عقیدتی-سیاسی فرماندهی معظم کل قوا با اشاره به ۱۲ جنگ بزرگ رژیم صهیونی در طول ۷۵ سال خاطر نشان کرد: «رژیم صهیونی پیش از انقلاب اسلامی پنج جنگ بزرگ داشته که همگی آنها با اعراب بوده و در همه آنها پیروز میدان بوده است؛ اما در هفت جنگی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده، به سبب حرکت مقاومت و بیداری ملت‌های مسلمان، همواره تلاش رژیم غاصب با شکست همراه بوده است.»

حجت‌الاسلام سعیدی درباره برخی از زمینه‌های شکل‌گیری جنگ دوازده روزه هم گفت: «فشار به چین برای نخریدن نفت از ایران، اعتصاب کامیون‌داران و گزارش گروسی از جمله برنامه‌های دشمن برای شکل‌گیری آشوب و فتنه در داخل کشور بود؛ ولی وقتی از این موارد نتوانست به نتیجه برسد، به حمله نظامی دست زد.»

رئیس دفتر عقیدتی – سیاسی فرماندهی معظم کل قوا در ادامه عوامل اشتباه رژیم صهیونی و ایادی آنها را برشمرد و گفت: «رژیم صهیونی و آمریکا با چند تصور اشتباه وارد جنگ با ایران شد که مهم‌ترین آنها، تصور اشتباه از تضعیف بازوان ایران در منطقه، توهم ضعف و چالش درون نظام و دولت، برداشت نادرست از هم‌راهی ملت ایران، انکاه به عناصر جاسوس، پیشنهاد مذاکره برای ایجاد بهانه، اعتماد به سیستم دفاعی و باور به پشتیبانی و ورود آمریکا و در نهایت برداشت ناقص از ظرفیت دفاعی ایران بود.»

وی با اشاره به تفاوت رژیم صهیونی و آمریکا در مقابله با ایران گفت: «رژیم صهیونی در برخورد با ایران رویکرد نظامی، امنیتی و اجتماعی دارد؛ یعنی معتقد است ابتدا باید در ایران جنگ شکل بگیرد و نقاظ امنیتی مورد حمله قرار بگیرد تا آشوب‌های خیابانی رخ بدهد؛ اما آمریکا در تلاش است تا ابتدا به صورت امنیتی و اجتماعی وارد کشور شود؛ سپس عملیات نظامی را راه‌اندازی کند.»

حجت‌الاسلام سعیدی در خصوص اهداف دشمن در جنگ ۱۲ روزه اظهار داشت: «رژیم صهیونی و آمریکا با چهار رویکرد وارد جنگ با ایران شدند: نابودی تأسیسات هسته‌ای، تخریب توان موشکی، متلاشی کردن اتحاد ملی و در نهایت فروپاشی نظام جمهوری اسلامی.»

وی با تأکید بر اینکه کسی همانند رهبر معظم انقلاب بر ایرانیت و پرچم پافشاری نمی‌کند، اذعان داشت: «دشمن انتظار داشت ظرف دو هفته غائله جنگ را تمام کند و کشور را فلج کند؛ اما مدیریت رهبر معظم انقلاب سبب شد تا جنگ از فروپاشی به انسجام و از انسجام به اقتدار تبدیل شود؛ این مطلبی است که باید نویسندگان و تحلیلگران آن را تبیین کنند.»

۸۵هزار بازنشته سپاه را به کار گرفته ایم

«سردار علیرضا عظیمی‌جاهد» رئیس سازمان پیشکسوتان سپاه‌با بیان اینکه بازنشتگان مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و تجربه‌های ارزشمند هستند، اظهار

داشت: «ما در میان پیشکسوتان متخصصین زیادی داریم که علاوه بر تخصص‌های نظامی و اداری، هنرمند، تحلیلگر سیاسی و تخصص در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی دارند.»

وی درباره اهمیت نقش پیشکسوتان اظهار داشت: «پیشکسوتان، تأثیرگذاران جامعه امروز هستند و باید از این ظرفیت بهره برد. برخی از این پیشکسوتان طرح‌هایی را برای خودکفایی دولت، معشیت مردم و روابط خارجه ارائه می‌دهند که هر یک از اینها قابل استفاده است؛ اما به جهت اینکه عنوان و صفت بازنشستگی در کارنامه کاری آنها نقش بسته است، متأسفانه ایده‌های آنان چندان خریداری ندارد؛

بنابر این باید برای این افراد اقدام جدی انجام داد.» سردار جاهد با اشاره به پیگیری‌ها و حمایت‌های سردار شهیدسلامی خاطر نشان کرد: «با حمایت‌های جدی سردار سلامی توانستیم از ۱۸۰ هزار پیشکسوت، ۸۰ هزار مرد و ۵۵۰۰ خواهر بازنشته را دوباره و با توجه به کارآمدی‌ها و تجربه‌های آنان به‌کارگیری کنیم.»

رئیس سازمان پیشکسوتان سپاه درباره هدف اصلی از پاسدار افتخاری گفت: «ما می‌خواهیم بازنشستگی را از کارکنان سپاه حذف کنیم؛ چرا که هر فرد تجربیات و اندوخته‌هایی دارد که مورد نیاز است و نباید این تجربیات به راحتی از بین برود. از طرفی هم ادامه همکاری پاسداران برای سلامتی فکری و جسمی آنها هم مفید است.»

وی ادامه داد: «یکی از اقدامات سازمان پیشکسوتان راه‌اندازی قرارگاه استمرار رسالت پاسداری است که در عرصه‌های آموزش، اعتیاد، بسیج، جبهه مقاومت و دولت مشغول به فعالیت است. بخش آموزش نزدیک به ۲۰ میلیون نفر را آموزش داده‌اند.»

مشکل سودان نفوذ غرب است

در ادامه این مراسم «سردار سرتیپ‌رسول سنایی‌راد»، معاون سیاسی سازمان عقیدتی – سیاسی فرماندهی کل قوا با اشاره به آشوب‌های سودان که به ظاهر داخلی و بین دو ژنرال است، گفت: «دعای اصلی در سودان بر سر قدرت و ثروت است و بازیگران بیرونی نقش مهمی در این قضیه دارند. برای نمونه، رژیم صهیونی و امارات نقش‌های برجسته‌ای در این بحران دارند. البته نباید از نقش انگلیس و فرانسه هم غافل شد؛ چرا که این دو کشور سابقه طولانی در نفوذ به آفریقا دارند و در تلاشند تا نفوذ خود را در رقابت با چین حفظ کنند.»

وی افزود: «امارات در این ماجرا درگیر است و سالانه حدود ۴۰ تن طلا از سودان برداشت می‌کند و قاچاق می‌کند؛ پس از سقوط سودان جنوبی و از دست رفتن ۷۵درصد منابع نفتی، طلا به منبع اصلی درآمد سودان تبدیل شده است؛ این طلا عمدتاً از طریق قاچاق و پولشویی به خارج از کشور منتقل می‌شود.»

معاون سیاسی سازمان عقیدتی – سیاسی فرماندهی کل قوا با اشاره به اینکه سودان حلقه اتصال آفریقا و خاورمیانه شناخته می‌شود، گفت: «این کشور ۸۵۰ کیلومتر ساحل دارد؛ همانطور که گفتیم سودان به دلیل منابع معدنی، مانند طلا و اورانیوم، برای بسیاری از کشورها اهمیت دارد و جالب اینجاست که کشورهای انگلیس، آمریکا، فرانسه، روسیه و رژیم صهیونی که نقش پررنگی در این کشور دارند به دو طرف جبهه داخلی کمک می‌کنند تا هر کدام



که به پیروزی رسید، روابطشان با آن کشورها به هم نخورد.»

وی ادامه داد: «در این میان عربستان سعودی و مصر نقش حمایتی دارند و به ویژه در حمایت از ارتش ملی سودان فعال هستند. اینها کشورهایی به دلایل ژئوپلیتیکی و برای دسترسی به منابع معدنی سودان، درگیر این مناقشات هستند.»

سردار سنایی تصریح کرد: «ما باید به وضعیت سودان توجه کنیم، چرا که تحولات آن نه تنها برای این کشور، بلکه برای منطقه و حتی برای ما مهم است. باید مواظب باشیم تا از تهدیدهای خارجی و داخلی پیشگیری کنیم و نقش مؤثری در این تحولات ایفا کنیم.»

مشکلات اقتصادی قابل حل هستند

در ادامه این مراسم دکتررسول بخشی نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه آمار نقدینگی کشور با تولید همخوانی ندارد، گفت: «توجه و اهتمام جدی به تولید می‌تواند کشور را از مشکل نقدینگی نجات دهد؛ برای مهار این وضعیت، باید کاری کنیم که نرخ رشد نقدینگی از نرخ رشد تولید بیشتر نباشد. مثلاً اگر تولید سالانه ۳ درصد رشد می‌کند، نقدینگی نباید بیشتر از ۳ درصد افزایش یابد. بانک مرکزی باید سیاست‌های پولی را طوری تنظیم کند که خلق پول بی‌رویه متوقف شود.»

وی اضافه کرد: «هرچه نرخ بهره بالاتر باشد، خلق پول افزایش می‌یابد و رشد اقتصادی کاهش پیدا می‌کند. در کشورهایی که نرخ بهره پایین است، خلق پول کنترل‌شده‌تر انجام می‌شود.»

این نماینده مجلس در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان نرخ بهره را پایین آورد اظهار داشت: «نرخ بهره را می‌توان به ۳ درصد هم رساند منتی باید در قبال این اقدام در خصوص بحث مالیات جدی‌تر ورود کرد؛ چرا که با مالیات است که می‌توان از ورود بی‌رویه سرمایه‌گذاران به بازارهای غیرمولد مثل طلا و املاک جلوگیری شود در عوض شرایط را برای بخش تولید مهیاکنند.»

بخشی تأکید کرد: «برای جذب سرمایه‌گذاری واقعی، باید فضای امن و شفاف برای سرمایه‌گذاران فراهم شود تا افراد بتوانند با اطمینان در تولید مشارکت کنند.»

وی تصریح کرد: «بخش خصوصی-شامل افراد و شرکت‌ها، حدود ۷۰ درصد نقدینگی را در اختیار دارد، در حالی که ۹۹ درصد مردم از این نقدینگی سهم کمی دارند. این نشان می‌دهد توزیع پول در اقتصاد بسیار نابرابر است.»

این نماینده مجلس با اشاره به اینکه هشت درصد منابع جهانی در کشور ماست، اظهار داشت: «استفاده درست از ظرفیت‌های کشور نه تنها می‌تواند کشور را از نقدینگی خارج کند؛ بلکه کشور را در عرصه تولید به شدت جلو می‌برد.»

بخشی تصریح کرد: «در حال حاضر ۸ بانک دولتی داریم که طبق گزارش دیوان محاسبات، ۶۴۴ شرکت زیرمجموعه ایجاد کرده‌اند که عمده فعالیت آنها بنگاه‌داری است. این یعنی بخش زیادی از سرمایه کشور در شرکت‌های غیرمولد حبس شده است.» وی در پایان اظهار داشت: «در سال‌های اخیر ارزش ریال در برابر دارایی‌هایی مانند طلا، سکه و دلار کاهش یافته است. برای اصلاح این وضعیت باید سیاست پولی، مالی و تولیدی کشور هماهنگ شود تا ریال دوباره ارزش خود را بازیابد.»

معاون حقوقی سپاه در مراسم رونمایی از دادنامه خانواده شهدای امنیت علیه دولت تروریست آمریکا

۲۵ سال خشونت سازمان یافته شیطان بزرگ



احسان بهاری

خبرنگار

دادنامه خانواده شهدای امنیت ناآرامی های ۱۴۰۱ علیه دولت تروریست آمریکا با حضور «ابراهیم عزیزی» رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، سردار «سهرابعلی ششمخانی» معاون حقوقی سپاه و جمعی از خانواده شهدا در دانشگاه جامع انقلاب اسلامی رونمایی شد.

♦ پیگیری حقوقی یک وظیفه است

«ابراهیم عزیزی» رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: «دادخواهی معظم شهدای امنیت ناآرامی های ۱۴۰۱ را می توان با سازوکارهایی به نتیجه رساند. مجلس نیز آمادگی دارد تا منابع مورد نیاز برای این اقدام را دنبال کند تا ما در کشور های هدف بتوانیم این پرونده ها و این احکام را به نتیجه برسانیم.»

وی با تأکید بر لزوم همراهی همه اجزای نظام در این حرکت، اظهار کرد: «دولت هم باید احساس مسئولیت بکند. معاونت های حقوقی عریض و طویل دولت نباید صرفاً به یک رویکردهای سطحی و بعضاً سیاسی بسنده کرده و آنجا را به یک باشگاه سیاسی تبدیل کنند؛ بلکه باید بیایند به وظایف خودشان در این موضوع خوب عمل بکنند.»

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با انتقاد از عملکرد بنیاد شهید، گفت: «بنیاد شهید ما باید خیلی جدی، خیلی محکم وارد عمل شود.»

♦ بغض انباشته ملت ایران

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: «گزارش نهادهای اطلاعاتی افرادی که اقدامات ناامن ساز را در کشور انجام دادند، عموماً سرویس های موساد آنها را پشتیبانی کردند.»

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تأکید کرد: «رژیم کثیف و منحوس صهیونیستی بداند، ما بغضی انباشته در سینه داریم. بغض شهدای جنگ ۱۲ روزه و شهدای امنیت که اکثر شان با تحریک رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند.»

♦ ۴۸ میلیارد دلار غرامت

در ادامه این مراسم مادر «شهید مختارزاده» دادنامه شعبه ۵۵ دادگاه روابط بین الملل را قرائت کرد: «بنا بر این حکم، دولت آمریکا به دلیل طراحی

آشوب های ۱۴۰۱ با همکاری سیا، موساد و اینستاگرام، توثیتر، به پرداخت بیش از ۴۸ میلیارد دلار خسارت مادی، معنوی و غرامت تنبیهی به ۵۸۲ خانواده شهید و ۲۵ جانباز محکوم شناخته شد.»

♦ اینستاگرام و توثیتر؛

ابزارهای جنگ رسانه ای

در بخش از این دادنامه، به نقش محوری پلتفرم های اجتماعی در پیشبرد اهداف آشوب طلبان پرداخته شده است و دادگاه با بیان اینکه فضای مجازی یک شخصیت مستقل ندارد، مشخصاً به اقدامات اینستاگرام و توثیتر اشاره کرد و گفت: «اینستاگرام در هفته میلیون ها پست و هزاران صفحه باز کرده و تمام مستندات این موضوع مبنی بر ترویج خشونت، تبلیغ فروش سلاح گرم، تشویق مردم به تخریب اموال عمومی و خصوصی جمع آوری شده است.» این حکم همچنین به اقدامات هدفمند توثیتر اشاره و اظهار کرد: «توثیتر در ناآرامی های سسال ۱۴۰۱، به طور میانگین ماهانه ۴۰۰۰ حساب فارسی باز کرده است، اما در یک ماه اولیه ناآرامی ها، بیش از ۵۰ هزار حساب ساختگی فارسی زبان به دستور آمریکا باز شد.»

دادگاه با تصریح بر این موضوع که این ۵۰ هزار حساب در اختیار افراد واقعی نبوده، افزود: «این حساب ها را چندین فرد به صورت رباتیک مدیریت می کنند تا جنگ تبلیغاتی

و روانی علیه جمهوری اسلامی ایران به راه بیندازند.»

♦ فلسفه قدرت محوری غرب

در بخش دیگر مراسم «سردار علی ششمخانی»، معاون حقوقی سپاه گفت: «با استناد به تاریخ ۲۵۰ ساله جنایات واشنگتن که به کشته شدن حدود ۱۰۰ میلیون نفر منجر شده، این رویکرد محصول فلسفه قدرت محوری ماکیاولی، نیچه و سوءاستفاده از نظریه داروین است.»

وی با تأکید بر اینکه این خشونت ها و کشتار ها به ذات شیطانی آمریکا بازمی گردد، به سخنان امام خمینی (ره) اشاره کرد و گفت: «همانطور که حضرت امام(ره) در چهارم آبان سال ۴۲ در بحث کاپیتولاسیون فرمودند، «همه گرفتاری های ما از آمریکا است، همه گرفتاری های ما از اسرائیل است و اسرائیل هم از آمریکاست». آمریکا بد طولانی از جنایت و خیانت در کشور ما و جهان داشته و دارد.» معاون حقوقی سپاه با انتقاد شدید از بهانه قرار دادن درگذشت یک خانم جوان برای راه اندازی اغتشاشات در ایران، وضعیت پلیس ایران و آمریکا را اقلایسه کرد و گفت: «در حالی که به پلیس ما تهمت خشونت زدن، سازمان های رسمی در آمریکا اعلام می کنند که پلیس این کشور سالانه بیش از ۱۲۰۰ نفر را به قتل می رساند. قانون به پلیس آمریکا اجازه می دهد که با احساس خطر، شلیک کند و اکثر قربانیان نیز از سیاه پوستان هستند.»

نمایش اقتدار مهندسی ایران

قالب های پل تکنولوژی ۲۰۲۲ اتریش بود که به دست متخصصان داخلی بومی سازی شده و با مدیریت دانش قابل استفاده در دیگر پروژه های ملی است.

پل B۱ بیلقان بخشی از پروژه بزرگراه شمالی کرج است؛ مسیری که قرار است بار ترافیکی محورهای غرب استان تهران و البرز را به طور چشمگیری کاهش دهد. این پل عظیم هفت دهانه دارد؛ سه دهانه اصلی به طول های ۹۷، ۹۷ و ۱۷۳ متر است و چهار دهانه فرعی هر یک ۴۰ متر طول دارند. ستون های مرکزی این پل با ارتفاعی تا ۱۳۲ متر، در زمره مرتفع ترین ستون های سازه ای کشور قرار گرفته اند.

«پل بیلقان» را می توان با دو نمونه مشهور جهانی مقایسه کرد: پل Millau Viaduct فرانسه؛

این پل که سال ها نماد افتخار مهندسی اروپا بود، با هزینه ای میلیاردی و تحت مدیریت چندین شرکت چندملیتی اجرا شد. اکنون فناوری مشابهی در اجرای پل بیلقان، با هزینه ای بسیار کمتر و بدون دخالت کشورهای دیگر، در ایران اسلامی تحقق یافته است. پل Sutong چین؛ یکی از پیچیده ترین پل های کابلی آسیاست که فناوری اجرای دهانه بلند و سیستم اکسترادوز در آن به کار رفته است. کارشناسان معتقدند نسبت دهانه به ارتفاع ستون در پل بیلقان، در همان سطح فنی پل های آسیای شرقی است، با این تفاوت که در ایران، این کار به دست مهندسان جوان داخلی انجام شده است. به بیان ساده تر، ایران توانسته است به دانش فنی ای دست یابد که اروپا و شرق آسیا برای آن میلیارد ها دلار هزینه کرده اند.

در حالی که برخی از جریان های غرب زده سال ها پیش مدعی بودند «ایران توان ساخت سازه های پیچیده را ندارد»، اکنون این پل نشان می دهد با مدیریت جهادی و اعتماد به نیروهای داخلی، هر قله ای فتح شدنی است.

مستولان پروژه اعلام کرده اند پیشرفت فیزیکی پل تا کنون به ۷۰ درصد رسیده و پیش بینی می شود با تکمیل آن، صرفه جویی روزانه قابل توجهی در مصرف سوخت و کاهش بار ترافیکی محورهای شمالی کرج رخ دهد.

این پل، صرفاً یک سازه بتنی نیست؛ اعلام حضور ایران در میدان مهندسی جهان است. نمادی از آنچه رهبر معظم انقلاب سال ها پیش فرمودند: «ما می توانیم، اگر بخواهیم و به خودمان اعتماد کنیم.»

۱۵ پاسدار

شماره ۱۲۱۳ | دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴

صداقت

روی خط

شهید طهرانی مقدم افتخار ماست

۰۹۱۲۰۰۰۳۳۷۱/ برای نزول رحمت الهی باید و باید توبه و استغفار کرد این تنها راهی است که باران رحمت را بر سر ما نازل می کند؛ این وعده خداوند است.

۰۹۱۶۰۰۰۸۲۸۲/ برخی هامی گویند که ترامپ، جولانی را تحقیر کرده که برای عکس گرفتن هم به خاطر او از جایش بلند نشده؛ یکی به این ها بگوید که مگر جولانی جایگاهی داشت که بخواهیم برای او نسخه تحقیر شدن هم بیچیم یک داعشی وحشی خون آشام که به دست خود آمریکایی ها روی کار آمده که دیگر احترام ندارد. ۰۹۳۷۰۰۰۵۰۰۱/ محور مقاومت در منطقه نشان داد که آنچه حق است نرفتن زیر سلطه آمریکایی ها و غرب است.

۰۹۱۲۰۰۰۷۲۹۷/ تنها راه شکست آمریکا در همه جای دنیا این است که حقیقت آمریکا را باید به مردم کشورها نشان داد؛ هر چند در این میان افراد غربگرایی هستند که حاضرند کشورشان را مفت و مجانی در اختیار غربی ها بدهند!

۰۹۱۹۰۰۰۴۷۹۴/ خداقت به بچه های سپاه که پل بیلقان را به این زیبایی و با این مهندسی پیچیده خلق کردند. شکری از کرج ۰۹۲۱۰۰۰۹۷۶۳/ خدا رحمت کند شهید طهرانی مقدم را که همه افتخارات امروز ما به برکت تفکر و روحمتی است که این شهید و شاگردان او در صنعت موشکی کشیدند. برای شادی روح این شهید بزرگوار صلوات و فاتحه ای قرائت کنید.

۰۹۱۹۰۰۰۴۵۱۶/ چه ده های با غیرت ایرانی گرم که علی رغم مخالفت رسانه های معاند کم نمی آورند و پای کار می ایستند؛ امیدوارم با سرمربی ایرانی فوتبال آقای قلعه نویی برای نخستین بار به مراحل بالاتر جام جهانی صعود کنیم

۰۹۱۲۰۰۰۳۴۶۶/ اقتدار دستگاه های امنیتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شناسایی و برخورد جانانه با جاسوسان صهیونی و غربی قابل ستایش است دست مرزباز به حافظان اقتدار و امنیت ایران.

۰۹۳۶۰۰۰۱۳۵۷/ تانیا هو سگ هار منطقه شبکه های اجتماعی را سلاح خود معرفی کرده همین موضوع کفایت می کند تا اهمیت مقابله با جنگ شناختی و عملیات روانی دشمن دوچندان شود پس وظیفه مسئولان باید ایجاد سازوکار برای تقویت امنیت سایبری به منظور کاهش آسیب پذیری و تقویت امنیت مردم باشد.

۰۹۱۲۰۰۰۳۷۱۳/ خواهشاً مسئولان به فکر باشند برخی از بانک های نسبت به وام های ازدواج سهل انگاری می کنند یا تاخیر می اندازد؛ جوان در ابتدای زندگی به این مبالغ نیاز جلدی دارند شما که وضعیت اقتصادی را می بینید.

۰۹۳۷۰۰۰۵۵۷۳/ شبکه های خانگی و صدا و سیما وقتی می بینند مردم به سمت سریال هایی مثل یوسف پیامبر و حتی زیر آسمان شهر به این اندازه علاقه نشان می دهند با اینکه لااقل ۲۰ سال از تولیدشان می گذرد نمی خواهند سریال های بسازند که هم دینی باشد و هم اینکه به کانون خانواده و دوستی و محبت بین اعضای خانواده تکیه دارد؟

۰۹۱۷۰۰۰۳۷۹۴/ مسئولان خواهشاً فکری به حال وضعیت حجاب کنید برخی ها دیگر شورش را درآورده اند! این سبک پوشش یقیناً با همکاری دشمن است والا خانواده ایرانی هیچگاه راضی نمی شود خواهر یا مادرش با این وضعی بیرون بیایید.

۰۹۳۳۰۰۰۸۱۶۴/ هفته بسیج نزدیک است؛ برای این عزیزان که در جنگ دوازده روزه شبانه روز تلاش کردند با ایست بازرسی هایی که شکل دادند با گشت های شبانه ای که انجام دادند دشمن را ذله کردند برای همین سازمان بسیج مستضعفین را مورد حمله قرار دادند.

۳۰۰۰۹۰۰۳۳
سامانه پیامکی هفته نامه صبح صادق
هفته نامه صبح صادق

صداق

هفته‌نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سردبیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سیامک‌باقری،سعدالله‌زادعی،

عزیز‌غضنفری، مهدی‌سعیدی،فتح‌الله‌پریشان،

علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصاری‌راد

دبیر‌تحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیرفنی: محمد‌صالح‌نادری

نگارش‌و‌ویرایش:‌محبوبه‌حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس: حامد‌گودرزی

ناظر‌چاپ:سعيدقاسمی

چاپ: مرکز چاپ‌سپاه: ۰۲۱)۳۵۲۲۴۴۶(

تلفن: ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۰(

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۳۶

سامانه پیامک: ۰۲۳۳۰۰۹۹۰۰

شماره ۱۲۱۳ / دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴

کتابيه

بانوی آب

زنی از خاک، از خورشید، از دریا، قدیمی‌تر

زنی از هاجر و آسیه و حوا قدیمی‌تر

زنی از خویشتن حتی، از اعطینا، قدیمی‌تر

زنی از نیت پیدایش دنیا، قدیمی‌تر

که قبل از قصه «قالو بلی» این زن بلی گفته‌ست

نخستین زن که با پروردگارش یا علی گفته‌ست

ملانک در طواف چادرش، پروانه پروانه

به سوی جانمازش می‌رود سلاانه سلاانه

شیی در عرش از تسبیح او افتاد یک دانه

از آن دانه بهشت آغاز شد، ریحانه ریحانه

نشانند آن دانه را در آسمان با گریه آیش داد

زمین خاکستری بود، اشک اورنگ و لعابش داد

زنی آن‌سان که خورشید است سرگرم مصابیحش

که باران نام او را می‌ستاید در تواشیحش

جهان آرایه دارد از شگفتی‌های تلمیحش

جهان این شاه‌مقصودی که روشن شد ز تسبیحش

ازل مبهوت فردایش، ازل حیران دیروزش

ندانم‌های عالم ثبت شد در لوح محفوظش

چه بنویسم از آن بی‌ابتدا، بی‌انتها، زهرا

ازل زهرا، ابد زهرا، قدر زهرا، قضا زهرا

شگفتا فاطمه! یا للعجب! و احیر تا! زهرا

چه می‌فهمم من از زهرا و ما آدراک ما زهرا!

مرادر سایه خود بُرد و جوهر ریخت در شعرم

رفوی چادرش مضمون دیگر ریخت در شعرم

مدام او وصله می‌زد، وصله دیگر بر آن چادر

که جبرائیل می‌بندد دخیل پر بر آن چادر

ستون آسمان‌ها می‌گذارد سر بر آن چادر

تیتیم می‌کند هر روز پیغمبر بر آن چادر

همان چادر که مأوای علی در کوچه‌ها برده‌ست

کمی از گرد و خاکش رستخیز کربلا بود‌مست

غمی در جان زهرا می‌شود تکرار در تکرار

صدای گریه می‌آید به گوشش از در دیوار

تمام آسمان‌ها می‌شود روی سرش آوار

که دارد در وجودش روضه می‌خواند کسی انگار

برایش روضه می‌خواند صدایی در دل باران

که یا آما! آنا المظلوم، آنا المقتول، آنا العطشان

خدا را ناگهان در جلوه‌ای دیگر نشان دادند

که خوب آفرینش را به زهرا ار مغان دادند

صدای کودکش آمد، تمام عرش جان دادند

ملانک یک به یک گهواره او را تکان دادند

صدای گریه آمد، مادرم می‌سوخت در باران

برای کودک خود پیُهن می‌دوخت در باران

وصیت کرد مادر، آسمان بی‌وقفه می‌بارید

حسینم هر کجا خفته، قدم آرام بردارید!

تن او را به دست ابری از آغوش بسپارید

جهان تشنه‌ست، بالای سر او آب بگذارید

زمان رفتنش فرمود: می‌بخشید مادر را

کفن‌هایم یکی کم بود، می‌بخشید مادر را

بمیرم بسته می‌شد آن نگاه آهسته آهسته

به چشم ما جهان می‌شد سیاه آهسته آهسته

صدای روضه می‌افتد به راه آهسته آهسته

زنی آمد به سوی قتلگاه آهسته آهسته

بُنی تشنه‌ای مادر برایت آب آورده...

سیدحمیدرضا برقی

صبحانه

مبارزه با سستی

تبلی دشمنی است که در لباس راحتی به سراغ انسان می‌آید، پس پنج دقیقه طلایی را تصاحب کن.

کافی است فقط پنج دقیقه شروع کنی. اغلب، سخت‌ترین قسمت، همان آغاز است. وقتی حرکت کنی،

جریان پیدا می‌کنی و تبلی عقب می‌نشیند.

داستان

عصر ظهور

خدا می‌دانست در آینده، گروهی از نسل

کفار، به اراده و اختیار خودشان مسلمان

می‌شوند. پس به خاطر آنها پدران را از مجازات

سریع معاف کرد.

وقتی دیدم جوانی کانادایی از کابین ماشین

بالا رفته و پرچم فلسطین مظلوم را دور

گردنش گسره زده، وقتی دیدم جوان‌های بور،

زیر همان پرچم جمع شده‌اند، وقتی دیدم

جفت آسمان خراش‌های تورنتو قرار گذاشته‌اند

شمرده شمرده آیه آل‌عمران را فریاد بزنند و همه

خشم‌شان را بریزند توی حنجره، وقتی دیدم به

همه کافر‌های عالم، حتی کس وکار خودشان

وعده شکست و حشر به جهنم می‌دهند،

وقتی دیدم نمی‌توانند از «الی جهنم» بگذرند

و پشت سر هم تکرارش می‌کنند، وقتی دیدم

عین نگهبان‌های دوزخ، خط و نشان برای کفار

می‌کشند و تحقیرشان می‌کنند، وقتی دیدم

باد مأمور شده به وزیدن تا صدای الله اکبر

تلخند

زمین‌خواری رژیم صهیونی در سوریه!
کارتون‌نیست: میکائیل چفتچی_ترکیه



سلامت

قند تلخ

زهر ا حسینی

کارشناس تغذیه

هر زمانی که بدن شخص نتواند به اندازه کافی انسولین تولید کند یا انسولین تولید شده را درست استفاده کند، آن شخص به دیابت مبتلا خواهد شد. انسولین همان هورمونی است که لوزالمعده آن را در بدن تولید می‌کند. این هورمون، قند را از خون گرفته و به داخل سلول‌های بدن منتقل می‌کند تا بدن از آن قند برای انرژی استفاده کند.

در مبتلایان به دیابت یا میزان انسولین کم است یا انسولین به دلایل گوناگون تأثیر کافی ندارد و سلول‌ها نمی‌توانند قند موجود در خون را به درستی جذب کنند. در نتیجه، میزان قند یا گلوکز در خون بالا می‌رود و با گذشت زمان، این موضوع موجب آسیب به برخی اعضای بدن می‌شود.

دو نوع دیابت وجود دارد؛ دیابت نوع یک و دیابت نوع دو:

دیابت نوع یک که به آن دیابت وابسته به انسولین نیز گفته می‌شود و شیوع کمتری دارد، دلایل ژنتیکی و محیطی علت شروع بیماری هستند که هنوز به طور کامل هم شناسایی نشده‌اند. افراد در هر سنی ممکن است که به دیابت نوع یک مبتلا شوند، اگرچه این نوع دیابت در کودکان و جوانان شایع‌تر است.

دیابت نوع دو که از آن به عنوان دیابت غیر وابسته به انسولین نیز یاد می‌شود، شایع‌ترین نوع دیابت در جهان است که معمولاً به دلیل مقاومت سلول‌های بدن نسبت به انسولین رخ می‌دهد. دیابت نوع دو در بزرگسالان بیشتر دیده می‌شود، ولی به دلیل اضافه وزن، کاهش تحرک و تغذیه نامناسب، شیوع آن در جوانان و نوجوانان هم رو به افزایش است.

نوشیدن زیاد مایعات و تشنگی بیش از حد، پر خوری، تکرر ادرار، خستگی بیش از حد، مشکلات بینایی، کاهش وزن، بهبود نیافتن زخم و عفونت‌های عودکننده، علایمی هستند که با وجود داشتن آنها بهتر است به پزشک مراجعه شود.

صادقانه

بهشت جاودان

امام جعفر صادق(ع) می‌فرماید: «اهل دوزخ از این‌رو در دوزخ جاودان باشند که نیت داشتند اگر در دنیا جاودان

باشند همیشه نافرمانی خدا کنند و اهل بهشت از این‌رو در بهشت جاودان باشند که نیت داشتند اگر در دنیا باقی

بمانند همیشه اطاعت خدا کنند، پس این دسته و آن دسته به سبب نیت خویش جاودانی شدند.»

(اصول کافی، ج ۳، ص ۱۳۵-۱۳۶)

غیر رسمی

ارتباط عاطفی

با خانواده شهدا



در دیداری که رهبر معظم انقلاب در مشهد با خانواده‌های شهدا داشتند، یک روز از خانواده‌ای دلجویی می‌کردند که چهار فرزندشان شهید شده بود. امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) بعد از اینکه عکس شهیدان را برای‌شان آوردند، از اسامی همه اعضای خانواده سؤال فرمودند. بعد از معارفه، آقا افراد را با اسم کوچک صدا می‌زدند و هدایایی به آنها می‌دادند. در پایان، هدیه‌ای نیز به پدر و مادر شهید تقدیم کردند. در این بین، یکی از برادران این شش‌های بزرگوار که جانباز بود، آمد و پس از دستبوسی_از روی شوق_شروع به گریه کرد. رهبر معظم انقلاب از او دلجویی کردند. پدر شهید گفت: «آقا، برای همسر ایشان دعا کنید، چون بیمار است و دکترها پول کلانی برای مداوایش خواسته‌اند.» امام خامنه‌ای فرمودند: «هیچ ناراحتی ندارم، ان‌شاءالله مشککش حل خواهد شد.» فرای آن روز همسر این برادر به دستور آقا در بیمارستان بستری و تحت معالجه قرار گرفت. در پایان دیدار مجدداً آقا افراد خانواده را به اسم صدا زدند و به آنها شیرینی دادند و به دست مبارکشان شیرینی در دهان بچه‌ها گذاشتند.

آقای مجتبی سادات فاطمی (شهد)

حسن ختام

باران مهربانی،بیار...

سلام یوسف زهرا، ای یار مهربان سفر کرده، سلام امید روشن شب‌های تاریک فراق! در میان شلوغی دنیا آمدنت را به انتظار نشسته‌ایم. پناه بر لحظه امن بودند، از آه جانسوز و باریدن‌های غمگنانه‌ای که سوی چشمانم را برده و یاد پیامبری را در دلم زنده کرده که عطر پیراهن یار، نور را به دیدگانش برگرداند. نور لحظه‌های تاریک دوری، بگو کجا بیایمست؟ تلخم از این نبودن، همچون کسی که فراق یار جانش را به آتش کشاند؛ اما دلش به عطر حضوری خوش بود که معشوق روزی از آنجا عبور کرده و رتی از مهربانی‌اش بر جا گذاشته! عبور کن از کوچه‌های غم زده دلی که به سختی لحظه‌های زندگی را تاب می‌آورد. عبور کن از این روز‌ها که آسمان خاکستری دنیا، راه نفس را بسته و بگو این رنج چرا تمامی ندارد؟ قلب‌مان همان شهری است که روزهاست تشنه باران است، همان کویر ترک خورده‌ای که عطش این دیدار جانش را به لب رسانده، بودند را فریاد می‌زند. این هوای سنگین بی‌باران لطافت حضورت را می‌طلبد. صاحب دنیا! چقدر نبودنت زندگی را دشوار کرده! دستان بی رمق رو به آسمان‌مان را دریاب و صدای آمدنت را به ما برسان. مهربان‌ترین پدر! برای سختی‌های این روزهای ما دعا کن. این همه نیاز و فریاد و دعا و استغاثه، برای اجابت، تنها آمین‌تورا می‌طلبد.

